

اهمیت و ضرورت اعمال نظارت احتیاطی در نظام بانکی

(قسمت دوم)

دکتر ولی اله سیف

نمی‌توان این‌گونه نحوه عمل را نیز ضامن گسترش سلامت و ثبات در کل نظام مالی تلقی کرد.

برای نمونه، منتقدان محدود ساختن دامنه عملیات بانک‌ها و تفکیک عملیات بانکداری از سایر فعالیت‌های مالی، بر این باورند که ورود بانک‌ها به عرصه فعالیت‌های

غیربانکداری می‌تواند سطح رقابت را در کل نظام مالی کشور افزایش دهد. ورود بانک‌ها به عرصه فعالیت‌های مربوط به تضمین فروش اوراق بهادار می‌تواند فاصله موجود میان قیمت تضمین شده به صادرکننده اوراق بهادار و قیمت پرداخت شده برای اوراق بهادار به‌وسیله عموم کاهش داده و از این طریق، کارایی بازارهای اوراق بهادار را افزایش داد. به همین ترتیب ورود بانک‌ها به عرصه صنعت بیمه می‌تواند موجب شکل‌گیری شبکه‌های اثربخش ارائه خدمات بیمه به مشتریان شود و از این طریق هزینه‌های مربوط را کاهش دهد. افزون بر این، ترکیب فعالیت‌های بانکداری با سایر فعالیت‌های مالی می‌تواند به شکل‌گیری مجتمع‌های مالی



نظارت احتیاطی در نظام بانکی در بیش‌تر موارد شامل محدودساختن دامنه فعالیت‌های مجاز در بانک‌هاست

پرسش‌هایی در زمینه شیوه نظارت احتیاطی در نظام بانکی

چارچوب طرح شده برای درک و شناخت ضرورت وجود نظارت احتیاطی در نظام بانکی و اشکال گوناگون اعمال این نوع نظارت را می‌توان به منظور ارزیابی مباحث اساسی مرتبط با اثربخشی

نظارت احتیاطی در حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی، نیز مورد استفاده قرار داد. در ادامه مباحث نوشتار حاضر، به بررسی و ارزیابی هشت موضوع اساسی و مؤثر بر شیوه نظارت احتیاطی در نظام بانکی پرداخته می‌شود.

دامنه محدودیت‌های ناشی از محیط قانونی

در مباحث قبل چنین استدلال شد که نظارت احتیاطی در نظام بانکی در بیش‌تر موارد شامل محدود ساختن دامنه فعالیت‌های مجاز در بانک‌هاست. اگر چه محدودساختن دامنه فعالیت‌های بانک‌ها می‌تواند بسیاری از فرصت‌های موجود برای مخاطره‌پذیری از جانب آن‌ها را محدود سازد، اما

با این وجود، منتقدان تفکیک و جداسازی عملیات بانکداری از سایر فعالیت‌های مالی مانند داد و ستد اوراق بهادار، چنین ادعا می‌کنند که در مورد سوءجریان‌های مربوط به عملیات تضمین فروش اوراق بهادار در دوره‌های پیش از تصویب نهایی قانون گلاس-استیگال، تا اندازه‌ی زیادی اغراق و گزافه‌گویی شده است؛ ضمن آن که، مقامات و مراجع نظارتی از اقتدار بسیار زیادی برای ردیابی سوءجریان‌های مرتبط با فعالیت بانک‌های تجاری در زمینه داد و ستد اوراق بهادار برخوردار بوده و به آسانی قادرند تا ترتیبات بازده موثری را در این خصوص به کار گیرند. افزون بر این، شواهد تجربی برخاسته از پژوهش‌های مالی و بانکداری گویای آن است که تضاد منافع میان نمایندگان اقتصادی، که به پدیدار

شدن سوءجریان‌های مربوط به تضمین فروش اوراق بهادار منجر می‌شود، را نمی‌توان به عنوان نوعی دشواری عمده و درخور ملاحظه تلقی کرد. این همه در حالی است که ظهور سازو کاری با عنوان **دیواره‌های آتش** برای تفکیک

و جداسازی عملیات گوناگون بانک‌ها نیز می‌تواند مانع عمده‌ای در مسیر شکل‌گیری تضاد منافع میان طرفین رابطه نمایندگی باشد. اتکا بر دیواره‌های آتش زمینه‌ساز ایجاد محدودیت در گسترش دامنه شبکه حفاظتی به سایر فعالیت‌های تجاری بانک‌ها مانند داد و ستد اوراق بهادار و عملیات بیمه نیز می‌شود.

بر پایه مباحث مطرح شده تاکنون می‌توان این گونه استنتاج کرد که یکی از مسایل اساسی در فرایند طراحی هر نوع نظام نظارت احتیاطی همانا تشخیص نوع محیط نظارتی و میزان محدودیت‌های حاکم بر آن است. پژوهشگران بسیاری تلاش‌های در خور توجهی را در راستای پاسخگویی به این موضوع به عمل آورده‌اند؛ برای نمونه، برخی از آن‌ها با استفاده از داده‌های منحصر به فرد موجود در بانک جهانی، ماهیت محیط نظارتی و محدودیت‌های حاکم بر آن را در محدوده‌ی شصت کشور جهان، بررسی کرده و با یکدیگر تطبیق داده‌اند. در این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری پیشرفته، تعامل موجود میان ساختارهای نظارتی و مالکیتی گوناگون، عملکرد نظام مالی و سلامت و ثبات نظام بانکی به دقت مورد ارزیابی قرار گرفته و پاسخ سه پرسش مشخص به ترتیبی که در ادامه این نوشتار به آن پرداخته

بزرگی منجر شود که به دلیل تنوع عملیات، احتمال ورشکستگی و ناتوانی آن‌ها بسیار اندک می‌باشد. بنابراین فراهم ساختن زمینه حضور بانک‌ها در سایر عرصه‌های مالی نه تنها به شکنندگی و ناپایداری نظام مالی منجر نمی‌شود، بلکه سلامت و ثبات آن را نیز افزایش می‌دهد.

این در حالی است که حامیان تفکیک و جداسازی عملیات بانکداری از سایر فعالیت‌های مالی مانند داد و ستد اوراق بهادار، مسکن، بیمه و بانکداری سرمایه‌گذاری که همگی مخاطرات بسیاری به همراه دارند، قائل به این باورند که ورود بانک‌های تجاری به محدوده‌ی چنین فعالیت‌هایی می‌تواند عامل گسترش بی‌ثباتی در نظام مالی و ناتوانی و ورشکستگی بانک‌ها باشد. این گروه هم‌چنین معتقدند که

ورود بانک‌ها به محدوده‌هایی مانند تضمین فروش اوراق بهادار می‌تواند عامل بروز تضاد منافع بالقوه میان بانک‌ها و ارکان بازار سرمایه باشد. برای نمونه، بررسی گفت و شنودهای صورت گرفته

در کنگره کشور آمریکا پیش از اجرای قانون گلاس-استیگال در سال ۱۹۳۳ به موارد مربوط به بانک‌هایی اشاره دارد که به تضمین فروش اوراق بهادار تازه انتشار یافته مبادرت کرده بودند. این بانک‌ها به دلیل ناتوانی در فروش اوراق بهادار به عموم ناگزیر آن‌ها را به صندوق‌های امانی خود واگذار کرده و از این بابت متحمل زیان‌های عمده‌ای شده بودند. شواهد حاصل از این بررسی‌ها آشکارا گویای آن است که واگذاری و فروش اوراق بهادار به وسیله این بانک‌ها متعاقباً منجر به وارد آمدن زیان‌های عمده به صندوق‌های امانی بانک‌ها نیز شده بود. موارد دیگری هم وجود دارد که در آن بانک‌ها به دلیل نامطلوب بودن شرایط بازار، خود ناگزیر از تحصیل اوراق بهاداری که فروش آن‌ها از جانب آن‌ها تضمین شده بود. افزون بر این، مدافعان جدایی عملیات بانکداری از سایر عملیات مالی چنین استدلال می‌کنند که گسترش دامنه شبکه حفاظتی نظام بانکی با سایر فعالیت‌های مالی چنین استدلال می‌کنند که گسترش دامنه شبکه حفاظتی نظام بانکی به سایر محدوده‌های مالی می‌تواند منجر به حذف اثرهای نظام بازار بر نظام بانکی شود و در عین حال مخاطره‌پذیری در محدوده فعالیت‌های مالی غیربانکی را افزایش داده و پایداری و ثبات آن‌ها را به مخاطره افکند.

فراهم ساختن زمینه حضور بانک‌ها در سایر عرصه‌های مالی سلامت و ثبات نظام مالی را افزایش می‌دهد

می‌شود، جستجو و ردیابی شده است.

نخست آن که آیا کشورهای برخوردار از محدودیت‌های عمده و سخت‌گیرانه در مورد امکان ورود بانک‌های تجاری به محدوده‌ی فعالیت‌های داد و ستد اوراق بهادار، عملیات بیمه و خرید و فروش مسکن از نظام‌های مالی با ثبات ولی فاقد کارایی لازم برخوردارند؟ شواهد گردآوری شده نشان‌دهنده آن بوده است که هیچ‌گونه رابطه معنی‌دار و قابل اعتماد آماری میان محدودیت‌های نظام نظارتی بانک‌ها در زمینه ورود به محدوده فعالیت‌های دادوستد اوراق بهادار، عملیات بیمه و خرید و فروش مسکن با سطح توسعه یافتگی نظام مالی یا رقابت در عرصه صنایع گوناگون وجود ندارد. با این حال، یافته‌های پژوهشی نشان‌دهنده‌ی آن است که میان اعمال محدودیت بر بانک‌ها در زمینه ورود به عرصه داد و ستد اوراق بهادار با افزایش نرخ بهره رابطه نسبی وجود دارد؛ و این امر نشان می‌دهد که چنین محدودیت‌هایی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش کارایی در عرصه نظام بانکی باشد. افزون بر این، در آن دسته از کشورهایی که از محدودیت‌های نظارتی شدید در زمینه فعالیت بانک‌ها در عرصه داد و ستد اوراق بهادار برخوردارند، احتمال بروز بحران‌های مالی به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند. شواهد گردآوری شده به وضوح نشان می‌دهد که اعمال محدودیت‌های نظارتی در زمینه تفکیک عملیات نظام بانکی از سایر فعالیت‌های مالی، به ویژه دادوستد اوراق بهادار، نه تنها منافع قابل توجهی را به همراه ندارد بلکه می‌تواند پیامدهای نامطلوب بسیاری را نیز دربرگیرد. حقیقت آن است که ایجاد بستر لازم برای ورود بانک‌ها به حوزه دادوستد اوراق بهادار نه تنها موجب افزایش کارایی کل نظام بانکی می‌شود بلکه ثبات نظام

همراه ندارد بلکه می‌تواند

پیامدهای نامطلوب بسیاری را نیز دربرگیرد. حقیقت آن است که ایجاد بستر لازم برای ورود بانک‌ها به حوزه دادوستد اوراق بهادار نه تنها موجب افزایش کارایی کل نظام بانکی می‌شود بلکه ثبات نظام

محدودیت‌های مربوط به جداسازی عملیات بانکداری از فعالیت تجاری، از نظام‌های مالی با ثبات ولی فاقد کارایی لازم برخوردارند؟ شواهد گردآوری شده گویای آن است که اعمال محدودیت بر هم زمانی عملیات بانکداری و فعالیت‌های تجاری از هیچ‌گونه اثر نامطلوبی بر کارایی یا توسعه و تکامل نظام مالی کشورها برخوردار نیست، اما چنین محدودیت‌هایی دارای نوعی رابطه معنی‌دار آماری با افزایش احتمال بی‌ثباتی مالی در کشور است. به بیان دیگر، شواهد حاصل از این پژوهش هیچ‌گونه حمایتی را از استدلال مبتنی بر کاهش شکنندگی نظام مالی، که یکی از اساسی‌ترین برهان‌های پشتوانه تفکیک عملیات بانکداری از فعالیت‌های تجاری است، به عمل نمی‌آورد. بنابراین، ترکیب شواهد مربوط به پاسخ‌گویی به پرسش اول با شواهد گردآوری شده در راستای پاسخ‌گویی به پرسش دوم، استدلال‌های ارائه شده برای ایجاد نوعی محیط نظارتی برخوردار از محدودیت‌های شدید و اعمال آن بر نظام بانکی را به صورت کاملاً جدی در موضع ضعف قرار داده است.

در نهایت آن که آیا وجود نوعی نظام بانکی برخوردار از مالکیت دولتی می‌تواند به ناکارآمدی نظام مالی منجر شود؟ پاسخ ارائه شده به این پرسش، که اساساً مبتنی بر شواهد معتبر می‌باشد، مثبت است؛ زیرا وجود مالکیت دولتی در نظام بانکی هر کشور منجر به عدم توسعه بانک‌ها، ناکارآمدی نظام غیربانکی و بازارهای اوراق بهادار می‌شود. شواهد گردآوری شده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش سوم با پیش‌فرض اقتصاددانان در مورد انگیزه‌های موجود در بخش خصوصی برای ایجاد نهادهای مالی برخوردار از کارایی عملیاتی در نظام مالی و واگذاری آن به بخش خصوصی، انطباق کامل دارد.

راه کاری برای حل و فصل دشواری‌های سیاست حمایت از عدم ورشکستگی بانک‌های بزرگ

همان‌گونه که در مباحث قبل به آن اشاره شد، گزینش و به کارگیری سیاست حمایت از بانک‌های بزرگ و پیش‌گیری از ورشکستگی و ناتوانی آن‌ها می‌تواند چالش‌های بسیاری را در برابر اقدامات مربوط به طراحی نظام‌های نظارت احتیاطی قرار دهد. ناتوانی و سقوط بانک‌های بزرگ موجب وارد آمدن زیان‌های بسیار زیاد به سپرده‌گذاران و سایر صاحبان نفع

مالی را نیز به همراه می‌آورد. اگر چه شواهد حاصل از این پژوهش را نمی‌توان به عنوان مبنای ارائه نوعی حکم قطعی در مورد دامنه فعالیت بانک‌ها تلقی کرد، اما یافته‌های آن مبین مواردی است که حامیان تفکیک و جداسازی عملیات بانکداری از فعالیت‌های دادوستد اوراق بهادار ناگزیر از پاسخ‌گویی به آن‌ها می‌باشد.^۷

دومین پرسش مطرح شده از جانب این پژوهشگران به این قضیه مربوط است که آیا کشورهای برخوردار از

یکی از مسائل اساسی در فرآیند طراحی هر نوع نظام احتیاطی، همانا تشخیص نوع محیط نظارتی و میزان محدودیت حاکم بر آن است

می‌شود و می‌تواند از نوعی اثر منظم و قاعده‌مند بر کلیت نظام مالی و شکل‌گیری نوعی بحران مالی فراگیر در آن برخوردار باشد؛ و از همین روست که دولت‌ها در جهت جلوگیری از ورشکستگی چنین بانک‌هایی دست به هر اقدامی می‌زنند. از سوی دیگر، آگاهی مقامات بانک‌های بزرگ از تلاش‌ها و اقدامات دولتی برای پیش‌گیری از ناتوانی و ورشکستگی چنین بانک‌هایی موجب می‌شود تا آن‌ها از انگیزه لازم برای مخاطره‌پذیری بیش‌تر برخوردار باشند و این وضعیت سبب می‌گردد تا شکنندگی نظام مالی افزایش پیدا کند. بنابراین یکی از مسایل اساسی در

محدوده نظارت احتیاطی بر نظام بانکی همانا دست‌یابی به شیوه‌هایی است که با استفاده از آن امکان محدود ساختن انگیزه‌های مخاطرات اخلاقی در بانک‌های بزرگ فراهم آید.

بررسی‌های به عمل آمده در نقاط مختلف جهان نشان می‌دهد که مراجع و نهادهای فعال در زمینه نظارت بر نظام بانکی، تلاش‌های گسترده‌ای را جهت تدوین ساز و کارهای موثر برای نظارت بر سازمان‌های بانکی پیچیده و بزرگ به عمل آورده‌اند.^{۱۰} با رشد و گسترش دامنه تلفیق نهادها و بنگاه‌های مالی و ظهور مجتمع‌های تجاری بزرگ، چنین تلاش‌هایی از روند رو به رشدی برخوردار بوده و به تدوین و تصویب قوانین و مقررات گوناگونی مانند قانون گرام - لیچ - بلایلی در سال ۱۹۹۹ میلادی نیز منجر شده است. مطالعه در تلاش‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف جهان نشان دهنده آن است که کار گروه‌ها و هسته‌های تخصصی متعددی به بررسی در زمینه شیوه نظارت بر سازمان‌های بانکی بزرگ مشغولند؛ بررسی‌هایی که عمدتاً در دو جهت کلی قرار دارد. نخست آن که، تاکید روز افزونی برگزینش و به کارگیری رویکرد نظارتی وجود دارد؛ رویکردی که بر پایه آن، کفایت و تناسب الگوهای داخلی و شیوه‌های مدیریت مخاطره در بانک به منظور تعیین حجم سرمایه مورد نیاز برای رویارویی با مخاطره اعتباری و مخاطره بازار، مورد توجه قرار می‌گیرد. دوم آن که، در راستای ایجاد انگیزه‌های مناسب برای مدیران و ارکان مختلف سازمان‌های بانکی پیچیده و بزرگ، تاکید فزاینده‌ای بر استفاده از نظام بازار قرار دارد.^{۱۱}

پژوهشگران مالی و بانکداری تلاش‌های گسترده‌ای را برای شناسایی شیوه‌های گسترش اتکا بر نظام بازار به عمل

آورده‌اند که حاصل آن، دست‌یابی به دو نتیجه با اهمیت بوده است؛ اولین اقدام همانا تاکید و تمرکز بر الزاماتی است که بر پایه آن‌ها افشای اطلاعات درباره مخاطره نهایی عملیات تضمینی بانک‌ها، توزیع فراوانی اعتبارات اعطایی برحسب طبقه‌بندی مخاطره داخلی و هم چنین تمرکز اعتبارات بر حسب نوع صنعت، محدوده

منظور از بدهی‌های مشروط
اشاره به نوع خاصی از بدهی است
که به لحاظ تقدم در بازپرداخت
آخرین رتبه را اختیار می‌کند

جغرافیایی و نوع استقراض‌کننده، گسترش می‌یابد. اطلاعات افشا شده باید زمینه مساعدی را برای بازیگران عرصه بازار در زمینه قضاوت در مورد تناسب شیوه مدیریت مخاطره در بانک‌های

بزرگ و خروج احتمالی وجوه در شرایط نامتناسب بودن شیوه مدیریت مخاطره فراهم کند. دومین اقدام در زمینه اتکا بر نظام بازار، افزایش انتشار بدهی‌های مشروط از جانب سازمان‌های بانکی بزرگ می‌باشد. منظور از بدهی‌های مشروط^{۱۲} اشاره به نوع خاصی از بدهی است که به لحاظ تقدم در بازپرداخت، آخرین رتبه را اختیار می‌کند. دارندگان بدهی‌های مشروط به دلیل مخاطراتی که پیش روی آن‌ها قرار دارد، از انگیزه‌های بسیاری برای اعمال نظارت بر بانک‌ها برخوردارند؛ و چنین است که وجود بدهی‌های مشروط می‌تواند زمینه‌ساز استفاده از نظام بازار برای اعمال نظارت بر بانک‌های بزرگ باشد.

نظام بازار

اهمیت مفهوم بازار و شیوه کارکرد آن در زمینه گسترش سلامت و ثبات در نظام مالی، محور بسیاری از دیدگاه‌ها و آرای ابرار شده در حوزه نظریه نظارت بر بانک‌ها بوده است.^{۱۳} اما یکی از دشواری‌های مربوط به مباحث طرح شده پیرامون نظام بازار و مفهوم آن در ادبیات بانکداری به نامحدود بودن و گستردگی بیش از حد این مفهوم مرتبط است؛ و از همین روست که بسیاری از متفکران بانکداری پالایش مجدد مفهوم نظام بازار را لازمه شناخت اثربخشی آن در فرایند نظارت بر بانک‌ها می‌دانند. بر همین پایه بوده است که دو بعد مشخص از مفهوم نظام بازار به این شرح طرح شده است.

۱- نظارت^{۱۴} که بر اساس آن، سرمایه‌گذاران قادرند تمام تغییرات در وضعیت بنگاه اقتصادی را به نحوی دقیق و صحیح شناسایی کرده و ارزیابی‌های خود را به گونه‌ای به هنگام در قیمت‌آوردن به‌ادار بنگاه مزبور ملحوظ کنند؛ و

۲- اثرگذاری^{۱۵} که بر پایه آن کاهش قیمت اوراق بهادار سبب می‌شود تا مدیران بنگاه اقتصادی از طریق خنثی کردن اثر نوسان‌های نامطلوب، از خود واکنش نشان دهند.

شواهد بسیاری در دست است که نشان می‌دهد بازارهای اوراق بهادار قادرند نظارت موثری را بر وضعیت مالی بنگاه اقتصادی به عمل آورده و بازتابی از آن را در قالب قیمت‌های اوراق بهادار ارائه کنند.^{۱۶} از سوی دیگر، شواهد اندکی در مورد وجود تاثیر بازار بر وضعیت غیرحاد^{۱۷} وجود دارد.^{۱۸} در صورتی که بازار اوراق بهادار از توانمندی لازم برای تعدیل رفتارهای مدیران از طریق ساز و کار قیمت‌ها برخوردار نباشد، نظارت بازار ضرورتاً به محدود ساختن انگیزه‌های مدیران نهادها و بنگاه‌های مالی برای مخاطره‌پذیری بیش از حد منجر نمی‌شود. بنابراین چنین استنتاج می‌شود که در نبود فرایند اثرگذاری بازار، نظام بازار از توانمندی لازم برای نظارت بر بانک‌ها برخوردار نیست.

گروهی از پژوهشگران مالی و بانکداری به منظور گردآوری شواهد مربوط به تاثیر تغییرات قیمت در بازار بر رفتارهای مدیریت، به مطالعه پیامدهای حاصل از تغییرات قیمت اوراق سهام و اوراق قرضه بنگاه‌های اقتصادی تحت پوشش بانک‌ها پرداختند. یافته‌های اولیه هیچ‌گونه شواهد قانع‌کننده‌ای را در مورد اثرگذاری بازار به دست نداد؛^{۱۹} اما گروهی دیگر از متفکران بانکداری نبود چنین شواهدی را به این واقعیت مرتبط می‌دانند که قیمت اوراق بهادار اساساً بازتابی از پیش‌بینی‌ها درباره وضعیت مالی در آینده است و از این رو، ردیابی و شناسایی اقدامات مدیریت که در راستای خنثی کردن اثرهای نامطلوب نوسان‌های قیمتی است، شاید تا اندازه‌ای دشوار باشد. همین گروه از متفکران بر این باورند که دشواری استفاده از قیمت‌های بازار برای دستیابی به شواهد در مورد وجود اثرگذاری بازار را نمی‌توان به عنوان نشانه‌ای از ضعف نظام بازار تلقی کرد. با این حال، چنین پیشنهاد شده است که در نبود شواهد قوی در زمینه توانمندی بازارها برای اثرگذاری بر اقدامات مدیران، مقامات و مراجع مسئول در زمینه اعمال نظارت احتیاطی باید مسئولیت خود را در خصوص محدود ساختن اقدامات مدیران برای مخاطره‌پذیری بیش از اندازه را ایفا کنند.^{۲۰}

در سال‌های اخیر و به ویژه پس از بحران مالی سال ۱۹۹۴ میلادی، کشور آرژانتین گام‌های بلندی را در زمینه اصلاح و بهبود نظارت احتیاطی بر نظام بانکی برداشته است؛ و در

همین راستا، استفاده گسترده‌ای از نظام بازار برای ارتقای سطح سلامت و ثبات نظام بانکی به عمل آمده است. در این ارتباط، پژوهشگران بانکداری ضمن بررسی تغییرات صورت گرفته در نظام نظارتی کشور مزبور، طرح نوعی نظام بازار برخوردار از اعتبار برای نظارت بر نظام بانکی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.^{۲۱} تجربیات حاصل از اقدامات به عمل آمده در کشور آرژانتین نه تنها می‌تواند آموزه‌های بسیار سودمند و مفیدی را برای کشورهای برخوردار از بازارهای نوظهور فراهم کند، بلکه می‌تواند نکات ارزشمندی را به مقامات و مسئولان اعمال نظارت احتیاطی در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی در خصوص افزایش استفاده از نظام بازار برای اعمال نظارت بر بانک‌ها نیز ارائه کند.

در پی بحران مالی سال ۱۹۹۴ در آرژانتین کشور مزبور نوعی نظام نظارتی تحت سرپرستی بانک مرکزی را به کار گرفت؛ و در محدوده آن از پنج عنصر به ترتیب اوراق قرضه، حسابرسی، نظارت، اطلاعات و رتبه‌بندی اعتباری استفاده شد.^{۲۲}

مفهوم بنیادی پشتوانه این نوع نظام نظارتی آن است که نظام بازار و نظام قانونی به تنهایی از کارایی لازم برای اعمال نظارت بر نظام مالی برخوردار نیستند؛ اما این دو نوع نظام را می‌توان به نحوی در هم آمیخت که نوعی ترکیب منسجم و قدرتمند به عنوان پایه صورت‌بندی نظام نظارت احتیاطی حاصل شود. مقامات و مراجع کشور آرژانتین به درستی به این واقعیت پی بردند که پیش‌نیاز اعمال نظام بازار یا نظام قانونی همانا وجود اطلاعات است و بر همین مبنا بود که اساسی‌ترین عنصر در نظام نظارتی این کشور، افزایش دامنه افشای اطلاعات تعیین شد و از این رو، نوعی اطلاع‌رسانی تشکیل گردید که در آن اطلاعات مربوط به تمام وام‌ها و اعتبارات اعطا شده در نظام مالی که ارزش آنها از پنجاه هزار دلار بیش‌تر است، تهیه و در اختیار عموم قرار می‌گیرد. اما افشای اطلاعات تنها در صورتی سودمند است که اطلاعات تهیه شده و ارائه شده از ویژگی کیفی معتبر بودن بهره‌مند باشد؛ بنابراین یکی دیگر از عناصر بنیادی در نظام نظارتی همانا اصول و ضوابط حاکم بر فرایند حسابرسی و شیوه ایفای نقش اعتباردهی به اطلاعات است. از سوی دیگر، به منظور افزایش حجم اطلاعات افشا شده، هر یک از بانک‌ها مکلفند تا از نهاد رتبه‌بندی اعتباری، رتبه مربوط را اخذ و به عموم آحاد جامعه افشا کند. در نهایت آن که، بر پایه نظام نظارتی کشور آرژانتین و در راستای افزایش اتکا بر نظام بازار، بانک‌ها ناگزیر باید معادل دو درصد از ارزش

زیادی کاهش داد. جالب توجه آن که بانک مرکزی کشور مذکور در نوعی اقدام حمایتی از بانکها، از افشای اطلاعات مربوط به آن دسته از بانکهایی که قادر به رعایت الزامات مربوط به بدهی‌های مشروط نبوده‌اند نیز خودداری کرده است. با تمام این اوصاف، الزامات مربوط به انتشار بدهی‌های مشروط فواید بسیاری را برای نظام بانکی کشور آرژانتین به همراه داشته است؛ زیرا تاکید بر آن سبب شده تا انگیزه بانکها برای کاهش میزان مخاطره فعالیت‌هایشان تا اندازه زیادی افزایش یابد. الزامات مربوط به رتبه‌بندی اعتباری نیز با دشواری‌های خاصی همراه بوده است؛ زیرا دستیابی به رتبه‌بندی‌ها هزینه‌های بسیاری را در بر داشته و کیفیت رتبه‌بندی‌ها نیز در بیش‌تر موارد همسان و هماهنگ نبوده است. در راستای حل و فصل این دشواری‌ها، بانک مرکزی کشور آرژانتین از بانکها خواسته است با استفاده از یک نظام رتبه‌بندی واحد، هزینه‌های مربوط را کاهش دهند؛ ضمن آن که بانک مرکزی کشور مزبور، صرفاً رتبه‌بندی‌های اعتباری ارائه شده از جانب نهادهای معتبر بین‌المللی را به رسمیت شناخته و از این طریق، تعداد نهادهای فعال در زمینه رتبه‌بندی را محدود کرده است.

تضاد منافع میان مالک و نماینده
سبب می‌شود تا دست‌یابی کامل
به اهداف نظام نظارت احتیاطی
با گمان‌هایی همراه باشد

بررسی دستاوردهای حاصل از پژوهش‌های مربوط به ارزیابی نظام نظارت احتیاطی بر صنعت بانکداری در کشور آرژانتین، نشان می‌دهد که نظام مزبور در گروه نظام‌های برخوردار از مطلوبیت و تناسب قرار دارد. نظام بانکداری کشور آرژانتین در طول سال‌های گذشته نه تنها مشمول رشد و توسعه زیادی بوده و در برابر ناملایمات حاصل از بحران‌های مالی در آسیا و روسیه نیز مقاومت نشان داده است، بلکه نظام مزبور به نحو مناسب و معتبری از نظام بازار در محدوده نظارت بر بانکها استفاده به عمل آورده است. یافته‌های همین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میان متغیرهای بازار و معیارهایی از مخاطره ناتوانی بانک در بازپرداخت تعهدات (بر حسب رشد سپرده‌ها و نرخ سود سپرده‌ها) نوعی ارتباط معنی‌دار آماری وجود دارد.^{۲۴} افزون بر این، از یافته‌های مورد اشاره که تا اندازه‌ای نیز موضوع انتقاد برخی از اندیشمندان بانکداری بوده است^{۲۵}، چنین بر می‌آید که ساز و کارهای حاکم بر بازار از توانمندی لازم برای اندازه‌گیری مخاطره بانک برخوردارند و همین ساز و کارها می‌توانند با استفاده از

سپرده‌های هر سال خود را تعیین و به اندازه آن بدهی‌های مشروط منتشر کنند. در حقیقت، چنان چه بانکها ناگزیر از جذب سرمایه‌گذاران، حضور در عرصه بازار اوراق بهادار و انتشار بدهی‌های مشروط باشند، چنین فرایندی به خودی خود موجب می‌گردد تا اطلاعات مربوط به بانک به صورت هم‌زمان در اختیار مقامات و مراجع نظارتی و هم‌چنین دارندگان اوراق بدهی قرار گیرد. افزون بر موارد یاد شده، دارندگان اوراق بدهی‌های مشروط از انگیزه‌های مضاعفی برای اعمال نظارت بر بانک و خارج کردن وجوه خویش از آن در شرایط مخاطره‌پذیری بیش از حد مقامات بانک برخوردارند؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، این گروه از تامین‌کنندگان سرمایه بانکها، به لحاظ تقدم در بازیافت وجوه خویش از آخرین رتبه برخوردارند. این همه در حالی است که علاوه بر عناصری که بر اطلاعات و نظام بازار تاکید دارند، نظام نظارتی مورد اشاره نقش با اهمیتی را نیز برای فرایند نظارت قائل است. در همین ارتباط، مرجع نظارتی کشور آرژانتین با استفاده از الگوی نظارتی در کشور ایالات متحده آمریکا، معیارهای به کار رفته در آن را برای تعیین الزامات کفایت سرمایه مورد استفاده قرار داده است.

بررسی‌های پژوهشی اجرا شده در ارتباط با کارایی نظام نظارتی کشور آرژانتین گویای آن بوده است که اگر چه عناصر و اجزای این نظام از اثربخشی مناسبی برخوردار بوده‌اند، اما هر یک از آنها بر حسب نوع و ماهیت، دارای اشکالات و ایراداتی نیز می‌باشند.^{۲۳} برای نمونه، الزامات مربوط به انتشار بدهی‌های مشروط که از اوایل سال ۱۹۹۸ میلادی به مورد اجرا گذاشته شد، انتظارات اولیه حامیان آن را تامین نکرد. بحران مالی اواسط سال ۱۹۹۷ در آسیا و بحران اقتصادی پاییز سال ۱۹۹۸ در روسیه سبب شد تا مسائل مربوط به انتشار اوراق بدهی از سوی بانکها با دشواری‌های بسیاری همراه باشد. بر همین اساس بود که بانک مرکزی کشور آرژانتین تاریخ‌نهایی لازم‌الاجرا بودن الزامات مربوط به بدهی‌های مشروط را چندین بار به تعویق انداخت و در عین حال از طریق افزایش دامنه بدهی‌هایی که بانکها برای تامین الزامات مربوط قادر به انتشار و عرضه آنها هستند، سطح الزامات مرتبط با بدهی‌های مشروط را نیز تا اندازه

و مراجع نظارتی که برهان پشتوانه نحوه عمل آنها در عدم سخت‌گیری در اعمال قوانین و مقررات نظارتی را شرح می‌دهد، تمایل و گرایش این مقامات و مراجع به رهایی از اتهامات مربوط به عملکرد نامطلوب نهاد تحت سرپرستی آنهاست. این مقامات و مراجع می‌توانند از طریق آسان‌گیری در اعمال قوانین و مقررات مربوط به کفایت سرمایه و هم‌چنین ترغیب اعمال چشم‌پوشی و ارفاق، دشواری‌های پیش روی بانک‌های فاقد توانمندی بازپرداخت و ایفای تعهدات را پنهان کرده و به امید بهبود شرایط آن‌ها در آینده باشند؛ رفتاری که در محدوده ادبیات بانکداری از آن با عنوان نوعی **بازی خطرناک دیوان سالارانه**^{۲۶} یاد می‌شود.^{۲۷} یکی دیگر از انگیزه‌های مهم مقامات و مراجع نظارتی به رفتارهای آنان در برابر سیاستمداران، وابسته است. افراد و گروه‌های فعال در صحنه سیاسی از قدرت بسیار زیادی برای اثرگذاری بر موقعیت و جایگاه حرفه‌ای مقامات و مراجع نظارتی برخوردار هستند؛ از این رو، مقامات و مراجع مزبور از انگیزه لازم برای تسلیم شدن در برابر فشارهای سیاستمداران برخوردار بوده و به آسانی به خواسته‌های آنان تن می‌دهند.

لازمه بهبود انگیزه‌های مقامات و مراجع نظارتی برای فعالیت مناسب همانا محدود ساختن دشواری‌های رابطه نمایندگی از طریق پاس‌سخ‌خواهی از آنان در خصوص موارد ارفاق و چشم‌پوشی در اعمال قوانین و مقررات نظارتی می‌باشد. برای نمونه، یکی از ابزارهای افزایش اثر بخشی قوانین و مقررات نظارتی، توجه به هزینه‌های تحمل شده از جانب نهاد یا

مراجع نظارتی در نتیجه ورشکستگی و ناتوانی یک بانک و تهیه گزارشی مکتوب در این خصوص می‌باشد.^{۲۸} افزون بر این، گزارش تهیه شده در این مورد باید در اختیار تمام اعضای شورای عالی بانک‌ها، نمایندگان مردم در مجلس و هم‌چنین عموم آحاد جامعه قرار گیرد؛ ضمن آن که بالاترین مرجع مسئول در زمینه حسابرسی دستگاه‌های دولتی و عمومی نیز باید به صورت سالانه، این گزارش‌ها را مشمول بررسی و اظهار نظر قرار دهد. چنین است که افشای عمومی اطلاعات درباره عملکرد مقامات و مراجع نظارتی می‌تواند

ترتیبات بازدارنده زمینه کاهش مخاطره در بانک‌ها را فراهم کنند. در هر صورت، از جمع‌بندی ارزیابی‌های به عمل آمده از نظام نظارت احتیاطی در کشور آرژانتین چنین استنباط می‌شود که به رغم کارایی و اثر بخشی نظام بازار در بهبود سلامت و ثبات نظام بانکی، نقش ارزیابی‌های مبتنی بر داده‌های قابل استخراج از صورت‌های مالی بانک‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر آن، مساله‌ای است که توجه به آن می‌تواند میزان کارآمد بودن نظام نظارتی را تا اندازه زیادی بهبود بخشد.

محدود ساختن دشواری مربوط به رابطه نمایندگی در عرصه نظارت احتیاطی

یکی از اساسی‌ترین موانع در مسیر موفقیت اعمال نظارت احتیاطی بر نظام مالی، دشواری‌های رابطه نمایندگی میان نماینده (فرد با گروه مسئول در زمینه اعمال نظارت) و مالک (آحاد گوناگون جامعه به عنوان پرداخت‌کنندگان مالیات به دولت) است. در حقیقت، تضاد منافع میان مالک و نماینده سبب می‌شود تا دست‌یابی کامل به اهداف نظام نظارت احتیاطی با تردیدهایی همراه باشد. شکل‌گیری این تضاد منافع از نبود انطباق میان انگیزه‌های نماینده با منافع شخصی مالک سرچشمه می‌گیرد و به بیان بهتر، اقدامات نماینده لزوماً منجر به تامین منافع شخصی مالک نمی‌شود. مقامات مسئول در زمینه تدوین قوانین و مقررات نظارتی و هم‌چنین افراد و گروه‌های دست در کار اعمال نظارت احتیاطی، به منظور تامین منافع و علائق شخصی پرداخت‌کنندگان مالیات

ناگزیر از انجام اقدامات گوناگونی هستند. برای نمونه، به طوری که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد اقدامات مقامات و مراجع نظارتی شامل اعمال محدودیت در زمینه ترکیب دارایی‌ها، اعمال الزامات کفایت سرمایه و حتی تعطیلی بانک‌های پرمخاطره و فاقد توانایی بازپرداخت می‌باشد. با تمام این اوصاف، دشواری‌های رابطه نمایندگی سبب می‌شود تا مقامات و مراجع نظارتی از انگیزه‌های لازم برای عدم اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه و حتی ارفاق در اعمال این قوانین برخوردار باشند. یکی از عمده‌ترین انگیزه‌های مقامات

یکی از ابزارهای افزایش اثر بخشی قوانین و مقررات نظارتی، توجه به هزینه‌های تحمیل شده از جانب نهاد یا مرجع نظارتی در نتیجه ورشکستگی و ناتوانی یک بانک و تهیه گزارش مکتوب در این خصوص می‌باشد

جاذبه‌های اعمال چشم‌پوشی و ارفاق را از میان بردارد و بدین وسیله دشواری‌های رابطه نمایندگی را نیز کاهش دهد. افزون بر این، اعمال نظارت عمومی بر رفتارهای مقامات و مراجع نظارتی موجب می‌شود تا انگیزه‌های سیاستمداران برای تحمیل خواسته‌هایشان به این مقامات و مراجع نیز تا اندازه زیادی تقلیل یابد.

مطالعات و بررسی‌های بسیاری به موضوع تحلیل راه‌کارهای محدود ساختن دشواری‌های رابطه نمایندگی در عرصه نظارت بر بانک‌ها اختصاص یافته است. برای

نمونه، برخی از مطالعات صورت گرفته بر این مطلب تاکید داشته است که وجود الزامات مربوط به انتشار بدهی‌های مشروط می‌تواند ضمن کاهش مخاطره‌پذیری مدیران بانک‌ها، اعمال نظارت بر آن‌ها را نیز تسهیل کند؛ زیرا ناتوانی و قصور در پایبندی به این الزامات در حکم نوعی علامت^{۲۹} است که موجب کاهش انگیزه‌های مقامات و مراجع نظارتی برای اعمال چشم‌پوشی و ارفاق در رعایت قوانین و مقررات می‌شود. بدهی‌های مشروط به طور معمول در بازارهای ثانویه مورد داد و ستد قرار می‌گیرند؛ از این رو، افزایش مخاطره بانک و کاهش اعتماد نسبت به آن، موجب تغییر قیمت اوراق بدهی‌های مشروط در بازار می‌شود و این امر در حکم نوعی علامت قیمتی^{۳۰} از جانب بازار به حساب می‌آید. بر همین اساس، مقامات و مراجع نظارتی به هیچ روی نمی‌توانند ادعای ناآگاهی از عدم رعایت الزامات مربوط به بدهی‌های مشروط به وسیله یک بانک را طرح کنند. از همین روست که وجود الزامات مربوط به بدهی‌های مشروط سبب می‌شود تا مقامات و مراجع نظارتی از امکان انکار کردن آگاهی در مورد نبود سلامت و ثبات در بانک‌ها برخوردار نباشند و همین امر، احتمال رویارویی جدی آنها با بانک‌های ضعیف و تلاش برای احیای آنها را افزایش می‌دهد.^{۳۱}

برخی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی علل تشدید یا تضعیف الزامات مربوط به بانک‌ها در مقاطع زمانی خاص پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش‌ها بسیار جالب توجه است؛ شواهد گردآوری شده گویای آن بوده که در دوره‌های افزایش فشار سیاسی بر مقامات و مراجع نظارتی برای تعدیل الزامات نظارت بر بانک‌ها، میزان ارفاق و چشم‌پوشی این مقامات و

مراجع نیز تا اندازه زیادی افزایش یافته است. اما در همین ارتباط، سیاستمداران چنین ادعا می‌کنند. که سخت‌گیری بیش از حد مقامات و مراجع نظارتی موجب شده تا میزان اعتبارات در دسترس فعالان اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد و همین امر رکود اقتصادی را به همراه داشته است.^{۳۲} در پی طرح

چنین ادعاهایی در نقاط مختلف جهان، مقامات و مراجع نظارتی در کشورهای مختلف برنامه مشترکی را در ارتباط با بررسی دشواری‌های

مربوط به تخصیص اعتبارات بانکی به سطوح مختلف اقتصاد ترتیب دادند تا اقداماتی در ارتباط با تشویق بانک‌ها و موسسات اعتباری برای اعطای وام و اعتبار به عمل آید. در هر صورت، نتایج حاصل از بررسی‌های متعددی به عمل آمده در نقاط مختلف جهان آشکارا نشان می‌دهد که به رغم ترتیبات موجود برای کاهش انگیزه‌های مقامات و مراجع نظارتی جهت تعدیل معیارهای ارزیابی سلامت و ثبات بانک‌ها، این مقامات و مراجع هنوز هم در برابر فشارهای سیاسی از خود واکنش نشان می‌دهند؛ هر چند که به باور برخی از اندیشمندان بانکداری، این واکنش‌ها در رفتار منطقی این مقامات و مراجع در برابر نوعی دشواری اقتصادی ریشه دارد و از این رو، شاید تلاش برای حل و فصل و رفع کامل دشواری‌های رابطه نمایندگی تا اندازه‌ای بیهوده باشد.

پالایش الزامات کفایت سرمایه

هدف اصلی از تدوین الزامات کفایت سرمایه مقرر در موافقت‌نامه سرمایه‌بال، تدوین مجموعه‌ای از معیارهای کمی بوده است که میزان مخاطره اعتباری تحمل شده به وسیله بانک را انعکاس دهد. با این حال، در طول زمان محدودیت‌ها و نارسایی‌های الگوی ارائه شده از جانب کمیته بال به تدریج مشخص شده و سبب گردیده است تا تلاش‌هایی برای بهبود آن به عمل آید. نارسایی اصلی الگوی ارائه شده به وسیله کمیته بال همانا وجود تفاوت میان مخاطره واقعی بانک با وزن مخاطره اعتباری تخصیص یافته به آن بر پایه الزامات کمیته بال می‌باشد. برای نمونه، وزن مخاطره وام یا اعتبار اعطایی به یک بنگاه اقتصادی برخوردار از رتبه (AAA) با وزن مخاطره تخصیص یافته به یک بنگاه اقتصادی پرمخاطره

بررسی کفایت محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان دوره‌ای تهیه شده بر مبنای استاندارد حسابداری شماره ۲۲ در جهت تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان

دکتر ویدا مجتهدزاده
الهام چیت‌سازان

استاندارد حسابداری شماره ۲۲، بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تأثیر دارد و نیازهای اطلاعاتی آنان را برآورده می‌سازد.

مقدمه:

به دنبال وقوع انقلاب صنعتی در اروپا، تفکیک مالکیت از مدیریت مطرح

گردید. در نتیجه مالکان نگران اندوخته‌های خود بودند و مدیران نیز در اندیشه ارزیابی عملکرد، اثبات شایستگی‌های خود و رفع نگرانی‌های صاحبان بنگاه‌های اقتصادی تلاش می‌کردند. آنها برای این که مالکان را به‌طور پیوسته در جریان امور بنگاه اقتصادی قرار دهند، به ارائه گزارش‌های مالی می‌پرداختند.

گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای پدیده‌ای نسبتاً جدید در وادی تهیه اطلاعات برای افرادی به‌شمار می‌آید که علایقی نسبت به بنگاه‌های اقتصادی دارند. گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای با



گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تأثیر دارد و نیازهای اطلاعاتی آنان را برآورده می‌سازد.

چکیده

این پژوهش کفایت محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای تهیه شده براساس استاندارد حسابداری شماره ۲۲ با عنوان «گزارشگری مالی میان دوره‌ای» در جهت تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های

استفاده‌کنندگان (سرمایه‌گذاران) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در این راستا ابتدا با بهره‌گیری از ادبیات و استانداردهای حسابداری مرتبط، مفاهیم پایه‌ای و مؤلفه‌های تصمیم‌گیری شناسایی گردید. سپس اطلاعات لازم برای تحقق بخشیدن به اهداف تحقیق از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد.

جامعه آماری این تحقیق متشکل از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی (سرمایه‌گذاران) بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای (تهیه شده براساس

رویکرد دیگر است و افراد بر اساس سودهای اعلان شده قبلی به پیش‌بینی سودهای آتی می‌پردازند، الزامات مختلف گزارشگری بر نوسانات قیمت سهام تأثیر دارد {۲۵}.

بهرام همتی (۱۳۷۵) لزوم تهیه صورت‌های مالی میان دوره‌ای توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و تأثیر آن بر نوسانات قیمت سهام

شرکت‌های مزبور را مورد بررسی قرارداد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد شرکت‌هایی که گزارش‌های مالی میان دوره‌ای ارائه می‌کنند از نوسان قیمت سهام کم‌تری برخوردارند {۹}.

بهمن زندیه (۱۳۷۷) به بررسی میزان رعایت استانداردهای گزارشگری مالی میان دوره‌ای در تهیه گزارش‌های مالی میان دوره‌ای توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج به دست آمده نشان داد که گزارش‌های مالی میان دوره‌ای ارائه شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۷۶ مطابق با استانداردهای گزارشگری مالی میان دوره‌ای پذیرفته شده نمی‌باشد {۵}.

بیان مسأله

گزارش‌های مالی از مهمترین فرآورده‌های سیستم اطلاعاتی حسابداری به‌شمار می‌آیند. این گزارش‌ها به صورت سالیانه یا میان دوره‌ای منتشر و در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرند. گزارش‌های مالی میان دوره‌ای می‌توانند به عنوان ابزاری برای روز آمد کردن نتایج جاری (اطلاعات آخرین مجموعه صورت‌های مالی سالانه) و پیش‌بینی نتایج آتی، نیاز اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را تأمین نمایند. بنابراین به نظر می‌رسد نتایج این تحقیق از طرفی به بنگاه‌های اقتصادی در تشخیص نوع اطلاعات، چگونگی و مقاطع زمانی ارائه آن‌ها، کمک می‌کند و از طرف دیگر رهنمودی برای دست اندرکاران تدوین استانداردهای حسابداری در بازنگری استاندارد حسابداری شماره ۲۲ به‌شمار می‌رود.

این هدف طراحی شده‌اند که نتایج عملیات بنگاه‌های اقتصادی را به موقع و به منظور ارزیابی در اختیار قرار دهند.

انتشار گزارش‌های مالی میان دوره‌ای در اکثر کشورهای جهان سابقه دارد. در آمریکا از سال ۱۹۳۴ {۱}، در انگلیس از سال ۱۹۶۴ {۲} و در کانادا از سال ۱۹۷۱ {۳} انتشار گزارش‌های مالی میان دوره‌ای مطرح بوده است.

در ایران با تأسیس سازمان بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۴۶، انتشار اطلاعات مالی میان دوره‌ای توسط شرکت‌های پذیرفته شده مطرح گردید و با اصلاحیه قانون تجارت مصوب اسفند ماه ۱۳۴۷، صورت قانونی به خود گرفت. همچنین از سال ۱۳۸۰، استاندارد حسابداری شماره ۲۲ با عنوان «گزارشگری مالی میان دوره‌ای» منتشر و لازم الاجرا گردید. براساس این استاندارد، صرفاً آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی باید به تهیه گزارش‌های مالی میان دوره‌ای بپردازند که مراجع قانونی آن‌ها را ملزم نموده‌اند.

پیشینه تحقیق

تحقیقات بسیاری در ارتباط با گزارشگری مالی میان دوره‌ای صورت گرفته است که به‌طور نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

اوپونگ (۱۹۹۵) محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان دوره‌ای را در انگلستان مورد بررسی قرار داد. وی در تحقیق خود همچنین زمان دقیق بیشترین اثرگذاری گزارش‌های مالی میان دوره‌ای را ارزیابی کرد. نتایج تحقیق نشان داد که گزارش‌های مالی میان دوره‌ای حاوی اطلاعاتی است که از نظر تصمیم‌گیری دارای ارزش است.

رنگین و اسلون (۱۹۹۸) بررسی نمودند که در گزارشگری سه ماهه به کارگیری کدام یک از رویکردهای متصل یا منفصل بر قیمت سهام تأثیر دارد. آن‌ها نتیجه گرفتند با توجه به این که در هر رویکرد مبالغ سودهای اندازه‌گیری شده متفاوت با

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان تأثیر دارد.
- ۲- گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای که براساس الزامات استاندارد شماره ۲۲ تهیه می‌شود، نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را تأمین می‌کند.
- ۳- تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه‌های استفاده‌کنندگان وجود ندارد.

روش تحقیق

این تحقیق در دو مرحله انجام شد. نخست، دیدگاه‌های استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای در مورد تأثیر این گزارش‌ها بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آن‌ها و محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای اثربخش از طریق پرسش‌نامه مورد نظر خواهی قرار گرفت. در مرحله دوم باید با استفاده از نتایج به دست آمده از مرحله اول، گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای نمونه تهیه می‌گردید تا با گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای تهیه شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران قبل و بعد از تصویب استاندارد حسابداری شماره ۲۲ با عنوان "گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای" مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد. اما نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از مرحله اول تحقیق نشان داد که از دید پرسش‌شوندگان، محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای اثربخش با گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای تهیه

استاندارد مزبور مقایسه تطبیقی گردیدند.

مفاهیم مورد استفاده در طراحی سؤالات پرسش‌نامه

از آنجا که هدف اصلی تحقیق بررسی کفایت محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای تهیه شده براساس استاندارد حسابداری شماره ۲۲ بود، مفاهیم پایه‌ای و الزامات استاندارد حسابداری شماره ۲۲ مبنای طرح تعدادی از سؤالات پرسش‌نامه قرار گرفت. همچنین با بررسی استاندارد حسابداری گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای امریکا، انگلیس و بین‌المللی و حذف موارد مشابه با استاندارد حسابداری شماره ۲۲، اطلاعات اضافی استخراج و برای طرح برخی دیگر از سؤالات پرسش‌نامه استفاده شد.

الزامات بورس اوراق بهادار

سازمان بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۷۹ بخش‌نامه‌ای منتشر نمود که در آن ضوابط تهیه و انتشار اطلاعات مالی میان‌دوره‌ای به کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ابلاغ گردید.

بخشی از موضوعات مطروحه در این بخش‌نامه در استاندارد حسابداری شماره ۲۲ مورد اشاره قرار نگرفته است، لذا با هدف دستیابی به گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای با محتوای اثر بخش هر یک از موارد مبنای طرح سؤالی در پرسش‌نامه قرار گرفت و از پرسش‌شوندگان در ارتباط با این الزامات نظر خواهی شد.

گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای، می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای روزآمد کردن نتایج جاری و پیش‌بینی رایج آتی، نیاز اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را تأمین نمایند.

شناسایی مؤلفه‌های تصمیم‌گیری

در طراحی مابقی سؤالات پرسش‌نامه، مؤلفه‌های تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی، که بر مبنای هدف‌های گزارش‌های مالی استخراج شده بود، مورد توجه قرار گرفت و از پاسخ‌های دریافتی برای آزمون فرضیه اول استفاده شد. این مؤلفه‌ها به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

شده بر مبنای استاندارد حسابداری شماره ۲۲ هم‌خوانی دارد. در نتیجه در این مرحله به جای تهیه گزارش مالی میان‌دوره‌ای نمونه، گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای تهیه شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، قبل و بعد از تصویب استاندارد حسابداری شماره ۲۲ که از صنایع مختلف به طور تصادفی انتخاب شده بودند، با الزامات

ارزش بنگاه اقتصادی

بیانیه شماره یک مفاهیم حسابداری مالی اشاره دارد که صورت‌های مالی باید در مورد منابع اقتصادی، دارایی‌های بنگاه اقتصادی و ادعا نسبت به این منابع اطلاعاتی را ارائه نماید، تا استفاده‌کنندگان بتوانند براساس این اطلاعات ارزش بنگاه اقتصادی را مورد ارزیابی قرار دهند. بنابراین "ارزش بنگاه اقتصادی" به عنوان یکی از مؤلفه‌های تصمیم‌گیری مورد پرسش قرار گرفت.

توانایی ایفای تعهدات

اطلاعاتی که درباره میزان و چگونگی تأمین و مصرف وجوه نقد یک بنگاه اقتصادی فراهم می‌شود، می‌تواند درک عملیات و ارزیابی فعالیت‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری را تسهیل نماید و در سنجش توان نقدی بنگاه اقتصادی از لحاظ ایفای به موقع تعهدات و توزیع سود مؤثر افتد، بنابراین اگر استفاده‌کنندگان (سرمایه‌گذاران) نتوانند براساس اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی این توان را مورد ارزیابی قرار دهند، بالطبع نمی‌توانند تصمیمات اقتصادی معقول و منطقی اتخاذ کنند. در نتیجه "توانایی ایفای تعهدات" به عنوان یکی از مؤلفه‌های تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گرفت.

ارزیابی عملکرد مدیریت

از جمله اهداف فرعی گزارش‌های مالی فراهم آوردن اطلاعات لازم برای ارزیابی چگونگی ایفای مسئولیت مدیریت و انجام تکالیف قانونی است. اطلاعاتی که در فرآیند گزارشگری مالی فراهم می‌شود باید به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاران را در ارزیابی عملکرد مدیریت، از لحاظ حفظ و بکارگیری بهینه منابع سپرده شده به آنها در جهت تحقق هدف اصلی بنگاه اقتصادی که همانا حداکثر کردن سود است، یاری دهد. بنابراین "ارزیابی عملکرد مدیریت" از هر دو بعد

کارایی و اثر بخشی به عنوان یکی از مؤلفه‌های تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گرفت.

ارزیابی توان سودآوری

سرمایه‌گذاران براساس ارزیابی‌شان از سودآوری بنگاه اقتصادی به پیش‌بینی وضعیت آتی و برآورد قیمت سهام آن بنگاه می‌پردازند. تأکید اصلی صورت‌های مالی نیز بر ارائه اطلاعاتی در مورد عملکرد بنگاه اقتصادی مبتنی بر میزان سود و اجزای تشکیل دهنده آن است.

در این تحقیق "ارزیابی توان سودآوری" به عنوان یک مؤلفه تصمیم‌گیری، به‌طور مستقیم مبنای طرح سؤال در پرسش‌نامه قرار نگرفت، بلکه در قالب اطلاعات مربوط به قیمت سهام مطرح گردید.

جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات لازم جهت انجام مرحله اول تحقیق و در راستای اثبات فرضیه‌های تحقیق از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید.

تاکید اصلی صورت‌های مالی

بر ارایه اطلاعاتی در مورد عملکرد بنگاه اقتصادی مبتنی بر میزان سود و اجزای تشکیل دهنده آن است

پرسش‌نامه تحقیق شامل چهار بخش بود. بخش اول مربوط به سؤالات جمعیت‌شناسی (اطلاعات عمومی)، بخش دوم در رابطه با الزامات استانداردهای حسابداری ایران، امریکا، انگلیس و بین‌المللی

و بخش سوم در مورد الزامات بورس اوراق بهادار و بخش چهارم شامل سؤالات مرتبط با تأثیر گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای بر تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان می‌باشد.

در فرایند تهیه پرسش‌نامه ابتدا متون و ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق مطالعه، سپس پرسش‌نامه مقدماتی تهیه شد. به منظور آزمون اعتبار و روایی، پرسش‌نامه بین تعدادی از متخصصان توزیع گردید تا توصیه‌های احتمالی در ارتباط با سؤالات مطرح‌شده دریافت شود. اما در مدت زمان تعیین شده پیشنهادی در مورد نامربوط یا نامفهوم بودن سؤالات دریافت

نگردید. همچنین در ارتباط با قابلیت اطمینان ابزار اندازه‌گیری، دو جنبه ثبات نتایج اندازه‌گیری در ارتباط با تمام ارقام و ثبات پاسخ‌های داده شده در ارتباط با هر قلم مورد توجه قرار گرفت. مورد اول با استفاده از تکنیک "دو نیمه کردن" و مورد دوم با استفاده از روش "اجرای دوباره تست" مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که ابزار اندازه‌گیری از پایایی برخوردار است.

نتایج تحقیق

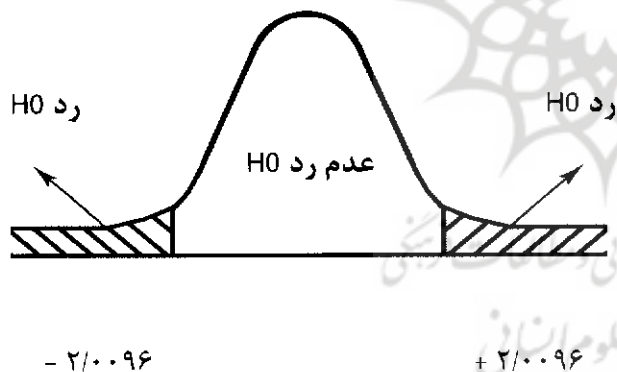
در این تحقیق سه فرضیه طراحی گردید. فرضیه اول به صورت زیر مطرح شد:

"گزارش‌های مالی میان دوره‌ای بر تصمیم‌گیری اقتصادی استفاده‌کنندگان تأثیر دارد."

فرضیه صفر و فرضیه مقابل عبارتند از:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases} = \begin{cases} H_0: \text{میانگین پاسخ‌ها کوچک‌تر یا مساوی ۳ است} \\ H_1: \text{میانگین پاسخ‌ها بزرگ‌تر از ۳ است} \end{cases}$$

$$t_{\frac{\alpha}{2}} = t_{0/025, 49} = 2/0096$$



از آنجاکه مقدار آماره آزمون ($t=8/65$) در ناحیه رد H_0 قرار دارد، پس فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل تأیید می‌گردد. بنابراین آزمودنی‌ها اعتقاد دارند که گزارش‌های میان دوره‌ای بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان تأثیر دارد.

فرضیه دوم این تحقیق به صورت زیر طراحی شد: "گزارش‌های مالی میان دوره‌ای که براساس الزامات استاندارد حسابداری شماره ۲۲ تهیه می‌شود، نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را تأمین می‌کند."

جامعه آماری تحقیق متشکل از سرمایه‌گذاران بود. از آنجا که هر سرمایه‌گذار ممکن است اطلاعات کافی در مورد گزارش‌های مالی میان دوره‌ای و اطلاعات مندرج در آنها را نداشته باشد، مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیران مالی و کارشناسان مالی ارشد این شرکت‌ها به نیابت از طرف سرمایه‌گذاران به عنوان استفاده‌کنندگان اصلی این قبیل گزارش‌ها مورد پرسش قرار گرفتند.

جامعه آماری

براساس اطلاعات دریافت شده از اداره نظارت بر شرکت‌های سازمان بورس اوراق بهادار تهران، در تاریخ ۸۲/۲/۱۵ تعداد ۲۱ شرکت سرمایه‌گذاری عضو بورس اوراق بهادار تهران بودند. بنابراین براساس فهرست دریافتی از این شرکت‌ها، تعداد ۷۰ پرسش‌نامه به رأی مدیران، مدیران مالی و کارشناسان ارشد مالی آنها ارسال گردید که ۵۰ مورد برگشت شد. کلیه پرسش‌نامه‌های برگشتی قابل استفاده بود.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده در تحقیق از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. فرضیه‌های اول و دوم تحقیق با استفاده از تحلیل آماری T مورد آزمون قرار گرفتند. در این راستا براساس ادبیات فرض شد که اگر میانگین پاسخ‌ها بزرگ‌تر از ۳ باشد، نشان‌دهنده تأثیر گزارش‌های مالی میان دوره‌ای بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان و کفایت محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان دوره‌ای تهیه شده براساس استاندارد حسابداری شماره ۲۲ و تأمین نیاز اطلاعاتی استفاده‌کنندگان است.

از آن جا که مقدار آماره آزمون ($t=18/71$) در ناحیه رد H_0 قرار دارد، پس فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل تأیید می شود. بنابراین پاسخ دهندگان معتقدند که گزارش های مالی میان دوره ای تهیه شده براساس الزامات استاندارد حسابداری شماره ۲۲ نیازهای اطلاعاتی آن ها را تامین می نماید.

فرضیه سوم عبارت است از:

”تفاوت معنی داری بین دیدگاه های استفاده کنندگان وجود ندارد.“

برای آزمون این فرضیه و مقایسه دیدگاه های استفاده کنندگان ابتدا پرسش شوندگان برحسب موقعیت شغلی تفکیک شدند. آن گاه در رابطه با هر بخش پرسش نامه تحلیل آماری Chi Square انجام شد. نتایج به دست آمده از هر سه بخش پرسش نامه مشابه و نشان دهنده عدم وجود تفاوت معنی دار بین دیدگاه های استفاده کنندگان بود. خلاصه نتایج به دست آمده در جدول زیر مشا هده می شود:

فرضیه صفر (H0)	فرضیه مقابل (H1)	مقدار آماره آزمون (X^2)	مقدار بحرانی 2 ($X_{\alpha,r}$)	تأیید یا رد فرضیه
موقعیت شغلی از پاسخ های ارائه شده به سوالات بخش دوم پرسش نامه مستقل است.	موقعیت شغلی از پاسخ های ارائه شده به سوالات بخش دوم پرسش نامه مستقل نیست.	۱/۲۹	۹/۴۸	فرضیه صفر تأیید می شود
موقعیت شغلی از پاسخ های ارائه شده به سوالات بخش سوم پرسش نامه مستقل است.	موقعیت شغلی از پاسخ های ارائه شده به سوالات بخش سوم پرسش نامه مستقل نیست.	۳/۷۶	۹/۴۸	فرضیه صفر تأیید می شود
موقعیت شغلی از پاسخ های ارائه شده به سوالات بخش چهارم پرسش نامه مستقل است.	موقعیت شغلی از پاسخ های ارائه شده به سوالات بخش چهارم پرسش نامه مستقل نیست.	۹/۵۲	۱۲/۵۹	فرضیه صفر تأیید می شود

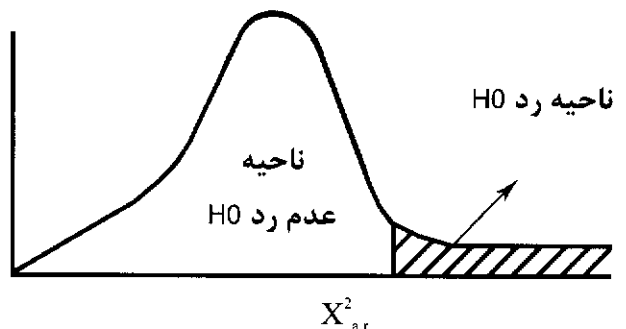
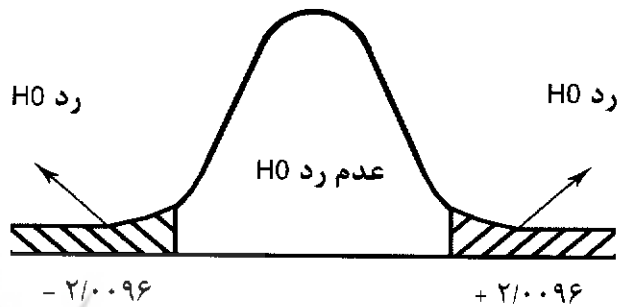
مقدار آماره آزمون محاسبه شده برای هر سه بخش پرسش نامه، در ناحیه عدم رد فرضیه صفر قرار می گیرد، زیرا کوچک تر از مقدار بحرانی است. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه مقابل رد می شود.

لازم به یادآوری است که آزمون فوق برای سایر مشخصه های بخش اول پرسش نامه شامل مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و سابقه شغلی نیز انجام شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن

فرضیه صفر و فرضیه مقابل عبارتند از:

میانگین پاسخ ها کوچک تر یا مساوی ۳ است $H_0: \mu \leq 3$
 میانگین پاسخ ها بزرگ تر از ۳ است $H_1: \mu > 3$

$$t_{\alpha/2} = t_{0/025,49} = 2/0096$$



اطلاعات مربوط به بخش دوم و سوم پرسش نامه برای دستیابی به اطلاعاتی در مورد میزان آشنایی پرسش شوندگان با استاندارد حسابداری شماره ۲۲ و بخش نامه بورس اوراق بهادار تهران و موارد مطرح شده در آنها، سؤالاتی در بخش های دوم و سوم پرسش نامه گنجانده شد. این سؤالات در قالب معیارهای پنج گانه لیکرت (از بسیار کم تا بسیار زیاد) طراحی گردید. نتایج به دست آمده (به صورت درصد در جدول زیر نشان داده شده است).

بود که هیچ کدام از این مشخصه ها اعم از موفقیت شغلی، مدرک تحصیلی و ... تأثیری بر پاسخ های ارائه شده به سؤالات بخش های مختلف پرسش نامه نداشته است به عبارت دیگر پاسخ دهندگان بدون توجه به مشخصه های فوق الذکر، درباره ارائه گزارش های مالی میان دوره ای، کفایت محتوای اطلاعاتی گزارش های مالی میان دوره ای تهیه شده بر اساس استاندارد حسابداری شماره ۲۲ و تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان نظر داشتند.

شرح	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
میزان آشنایی با استاندارد شماره ۲۲	۲٪	۲٪	۴۶٪	۴۸٪	۲٪
میزان قابل فهم بودن این استاندارد	۰٪	۶٪	۴۰٪	۵۲٪	۲٪
میزان انطباق تعاریف ارائه شده در استاندارد با مفهوم واقعی	۰٪	۶٪	۴۸٪	۴۲٪	۴٪
میزان منطقی بودن مبانی تهیه گزارش های مالی میان دوره ای (روش متصل و منفصل)	۰٪	۶٪	۵۶٪	۳۶٪	۶٪
میزان برطرف نمودن نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان با انتشار مجموعه صورت های مالی فشرده	۴٪	۸٪	۳۰٪	۵۲٪	۶٪
میزان اهمیت ارائه اقلام مقایسه ای به تاریخ پایان سال مالی قبل در ترازنامه پایان دوره میانی جاری	۶٪	۸٪	۱۸٪	۵۰٪	۱۸٪
میزان اهمیت ارائه اقلام مقایسه ای برای دوره میانی مشابه سال مالی قبل و اقلام مقایسه ای سال مالی قبل صورت های سود و زیان، سود و زیان جامع و جریان وجوه نقد دوره میانی جاری	۰٪	۲٪	۸٪	۶۶٪	۲۴٪
میزان اهمیت افشای یکنواختی رویه های حسابداری و روش های محاسباتی مورد استفاده در صورت های مالی میان دوره ای با آخرین صورت های مالی سالانه و در صورت تغییر رویه ها و روش ها افشای ماهیت و اثرات تغییر.	۰٪	۰٪	۱۴٪	۶۰٪	۲۶٪
میزان اهمیت تشریح عملیات فصلی یا چرخه ای در دوره میانی	۰٪	۰٪	۲۲٪	۵۴٪	۲۴٪
میزان اهمیت افشای طرح های توسعه و جایگزینی	۰٪	۰٪	۲۲٪	۵۴٪	۲۴٪

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	شرح
۰٪	۰٪	۶٪	۶۶٪	۲۸٪	میزان اهمیت افشای ماهیت مبلغ و تغییر در برآوردهای مبالغ گزارش شده در دوره‌های میانی قبی سال مالی جاری یا تغییر در برآورد مبالغ گزارش شده در سال های مالی گذشته ، مشروط بر این که تغییرات یاد شده آثار مهمی بر افلام دوره میانی جاری داشته باشد.
۲٪	۰٪	۱۴٪	۶۰٪	۲۴٪	میزان اهمیت افشای رویدادهای با اهمیت پس از پایان دوره میانی که در صورت های مالی میان دوره ای منعکس نشده است .
۰٪	۰٪	۴٪	۵۰٪	۴۶٪	میزان اهمیت افشای اثر تغییرات ساختاری واحد تجاری طی دوره میانی از جمله ترکیب واحد های تجاری ، تحصیل ، یا واگذاری واحد های تجاری فرعی ، سرمایه گذاری های بلند مدت ، تجدید ساختار و عملیات متوقف شده
۰٪	۲٪	۱۴٪	۶۰٪	۲۴٪	میزان اهمیت افشای تغییر در بدهی های احتمالی و دارایی های احتمالی از تاریخ آخرین ترازنامه سالانه
۴٪	۲۸٪	۵۰٪	۱۴٪	۴٪	میزان اهمیت افشای تاریخچه فعالیت شرکت .
۰٪	۱۰٪	۲۸٪	۵۰٪	۱۲٪	میزان اهمیت افشای فعالیت اصلی و نوع محصولات تولیدی
۰٪	۰٪	۲۰٪	۵۴٪	۲۶٪	میزان اهمیت افشای تحصیل / واگذاری سرمایه گذاری ها در دارایی های ثابت اصلی در طول دوره مورد گزارش
۰٪	۶٪	۳۴٪	۴۰٪	۲۰٪	میزان اهمیت افشای نتایج عملیات قسمت های واحد تجاری (فروش و سود بازبان هر قسمت)
۰٪	۰٪	۲۰٪	۶۰٪	۲۰٪	میزان اهمیت افشای اصلاح استنباهات اسامی در ارقام مالی گزارش شده قبلی .
۰٪	۴٪	۲۸٪	۴۲٪	۲۶٪	میزان اهمیت افشای بهای تمام شده انواع محصولات اصلی
۴۸٪	۰٪	۴٪	۴۸٪	۴۸٪	میزان اهمیت افشای سود هر سهم (EPS)
۶٪	۸٪	۲۸٪	۳۶٪	۲۲٪	میزان اهمیت افشای سود پرداخت شده سهام (در جمع یا بر حسب هر سهم)
۴٪	۱۰٪	۱۲٪	۴۰٪	۳۴٪	میزان اهمیت افشای توضیحات در خصوص طرح افزایش سرمایه .
۰٪	۰٪	۳۴٪	۵۰٪	۱۶٪	میزان اهمیت افشای تسویه دعاوی حقوقی مطروحه علیه واحد تجاری
۰٪	۶٪	۲۰٪	۵۰٪	۲۴٪	میزان نامین نیزه های اطلاعاتی استفاده کنندگان با ارائه اطلاعات مالی میان دوره ای در قالب آمار تولید و فروش ، صورت سود زیان ، (سود و زیان انباشته) و ترازنامه طبق الزامات بورس اوراق بهادار تهران .
۰٪	۸٪	۲۶٪	۴۴٪	۲۲٪	میزان تاثیر تعیین دوره تناوب سه ماهه و حداکثر فاصله زمانی سی روز پس از پایان دوره میانی برای ارائه اطلاعات مالی میان دوره ای (طبق آخرین بخش نامه بورس اوراق بهادار تهران)
۲٪	۱۰٪	۴۲٪	۳۶٪	۱۰٪	میزان اهمیت افشای سود پرداخت شده سهام تا پایان دوره مورد گزارش در بخش توضیحات ضروری
۰٪	۲٪	۱۲٪	۶۰٪	۲۶٪	میزان اهمیت ارائه جداگانه گزارش پیش بینی سود هر سهم و توجیه معایرت آن با پیش بینی قبلی طبق رویه معمول
۰٪	۲٪	۱۸٪	۶۰٪	۲۰٪	میزان اهمیت حسابرسی اطلاعات مالی میان دوره ای شش ماه توسط حسابرس مستقل

نتیجه گیری

در این تحقیق به بررسی دیدگاه‌های استفاده‌کنندگان در مورد کفایت محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان دوره‌ای تهیه شده براساس استاندارد حسابداری شماره ۲۲ در جهت تاثیر بر تصمیم‌گیری‌های آنان پرداخته شد.

نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که گزارش‌های مالی میان دوره‌ای تهیه شده براساس استاندارد حسابداری شماره ۲۲ نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را برآورده می‌نماید. ضمناً استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود از مؤلفه‌های ارزش‌بسنجی اقتصادی، توانایی ایفای تعهدات، عملکرد مدیریت و توان سودآوری استفاده می‌کنند.

با توجه به این که ارائه گزارش‌های مالی میان دوره‌ای بستری فراهم می‌کند که این مؤلفه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرند، بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این گزارش‌ها عامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان (سرمایه‌گذاران) به‌شمار می‌روند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی:

به پژوهشگران توصیه می‌شود تحقیقاتی در زمینه‌های زیر انجام دهند:

۱- بررسی دلایل عدم رعایت مفاد استاندارد حسابداری شماره ۲۲ توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

۲- مطالعه و بررسی شیوه‌های اطلاع‌رسانی در بورس اوراق بهادار تهران و مقایسه آن با اطلاع‌رسانی در بورس‌های اوراق بهادار سایر کشورهای جهان.

۳- امکان‌سنجی بهبود اطلاع‌رسانی در بورس اوراق بهادار تهران.

۴- بررسی شیوه‌های نظارت بر اطلاع‌رسانی در بورس اوراق بهادار تهران.

پی‌نوشت‌ها

۱- عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء «س» و رئیس دانشکده امور اقتصادی

۲- کارشناس ارشد حسابداری

منابع

۱- بدری، احمد، "نقش چارچوب نظری در گزارشگری مالی"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری، شماره ۱۵ و ۱۴، (زمستان ۷۴ و بهار ۷۵) ص ۹.

۲- بخش‌نامه شماره ۴۹۲۷/۱۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۳/۷، سازمان بورس اوراق بهادار تهران.

۳- ثقفی، علی و رحیمیان، نظام‌الدین، "صورت‌های مالی میان دوره‌ای در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله حسابرس شماره ۱، (زمستان ۱۳۷۷)، ص ۳۲.

۴- خاکی، غلامرضا، "روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی"، مرکز تحقیقات علمی کشور، (سال ۱۳۷۸)، ص ۲۰۱.

۵- زندیه، بهمن، "بررسی میزان رعایت استانداردهای گزارشگری مالی میان دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، (۱۳۷۷).

۶- قانون تجارت، تهران، گنج دانش، (۱۳۶۳).

۷- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، استانداردهای حسابداری، تهران، سازمان حسابرسی، (۱۳۸۰).

۸- مجتهدزاده، ویدا، "بررسی حوزه‌های مسئولیت حساب‌رسان مستقل از دیدگاه استفاده‌کنندگان خدمات حسابرسی و حساب‌رسان مستقل"، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، (۱۳۷۸)، ص ۱۰۴.

۹- همتی، بهرام، "بررسی لزوم تهیه صورت‌های مالی میان دوره‌ای توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و تأثیر آن بر نوسان قیمت سهام شرکت‌های مزبور"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد

11- Accounting Standard Board (ASB), "Interim Reports Statement", (1997).

12- Bagshow, Kathrin, Interim Financial Reporting: A Guide to Best practice. Accountancy Books, (1999), p-129.

13- Bernard V. L. and Thomas J. K., "Evidence that Stock Price do not fully Reflect the Implication of Current Earnings for future Earnings", Journal of Accounting and Economics, Vol. 13, (1990), pp-305-340.

14- Brownle, Ferris and Hoskins, corporate Financial Reporting", Lrwin, (1998). p-802.

15- Brown, p. and Kennely, J., "The Information Content of Quarterly Earning", Journal of Business, (July 1972), pp-403-461.

- 16- Cornell, Bradford Lansmand and Waynernd, "Security price Response to Quarterly Earnings Announcements and Analyst's Forecast Revisions", *The Accounting Review*, Vol No.4, (1989), pp-680-692.
- 17- Elliot, Barry and Jamie, *Financial Accounting And Reporting*, prentice Hall, (2002), p-130.
- 18- Financial Accounting Standard Board, Concepts Statement No.3 "Reporting, Accounting Change in Interim Financial Statement", New york, AICPA, (1974).
- 19-....., Concepts Statement No. 18, "Financial Reporting for segments of a business Enterprise in Interim Financial statement", New york, AICPA, (1977).
- 20-....., Concepts Statement No.13., "Reporting Comprehensive Income", New York, AICPA, (1977).
- 21-, Concepts Statement No.131., "Disclosures

- about Segments of an Enterprise and Related Information", New York, AICPA, (1977)
- 22- Hendriksen, Eldons, Van Breda, N.F, *Accounting Theory*, Irwin,(1992)
- 23- Kopong, K, "The Information Content of Interim Financial Reports: UK Evidence", *Journal of Business Finance Accounting*, (March1995). pp-269-279.
- 24- Leopold, A. Bernstein, *Financial Statement Analysis: Interpretation* Irwin. (1989), p-741.
- 25- Rangan, Srinivason and Richard G. Sloan, "Implication of the Integral Approach Quarterly Reporting for the post Earnings Announcement Drift", *The Accounting Review*, Vol 173, (July 1998), pp-353-371.
- 26-Riahi Belkaoui, Ahmed , *Accounting Theory, Business press*, (2000).

شرایط پذیرش مقاله ها و چگونگی ارسال آن ها

شرایط قبول مقاله ها:

- زیر درج شود:
- الف) کتاب تألیف شده: نام خانوادگی و نام نویسنده. (تاریخ نشر). نام کتاب، محل انتشار، ناشر.
 - ب) کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی و نام مؤلف. (تاریخ تألیف). نام کتاب به فارسی، نام و نام خانوادگی مترجم، ناشر، تاریخ ترجمه.
 - ج) مقاله: نام خانوادگی و نام. (تاریخ نشر). عنوان مقاله. نام مجله، شماره انتشار، شماره صفحات استفاده شده.

- الف: از لحاظ محتوا
- ۱- در جهت هدف های نشریه باشد.
 - ۲- جنبه علمی یا پژوهشی یا تخصصی یا حرفه ای داشته باشد.
 - ۳- حاصل مطالعات، تجربه ها و پژوهش های نویسنده باشد.
 - ۴- در صورت ترجمه، مقاله حاوی موضوعات جدید و تجارب خاص بوده که با مقتضیات و شرایط جامعه متناسب باشد.
 - ۵- قبلاً برای هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی ارسال و یا در هیچ یک از آنها چاپ نشده باشد.

ضوابط نهایی پذیرش مقاله ها برای چاپ در فصلنامه

مقاله های تألیفی، تحقیقی و ترجمه ای را حداقل دو تن از اعضای شورای سردبیری مورد ارزیابی قرار می دهند و پذیرش نهایی منوط به موافقت قطعی مدیر مسئول است.

نحوه ارسال مقاله:

خواهشمند است مقاله های خود را با رعایت موارد فوق همراه با نامه ای با ذکر نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، مرتبه علمی، محل اشتغال، نشانی پستی و الکترونیکی و شماره تلفن به عنوان سردبیر مجله ارسال فرمایید.

- ب: از لحاظ شکل ظاهری
- ۱- ارسال ۲ نسخه از مقاله تایپ شده (حداکثر ۱۲ صفحه تایپ شده با برنامه Word-XP و همراه با دیسکت).
 - ۲- چکیده ای در حدود ۱۵۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی همراه مقاله باشد.
 - ۳- مقاله های ترجمه شده با نسخه ای از متن اصلی همراه باشد.
 - ۴- فهرست منابعی که مورد استفاده قرار گرفته بدون ذکر شماره ردیف بر روی صفحه ای مستقل و با توجه به الگوی

چگونگی داوری سرمایه‌گذاران در مورد میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت

Molly Mercer

ترجمه: دکتر کامبیز فرقاندوست حقیقی
مینو منصور زارع

صالح و قابل اعتماد به نظر می‌رسد میزان اعتبار مطالب افشاء شده بیش‌تر است. رسیدگی به وسیله مراجع خارجی و داخلی نیز می‌تواند میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را افزایش دهد. همچنین میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به ویژگی‌های ذاتی نحوه افشاء اطلاعات نیز ارتباط

دارد. ویژگی‌هایی مانند دقت، محمل افشاء، افق زمانی، منطقی بودن ذاتی آن و سایر اطلاعاتی که می‌تواند مؤید موضوع باشد.

مقدمه

افشاء اطلاعات توسط مدیریت یک منبع اطلاعات بالقوه ارزشمند برای سرمایه‌گذاران است، اما برای آن که مورد استفاده قرار گیرد باید معتبر تلقی شود. جنینگز (۱۹۸۷)



افشاء اطلاعات توسط مدیریت یک منبع اطلاعات بالقوه ارزشمند برای سرمایه‌گذاران است، اما برای آن که مورد استفاده قرار گیرد باید معتبر تلقی شود

چکیده

در این مقاله مطالب موجود در مورد میزان اعتبار افشاء مورد بررسی قرار گرفته و طی آن چهار عامل که سرمایه‌گذاران در زمان ارزیابی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت در نظر می‌گیرند مورد لحاظ قرار می‌گیرد. این عوامل عبارتند از:

- ۱- انگیزه‌های ناشی از موقعیت در تاریخ افشاء
 - ۲- میزان اعتبار خود مدیریت (به عبارت دیگر صلاحیت و قابل اعتماد بودن آن‌ها)
 - ۳- عوامل مؤثر بر محیط گزارش‌گری اعم از عوامل بیرونی و یا عوامل درونی شرکت (محیط کنترلی)
 - ۴- ویژگی‌های ذاتی نحوه افشاء.
- در صورتی که مدیریت انگیزه‌ای برای ارائه اطلاعات گمراه‌کننده به سرمایه‌گذاران نداشته باشد یا وقتی مدیریت

افشاء شده مؤثر است.

مطالعات قبلی در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده متنوع و گسترده هستند؛ اگرچه در ظاهر امر به نظر می‌رسد برخی از تحقیقات با موضوع مرتبط نیستند، اما در همین تحقیقات مسائل مشابه تئوریک مورد لحاظ قرار گرفته است. برای مثال یافته‌های بسیاری از تحقیقات دانشگاهی حاکی از آن است که افشاء اخبار منفی از اعتبار بیش‌تری نسبت به اخبار مثبت برخوردار است (ویلیامز-۱۹۹۶، هیوتن و همکاران-۲۰۰۳). برخی از تحقیقات نیز حاکی از آن است که هرگاه افشاء‌کننده از نظر مالی وضعیت خوبی داشته باشد، افشاهای به عمل آمده توسط او از افشاء به عمل آمده توسط شرکت‌هایی که وضعیت مالی مطلوبی ندارند، معتبرتر به نظر می‌رسد (فراست-۱۹۹۷ و کچ-۱۹۹۹).

این یافته‌های به ظاهر پراکنده در واقع دارای موضوع مشترکی می‌باشند و آن این‌که چطور انگیزه‌های مدیریت برای افشاء اطلاعات گمراه‌کننده بر میزان قابلیت اتکاء اطلاعات شرکت در آن موقعیت‌ها تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، در این مقاله با جایگزینی دیدگاه تئوریک اصلی تحقیقات قبلی به جای سطح عملیاتی آن‌ها، تحقیقاتی که به ظاهر غیرمرتبط به نظر می‌رسند با یکدیگر مربوط می‌گردند. این رویکرد همچنین با طبقه‌بندی دانش‌هایی که در یک گروه قرار می‌گیرند و تفاوت‌های آن‌ها، در شناسایی حوزه‌های بالقوه مفید برای تحقیقات آتی کمک می‌نماید. در نهایت این که این چارچوب باید برای مدیران شرکت‌ها مفید باشد، زیرا عواملی را که بر میزان اتکاء اطلاعات افشاء شده مؤثر است ارائه می‌نماید و سازوکارهایی را که مدیران می‌توانند جهت افزایش میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به کار گیرند پیشنهاد می‌نماید.

مفهوم قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده چیست؟

قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده به عنوان استنباط

معتقد است که واکنش سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت تابعی است از اطلاعات جدید (اطلاعات فاقد سابقه) موجود در اطلاعات افشاء شده و میزان اعتبار آن (قابلیت توجیه و منطقی بودن آن اطلاعات). او نتیجه می‌گیرد که برای توجیه واکنش سرمایه‌گذاران، میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده می‌تواند به اندازه مقدار اطلاعات جدید و فاقد سابقه بااهمیت باشد. مقاله‌های مندرج در رسانه‌های ارتباط جمعی، می‌تواند تأییدی بر میزان تأثیر اطلاعات تلقی گردد. موضوع بسیاری از مقالات مندرج در **وال استریت ژورنال** را بحث‌های مرتبط با مشکلات پذیرش میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط برخی از شرکت‌ها و یا تلاش در راستای افزایش میزان اعتبار اطلاعات توسط برخی دیگر تشکیل می‌دهد (**کارنز و پرس-۲۰۰۲**). درحقیقت به نظر می‌رسد نگرانی سرمایه‌گذاران در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده در حال افزایش است، زیرا که رسوایی‌های

بزرگ مالی انرون و ورلدکام

موجب شده تا میزان اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران در مورد اعتبار اطلاعات افشاء شده دستخوش تزلزل‌های شدید گردد (بارت-۲۰۰۲).

باتوجه به اهمیت میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده، برخی از

عواملی که بر قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت از دیدگاه استفاده‌کنندگان مؤثر می‌باشد، در تحقیقات دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله تلفیقی است از بررسی‌های مرتبط با قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده، با توجه به مطالعات قبلی در رشته حسابداری و مدارک مربوط در سایر رشته‌ها نظیر مدیریت استراتژی، علوم سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی.

حاصل این تلفیق حاکی از آن است که چهار عامل انگیزه‌های ناشی از موقعیت، میزان اعتبار خود مدیریت، عوامل مؤثر بر محیط گزارش‌گری اعم از بیرونی و درونی و ویژگی‌های ذاتی موضوع مورد افشاء بر میزان اعتبار اطلاعات

چهار عامل انگیزه‌های ناشی از موقعیت، میزان اعتبار خود مدیریت، عوامل مؤثر بر محیط گزارش‌گری اعم از بیرونی و درونی و ویژگی‌های ذاتی موضوع مورد افشاء بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده مؤثر است.

اطلاعات افشاء شده تأثیر می‌گذارد ولیکن تنها عامل نیست. در تحقیقات مشاهده‌ای که در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده صورت می‌گیرد تمایل بیشتر بر این است که از اطلاعات موجود در سوابق بایگانی‌ها و یا اطلاعات تجربی استفاده شود.^۱ در بسیاری از تحقیقات از اطلاعات مرتبط با واکنش‌های بازار که مبتنی بر واکنش‌های بازار سهام می‌باشد و یا پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران در ارتباط با ارزیابی‌های آن‌ها از میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده استفاده می‌شود. در تحقیقات تجربی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به دو طریق آزمون می‌گردد. یا به‌طور مستقیم از شرکت‌کنندگان در تحقیق درخواست می‌شود میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را با یک مقیاس عددی طبقه‌بندی کنند و یا آن‌که میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به‌طور غیرمستقیم با توجه به میزان استفاده‌ای که از آن‌ها توسط شرکت‌کنندگان در تحقیق برای مواردی مانند پیش‌بینی سود یا ارزیابی سهام به عمل می‌آید به نحو استنباطی نتیجه‌گیری می‌شود.

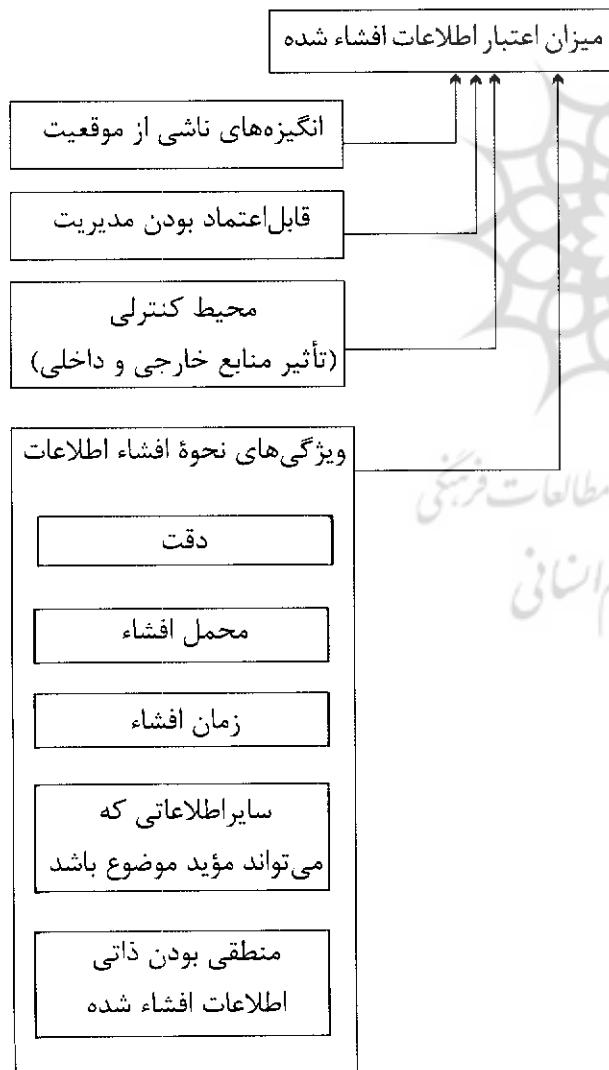
استفاده از هر یک از این دو روش تحقیق معایب و مزایایی دارد. در صورتی که در تحقیق از اطلاعات بازار واقعی استفاده شود و یا واکنش‌های تحلیل‌گران به یک افشاء مورد استفاده قرار گیرد، تحقیقات مبتنی بر اطلاعات تاریخی در ارزیابی اهمیت اقتصادی عوامل مختلف که میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد نتایج بهتری به دست می‌دهد. اما به دلیل آن‌که واکنش تحلیل‌گران بازار به اطلاعات افشاء شده به دو عامل (۱) اطلاعات جدیدی که در افشاء است و (۲) میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده بستگی دارد، بنابراین تحقیقاتی که با توجه به اطلاعات تاریخی انجام می‌شود، اغلب نمی‌تواند تأثیر آن بخش از واکنش تحلیل‌گر را که مربوط به میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده است از عامل دیگر جدا کند. روش‌های تجربی این امکان را برای محقق فراهم می‌آورد که اطلاعات یکسانی را که فقط از نظر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده متفاوت هستند در اختیار همه شرکت‌کنندگان در آزمایش قرار دهند. این روش‌ها در جدا کردن تأثیرات عوامل اتفاقی مطلوب

سرمایه‌گذاران از قابلیت پذیرش یک افشاء خاص تعریف می‌گردد. دو عنصر در این تعریف وجود دارد که باید در مورد آن‌ها توضیح داده شود. اول این که میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده به نحو برداشت و استنباط سرمایه‌گذاران برمی‌گردد و شرایط عینی که در آن افشاء به عمل آمده مدنظر نمی‌باشد. در ابتدا سرمایه‌گذاران افشایی از سوی مدیریت دریافت می‌کنند احتمالاً از میزان قابلیت اتکاء آن اطلاعات و یا کیفیت آن مطلع نیستند و بدین ترتیب واکنش اولیه آن‌ها بر برداشتی که از میزان قابلیت اعتبار آن اطلاعات دارند متکی خواهد بود (جنینگز-۱۹۸۷). موضوع اصلی این مقاله راه‌میین برداشت‌های پیشین سرمایه‌گذاران تشکیل می‌دهد. دوم آن که تعریف بالا متضمن این فرض است که اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت، از طرف سرمایه‌گذاران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اگرچه ممکن است در کلیت امر میزان قابلیت اتکاء در مورد هر شرکت با شرکت دیگر متفاوت باشد، اما این تحقیقات حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران نسبت به تغییر میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده یک شرکت به‌طور مستقل نیز حساس هستند. (ویلیامز - ۱۹۹۶ و هیوتن و همکاران - ۲۰۰۳)

بیشتر نوشته‌های حسابداری "قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده" را با "قابل اعتماد بودن مدیریت" مترادف در نظر می‌گیرند، اما تفاوت‌های مهمی بین این دو مفهوم وجود دارد. قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده برای هر بار افشاء به‌طور جداگانه ارزیابی می‌شود و ممکن است این ارزیابی در دفعات مختلف برای هر شرکت متفاوت باشد. قابل اعتماد بودن مدیریت یک ویژگی پایدار مرتبط با مدیران شرکت است و به برداشتی که سرمایه‌گذاران از صلاحیت و قابل اعتماد بودن مدیران دارند مربوط می‌باشد (هاولند و همکاران، ۱۹۵۳). قابل اعتماد بودن منبع یک پیام به نوبه خود تنها یکی از عناصر تشکیل دهنده قابلیت اتکاء آن است (استینگر و بیرن بام - ۱۹۷۹) و متغیرهای دیگری نیز بر قابلیت اتکاء پیام تأثیر مهمی می‌گذارند (پتی و وگنر - ۱۹۹۸). این موضوع خود حاکی از آن است که قابل اعتماد بودن مدیریت فقط یکی از عواملی است که بر میزان اعتبار

می‌باشند. در تحقیقی که مؤید این موضوع است ایگلی و همکاران (۱۹۷۸)، آزمایشی را اجرا کردند که طی آن از شرکت‌کنندگان درخواست شد یک سخنرانی سیاسی را بخوانند. به برخی از شرکت‌کنندگان گفته شد که سخنرانی شخص سیاستمدار با باورهای مخاطبان هماهنگ است و به برخی دیگر اطلاع داده شد که این سخنرانی با باورهای شنوندگان هماهنگ نیست. وقتی محتوای سخنرانی با اعتقاد شنوندگان همسو بود شرکت‌کنندگان در آزمایش میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را کم‌تر برآورد می‌کردند.

شکل ۱- عوامل مؤثر بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده



هستند، اما از لحاظ برآورد میزان این‌گونه تأثیرات قابلیت کم‌تری دارند. برای مثال وقتی شرکت‌کنندگان در آزمایش، میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را در یک مقیاس هفت درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کنند، محقق نمی‌تواند با اطمینان اظهار کند که ما به ازای واقعی یک درجه تفاوت در این مقیاس در ارتباط با دنیای واقعی چگونه قابل توجیه است. این نقاط قوت و ضعف، بر استنتاج‌های مبتنی بر تحقیقات متکی بر اطلاعات تاریخی و یا تجربی که در این مقاله بررسی شده، تأثیر می‌گذارند.

عوامل مؤثر بر میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت

چرا برخی از اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت معتبرتر از بقیه هستند؟ شکل ۱ نشان می‌دهد که اعتبار اطلاعات افشاء شده به وسیله عوامل زیر تحت تأثیر قرار می‌گیرد:

- ◀ انگیزه‌های ناشی از موقعیت که در تاریخ افشاء وجود دارد
- ◀ قابل اعتماد بودن خود مدیریت
- ◀ عوامل مؤثر بر محیط گزارشگری اعم از عوامل بیرونی و یا درونی شرکت (محیط کنترلی)
- ◀ ویژگی‌های ذاتی نحوه افشاء اطلاعات شامل دقت، محمل افشاء، افق زمانی، منطقی بودن ذاتی آن و سایر اطلاعاتی که می‌تواند مؤید موضوع باشد.

ابتدا اثرات هر کدام از این عوامل بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به تفکیک مورد بحث قرار خواهد گرفت و سپس اثرات تعاملی بالقوه آن‌ها بررسی خواهد شد.

انگیزه‌های ناشی از موقعیت

از دیدگاه‌های استدلالی انگیزه‌های ارسال‌کننده پیام برای ارسال آن، بر میزان اعتبار خود پیام تأثیر می‌گذارد. برای مثال کلی (۱۹۷۲) معتقد است که مردم پیام‌ها را در راستای انگیزه‌های منبع تعبیر می‌کنند و نه در راستای اعتقادات منبع و برعکس تمایل مردم بر آن است که پیام‌های مغایر با انگیزه‌های منبع، منعکس‌کننده اعتقادات منبع خواهد بود. این تفاوت‌ها حاکی از آن است که مردم تمایل کم‌تری به باور پیام‌هایی دارند که با انگیزه‌های منبع آن پیام‌ها هماهنگ

این نتیجه‌گویای آن است که شنوندگان توجه دارند که وقتی سخنرانی سیاسی با انگیزه‌های سیاستمداران (بازی دادن

این مطلب است که میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌های با وضعیت مالی نابسامان، کم‌تر است. یافته‌های او حاکی از آن است که اطلاعات منتشر شده به وسیله شرکت‌های انگلیسی که از نظر مالی وضعیت نابسامانی داشته‌اند در مقایسه با اطلاعات منتشر شده به وسیله شرکت‌های انگلیسی که وضعیت مالی نابسامان نداشتند تغییرات کم‌تری در قیمت سهام را به دنبال داشته است. نتیجه تحقیقات **کچ** و **فراست** حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران در ارزیابی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت به انگیزه‌های آنان حساس هستند.

به طور خلاصه قابلیت اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت تا حدودی به انگیزه‌های ناشی از موقعیت که در تاریخ افشاء وجود دارد بستگی دارد. تحقیقات مشاهده‌ای موجود بر انگیزه‌های مدیریت در ارائه اطلاعات گمراه‌کننده که موجب کاهش در میزان اعتبار افشاء برای اخبار مثبت می‌گردد و همچنین بر افشاهای بنگاه‌های دستخوش نابسامانی مالی، متمرکز می‌باشد. عوامل دیگری که ممکن است برای مدیریت انگیزه‌هایی برای ارائه اطلاعات گمراه‌کننده ایجاد کند هنوز مشخص نشده است. برای مثال مخاطرات عواقب حقوقی برای برخی اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت بیش‌تر است و این افزایش عواقب حقوقی بالقوه، انگیزه‌های مدیریت را در ارائه اطلاعات گمراه‌کننده کاهش می‌دهد. اگر سرمایه‌گذاران متوجه شوند که ملاحظات مربوط به عواقب بالقوه حقوقی در رابطه با افشاء اطلاعات مورد توجه مدیریت می‌باشد، این امر نیز می‌تواند بر میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده تاثیرگذار باشد.

قابل اعتماد بودن مدیریت

تحقیقاتی که در روان‌شناسی اجتماعی انجام گرفته حاکی از آن است که میزان اعتبار پیام‌دهنده یک عامل مهم در میزان اعتبار خود پیام است (بیرن بام و استیگنر - ۱۹۷۹). به نظر می‌رسد این ارتباط در زمینه موضوعات مالی نیز وجود دارد. ویلیامز (۱۹۹۶) معتقد است که مدیران قادر هستند با افشاء اطلاعات معتبر برای خود اعتبار ایجاد کنند

مردم) هماهنگ باشد از اعتبار کم‌تری برخوردار خواهد بود. اطلاق این یافته‌ها به افشاء اطلاعات مالی حاکی از آن خواهد بود که وقتی مدیریت انگیزه‌های بیشتری برای ارائه اطلاعات گمراه‌کننده یا نادرست دارد سرمایه‌گذاران تمایل کم‌تری به باور اطلاعات افشاء شده توسط آنان خواهند داشت. تحقیقات بسیاری در خصوص مقایسه میزان اعتبار اخبار خوب نسبت به اخبار بد افشاء شده انجام گرفته و اثرات انگیزه‌ها در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. مدیران انگیزه بیش‌تری در ارائه اطلاعات بیش از اندازه مثبت دارند تا اطلاعاتی که بیش از اندازه منفی هستند (مک نیکلاس - ۱۹۸۹). بنابراین انتظار می‌رود، در صورت ثابت ماندن سایر عوامل، اخبار بد افشاء شده در مقایسه با اخبار خوب افشاء شده معتبرتر تلقی گردد. بسیاری از تحقیقات مبتنی بر سوابق اطلاعات تاریخی مؤید این ادعا است که اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت که شامل اخبار بد می‌باشد نسبت به حالتی که حاوی اخبار خوب است منجر به تجدید نظر بیش‌تر در پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران (هاسل و همکاران - ۱۹۸۸ و ویلیامز - ۱۹۹۶) و همچنین تغییرات بیش‌تر قیمت سهام (ریچاردسون و کرنی - ۱۹۹۹ و هیوتن و همکاران - ۲۰۰۳) می‌گردد.

در تحقیقات دیگری، اثرات انگیزه‌های ناشی از موقعیت بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت از طریق مقایسه میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌هایی که از نظر مالی وضعیت مطلوبی دارند با اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌هایی که وضعیت مالی نابسامان دارند مورد بررسی قرار گرفته است. (کچ - ۱۹۹۹) استدلال می‌کند که وقتی یک شرکت از نظر مالی وضعیت نابسامانی دارد، مدیریت آن شرکت انگیزه‌های بیش‌تری در ارائه اطلاعات گمراه‌کننده دارد، زیرا این گونه شرکت‌ها با افشاء اطلاعات نادرست منافع بیش‌تر و هزینه کم‌تری خواهند داشت. فرضیه و یافته‌های او حاکی از آن است که اگر وضعیت مالی شرکتی نابسامان باشد و این نابسامانی رو به افزایش باشد در آن صورت تحلیل‌گران به پیش‌بینی‌هایی که در مورد سود توسط مدیریت انجام گرفته اتکاء کم‌تری خواهند داشت. (فراست - ۱۹۹۷) گزارش می‌دهد که واکنش‌های بازار سهام نیز مؤید

خارجی و داخلی مبنی بر درستی اطلاعات افشاء شده توسط مدیران عامل تأثیرگذار دیگری بر میزان اعتبار این اطلاعات است. این گونه اطمینان بخشی می‌تواند توسط منابع خارج از سازمان مانند حسابرسان مستقل، تحلیل‌گران مالی و روزنامه‌نگاران فراهم شود و یا از طریق منابع داخلی مانند هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و حسابرسان داخلی مهیا گردد.

اطمینان بخشی توسط منابع بیرونی

پژوهش‌های تجربی بسیاری اثرات حسابرسی را بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت بررسی کرده است و یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد در صورت ثابت ماندن سایر عوامل، اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت که حسابرسی شده باشد از اطلاعات افشاء شده‌ای که حسابرسی نشده است معتبرتر تلقی می‌گردد. در این تحقیقات عده‌ای از شرکت‌کنندگان در آزمون اطلاعات افشاء شده پس از اعتبار بخشی حسابرس و عده‌ای دیگر اطلاعات فاقد اعتبار بخشی حسابرس دریافت

کردند. تحقیقات نشان می‌دهد که بانکداران (لایبی - ۱۹۷۹) و همچنین تحلیل‌گران مالی (هوج - ۲۰۰۱) اطلاعات حسابرسی شده را معتبرتر از اطلاعات حسابرسی

نشده تلقی می‌کنند. لفت و بیچ (۱۹۸۳)، بلک ول و همکاران (۱۹۹۸) مدارکی با استفاده از سوابق اطلاعات تاریخی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد اطمینان بخشی توسط منابع خارجی مانند حسابرسان میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت را افزایش می‌دهد. یافته‌های لفت و بیچ (۱۹۸۳) حاکی از آن است که بانک‌ها شرکت‌های خصوصی را ملزم به فراهم کردن صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌نمایند، بلک ول و همکاران (۱۹۹۸) گزارش می‌دهند که بانک‌داران نرخ بهره کم‌تری بر حساب‌های شرکت‌های خصوصی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه می‌نمایند اعمال می‌کنند. این تحقیقات که با توجه به سوابق اطلاعات

که این امر به نوبه خود موجب افزایش میزان پذیرش اطلاعاتی می‌شود که در آینده توسط آنان افشاء خواهد شد. برای آزمون این فرضیه وی دو گروه از مدیران را تعیین کرد که در یک گروه مدیرانی با اعتبار بیش‌تر و در گروه دیگر مدیرانی با اعتبار کم‌تر قرار داشتند. میزان اعتبار این گروه‌ها براساس نزدیک بودن رقم سود پیش‌بینی شده توسط آنان به سود گزارش شده واقعی ارزیابی شده بود. ویلیامز (۱۹۹۶) متوجه می‌شود که میزان تجدید نظر پیش‌بینی تحلیل‌گران در مورد پیش‌بینی‌های سود آتی توسط مدیریت تابعی است از دقت پیش‌بینی‌های قبلی مدیران.

هرست و همکاران (۱۹۹۹) در نتیجه انجام آزمونی مدارکی دال بر تأیید این مطلب ارائه می‌کنند. آن‌ها به اطلاع برخی از شرکت‌کنندگان در آزمون می‌رسانند که اطلاعاتی که قبلاً توسط مدیریت افشاء شده درست بوده است و به برخی دیگر می‌گویند که این اطلاعات صحیح نبوده است. آن‌ها نیز مانند ویلیامز متوجه می‌شوند در صورتی که در دوره‌های زمانی قبل مدیریت پیش‌بینی‌های درستی ارائه کرده باشد سرمایه‌گذاران بر اطلاعات افشاء شده‌ای که در حال حاضر توسط مدیریت ارائه می‌شود اتکاء بیش‌تری دارند. هوج و همکاران (۲۰۰۰) نتایج مشابه‌ای را در یک آزمایش با موضوع متفاوت گزارش می‌کنند. آن‌ها متوجه

می‌شوند در صورتی که تحلیل‌گران معتقد باشند مدیریت از اعتبار بیش‌تری برخوردار است، سرمایه‌گذاران به احتمال زیاد موافقت بیش‌تری با تصمیمات مدیریت مبنی بر طبقه‌بندی اوراق بهادار دوگانه در بخش حقوق صاحبان سهام ترازنامه نشان می‌دهند. مجموعاً این تحقیقات گویای آن است که قابل اعتماد بودن مدیریت عامل مهمی در میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط آنان می‌باشد.

عوامل مؤثر بر محیط گزارشگری اعم از عوامل بیرونی و یا عوامل درونی شرکت (محیط کنترلی)

میزان اطمینان بخشی ناشی از محیط کنترلی اعم از

مطالبات مشکوک‌الوصول و گردش آن حساب را در شرکت نکستل مورد انتقاد قرار داد، در روز انتشار گزارش او، قیمت هر سهم نکستل، ۵ سنت کاهش یافت (لی-۲۰۰۲). به هر حال هنوز نتیجه‌گیری‌های مرتبط با اثر واکنش‌های تحلیل‌گران در مورد اطلاعات افشاء شده و چگونگی تأثیر آن بر واکنش‌های سرمایه‌گذاران نسبت به آن اطلاعات تا حد زیادی بر سوابق مشاهدات اشخاص مختلف استوار است.

اطمینان بخشی توسط منابع درونی

اطمینان بخشی ممکن است از طریق منابع درونی شرکت صورت گیرد. برای مثال هیئت مدیره نظارت و کنترل بر عملیات شرکت و از جمله افشاء اطلاعات مالی آن را در اختیار دارد. در صورتی که هیئت مدیره شرکت از کیفیت سطح بالایی برخوردار باشد، سرمایه‌گذاران نسبت به صحت اطلاعات ارائه شده توسط آن‌ها احساس اطمینان بیشتری خواهند داشت. تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی آن‌ها مستقل‌تر هستند و یا به عبارت دیگر تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره در آن‌ها به نسبت اعضای موظف بیشتر است، اعمال نظر بر نحوه ارائه سود و تقلب کمتر صورت می‌گیرد (بیسلی-۱۹۹۶ و کلین-۱۹۹۹). همچنین در شرکت‌هایی که تعداد جلسات هیئت مدیره و کمیته حسابرسی آن بیش‌تر و اعضای آن از مهارت‌های مالی بالاتری برخوردار است، باز هم اعمال نظر بر نحوه ارائه سود کم‌تر می‌باشد (آکسی و همکاران-۲۰۰۳). این شواهد حاکی از آن است که در شرکت‌هایی که هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی آن‌ها مستقل، کوشا و کارآزموده هستند، اطلاعات افشاء شده از کیفیت بهتری برخوردار است.

در خصوص این مطلب که آیا سرمایه‌گذاران در ارزیابی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده این موارد را مد نظر قرار می‌دهند یا خیر شواهد کمی وجود دارد، اما تحقیقات اولیه دال بر مورد توجه قرار دادن آن‌ها است. یافته‌های **بلک و همکاران (۲۰۰۳)** حاکی از آن است که شرکت‌هایی که درصد تعداد مدیران غیرموظف و یا قدرت کمیته‌های حسابرسی

تاریخی صورت گرفته نشان دهنده آن است که بانگذاران معتقدند حسابرسی با حسابرسی صورت‌های مالی میزان اعتبار آن‌ها را افزایش می‌دهند و این موضوع یافته‌های تجربی را تأیید می‌کند.

رسانه‌های اطلاعاتی مانند روزنامه‌نگاران تجاری و تحلیل‌گران مالی منابع بالقوه دیگر خارجی برای اطمینان بخشی در مورد درستی اطلاعات افشاء شده هستند. روایات متعدد بیانگر آن است که نظرات روزنامه‌نگاران تجاری بر نحوه برداشت سرمایه‌گذاران در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت تأثیر می‌گذارد. برای مثال یک روز پس از انتشار مقاله‌ای در نیویورک تایمز که در آن نحوه گزارشگری شرکت آی. بی. ام I.B.M در مورد سود ناشی از فروش یکی از واحدهای آن مورد انتقاد قرار گرفته بود، قیمت هر سهم این شرکت به میزان ۵ سنت کاهش یافت (بارت-۲۰۰۲). دو تحقیق انجام شده توسط فوستر (۱۹۷۹، ۱۹۸۷) مؤید تأثیر نظرات روزنامه‌نگاران تجاری بر برداشت سرمایه‌گذاران در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده می‌باشد. فوستر واکنش‌های سرمایه‌گذاران را در مورد مقاله‌های نوشته شده توسط **آبراهام بریلوف** که منتقد روش‌های افشاء اطلاعات و حسابداری شرکت‌ها است و در مجلات مختلف مقاله می‌نویسد، مورد بررسی قرار داد. یافته‌های (فوستر-۱۹۷۹) حاکی از آن است که قیمت سهام شرکت‌هایی که **بریلوف** از آن‌ها انتقاد می‌کند در روزی که مقاله وی منتشر می‌شود به طور متوسط ۸٪ کاهش می‌یابد.

واکنش‌های تحلیل‌گران مالی به افشاء اطلاعات نیز می‌تواند بر نحوه برداشت سرمایه‌گذاران در مورد میزان اعتبار این اطلاعات تأثیر بگذارد. وقتی **دیوید تاپس** که یک تحلیل‌گر مالی است، در بولتن خبری که در اکتبر ۱۹۹۹ منتشر کرد **تایکو** را متهم به ارائه اطلاعات گمراه‌کننده در مورد خریدهای خود نمود، سرمایه‌گذاران معتبر بودن اطلاعات افشاء شده توسط **تایکو** را مورد تردید قرار دادند و قیمت سهام آن به یک‌باره سقوط کرد (گوگوی-۲۰۰۱). وقتی اخیراً یکی از تحلیل‌گران مالی مؤسسه **جی پی مورگان** به نام **توماس لی** اطلاعات ارائه شده در مورد روش برآورد



مالی باشد و یا از گروه‌های درون شرکت مثل هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و حساب‌رسان داخلی حاصل گردد.

ویژگی‌های ذاتی نحوه افشاء موضوع

عوامل دیگری که میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد به ویژگی‌های خود افشاء مربوط می‌باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از: دقت، محمل افشاء، افق زمانی، وجود سایر اطلاعاتی که می‌تواند مؤید موضوع باشد و منطقی بودن ذاتی اطلاعات افشاء شده.

دقت

اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت از درجات دقت متفاوتی برخوردار هستند. برای مثال پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت ممکن است به صورت برآوردهای دقیق و نقطه‌ای صورت گیرد، ممکن است به صورت برآوردی بر روی یک دامنه یا طیف انجام شود و یا حتی به صورتی با دقت کمتر و به شکل برآوردهایی با حداکثر و حداقل برای آن شکل گیرد. بسیاری از نویسندگان استدلال می‌کنند که افشاهای غیردقیق قرینه‌ای بر فقدان اطمینان خود مدیریت است و در مقایسه با اطلاعات افشاء شده با دقت بالا به عنوان افشاهایی با میزان اعتبار کمتر در نظر گرفته خواهند شد (هاسل و همکاران-۱۹۸۸ و کینگ و همکاران-۱۹۹۰). یافته‌های تحقیقات مشاهده‌ای مؤید این است که سرمایه‌گذاران این برداشت را دارند که اطلاعات پیش‌بینی شده دقیق از اطلاعات پیش‌بینی شده غیردقیق معتبرتر است. هرست و همکاران (۱۹۹۹)، آزمایشی را اجرا کردند که طی آن اطلاعات پیش‌بینی شده توسط مدیریت را که از نظر دقت در درجات مختلفی از برآوردهای نقطه‌ای تا برآوردهای دامنه‌ای قرار داشت به شرکت‌کنندگان در آزمایش ارائه کردند. آن‌ها پی بردند که وقتی اطلاعات پیش‌بینی شده مدیریت از دقت بیش‌تری برخوردار است، سرمایه‌گذاران نسبت به زمانی که اطلاعات پیش‌بینی شده از دقت کم‌تری برخوردار است احساس اطمینان و اتکاء بیش‌تری دارند. یافته‌های باگینسکی و همکاران (۱۹۹۳)، با استفاده از سوابق اطلاعات

آن‌ها زیاده‌تر می‌باشد، از قابلیت اتکاء بیش‌تری در بازار برخوردارند و این طور استدلال می‌شود که این امر به دلیل آن است که سرمایه‌گذاران جریان عواید با ثبات‌تری را برای این‌گونه شرکت‌ها انتظار دارند. یافته‌های وایلد (۱۹۹۶) حاکی از آن است که تشکیل یک کمیته حسابرسی موجب اتکاء بیش‌تر سرمایه‌گذاران به افشاء اطلاعات مربوط به سود شرکت می‌گردد. بنابراین شواهد موجود حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران در ارزیابی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده، ترکیب هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی شرکت را مدنظر قرار می‌دهند. در حال حاضر به دلیل فضاقت‌های اخیر حسابداری بررسی‌های بسیار زیادی در مورد هیئت مدیره صورت می‌گیرد که این امر ممکن است در آینده منجر به نقش بیشتر هیئت مدیره در میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده گردد.

یکی دیگر از منابع درونی که در مورد صحت اطلاعات افشاء شده اطمینان می‌دهد بخش حسابرسی داخلی شرکت است. حساب‌رسان داخلی اغلب در خط مقدم دفاع در مقابل اشتباهاتی که در اطلاعات وجود دارد خدمت کرده و سعی می‌کنند اشتباهات غیر عمد را که به دلیل ضعف کنترل‌های داخلی شرکت صورت گرفته و همچنین تحریف‌های عمدی ناشی از تقلب را بیابند. در نتیجه اگر سرمایه‌گذاران راهی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی داخلی داشته باشند، اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌هایی که بخش حسابرسی داخلی آن‌ها قوی‌تر ارزیابی می‌شود ممکن است معتبرتر تلقی گردد. در مورد رابطه بین توانایی بخش حسابرسی داخلی و میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط شرکت تحقیقات کمی صورت گرفته است. یکی از دلایل احتمالی این امر مشکلات مربوط به نحوه تعیین کیفیت کار بخش حسابرسی داخلی یک شرکت توسط سرمایه‌گذاران و هم چنین محققین می‌باشد.

به طور خلاصه، اطمینان بخشی در مورد صحت اطلاعات افشاء شده می‌تواند بر میزان اعتبار این اطلاعات تأثیر بگذارد. این اطمینان بخشی ممکن است ناشی از گروه‌های بیرون از شرکت مانند حساب‌رسان، رسانه‌های تجاری و تحلیل‌گران

پول شویی

ناصر پرتوی



پول شویی عملی غیرقانونی است که درآمد حاصل از خلاف شرع و یا قانون طی فرآیندی ساده و یا پیچیده قانونی می‌شود. یا به عبارتی پول کثیف ناشی از خلاف، تبدیل به پول‌های به اصطلاح تمیز می‌گردد و در بدنه اصلی اقتصاد به جریان می‌افتد.

پول‌های کثیف مانند قاچاق (مواد مخدر، کالا و انسان)، جاسوسی، آدم‌ربایی، موارد جنایی، فساد سیاسی، گروگان‌گیری، قمار، تقلبات در اینترنت، تروریسم، فرار مالیاتی و بالاخره رشوه (مالی و یا اداری).

۹۰ درصد از پول‌های کثیف در ابتدا به صورت نقد و یا چک‌های مسافرتی است که به سرعت از طریق سیستم بانکی به بدنه اقتصاد و شبکه تجاری وارد می‌شود. مضافاً این که ایجاد سود و درآمدزایی نیز می‌کند.

پول‌هایی که از این اعمال خلاف به دست می‌آید، اکثراً در کشورهای در حال توسعه می‌باشد و امکان ورود به کشورهای توسعه یافته را نیز می‌یابد که البته ایران هم از این امر مستثنی نیست.

پول شویی جرمی است که شبکه بسیار وسیعی از مجرمان و افراد بی‌گناه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در آن دخالت دارند

تأکید می‌شود؛ اغلب این انتقال‌ها از طریق سیستم بانکی کشور صورت می‌گیرد، بنابراین سیستم بانکی آگاهانه یا ناآگاهانه دخالت مستقیم در این امر دارد.

مراحل عملیات پول شویی:

- ۱- محل یابی (موقعیت یابی)
- ۲- تغییر وضعیت (موقعیت)
- ۳- ادغام و ترکیب

اولین مرحله، محل یابی است که در این مرحله، پول نقد و چک‌های مسافرتی وارد سیستم بانکی کشور می‌شود. در این مرحله، ردیابی فعالیت خلاف بسیار آسان می‌باشد. بنابراین قوانین بانکی باید به گونه‌ای تغییر یابد که فعالیت‌های مالی بیش از سقف

معینی ماهانه گزارش شود.

دومین مرحله، تغییر موقعیت است که در این مرحله درآمدهای غیر قانونی از منبع اصلی خود با استفاده از عملیات بانکی جدا می‌شود یا در بین بانک‌های کشور جابه‌جائی صورت می‌گیرد. در این مرحله نیز شناسایی فعالیت خلاف آسان می‌باشد.

سومین مرحله، ادغام و ترکیب می‌باشد که آخرین مرحله پول شویی است. در این مرحله وجوه غیر قانونی توسط یک‌سری فعالیت‌های ساده و یا پیچیده با بدنه اصلی اقتصاد کشور ادغام می‌شود، در این زمان شناسایی ردپای پول‌های کثیف بسیار دشوار و در حد غیر ممکن می‌باشد.

اطلاع از ارقام واقعی پول شویی برای هیچ کشوری امکان پذیر نیست و فقط می‌توان درصدی از آن را شناسایی و نابود کرد. طبق آمار استخراج شده در سال ۲۰۰۴ در سطح بازارهای مالی بین‌المللی حدود ۲ تا ۵ درصد GNP جهانی بوده است.

پول شویی جرمی است که شبکه بسیار وسیعی از مجرمان و افراد بی‌گناه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در آن دخالت دارند. چنانچه از پول کثیف ناشی از فساد مالی و اداری و رانت‌های موجود در جامعه به سرعت جلوگیری نشود، باعث به وجود آمدن و گسترش هر چه بیشتر در سطح ادارات، بانک‌ها و مؤسسات مالی خواهد شد.

متأسفانه برخی از مسؤولان

تصور می‌کنند که

مبارزه با پول شویی

موجب وارد شدن لطمه به

نظام مالی

و اقتصادی کشور می‌شود

انتقال پول‌های کثیف ناشی از رشوه و فساد، غالباً به موارد ذیل منتهی می‌شود:

- ۱- سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها یا ایجاد شرکت در داخل و یا خارج از کشور
- ۲- ایجاد سازمان‌های خیریه یا مؤسسات قرض‌الحسنه
- ۳- سپرده‌گذاری در بانک‌ها
- ۴- خرید و فروش طلا، ارز و اوراق مشارکت
- ۵- خرید و فروش املاک
- ۶- تأمین هزینه‌های انتخاباتی
- ۷- انتقال به کشورهای دیگر که مجرم در آن کشور اجازه اقامت داشته یا تبعه باشد و احیاناً برگشت آن به صورت نقد یا کالا.

تقاضای پول در جریان افزایش می‌یابد. بنابراین در کشورهای در حال توسعه از روش ساده برای تطهیر پول استفاده می‌شود، ولی چنانچه پول کثیف، با یک سری عملیات پیچیده، تطهیر شود باعث کاهش تقاضای پول در جریان خواهد شد.

این تفاوت به علت تغییر در روش‌های پول شویی و تغییر در محلیابی سیستم بانکی به طرف بازارهای

مالی موازی و همچنین ابزارهای غیر پولی و افزایش تجارت پایاپای و تهاتری می‌باشد.

پول‌های کثیف به جهت عدم ثبت در G N P کشور، سیستم‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ زیرا آمار غلط G N P مسلماً باعث سیستم‌های نادرست پولی و

مالی دولت‌ها خواهد شد و در تقاضای پول و نوسانات نرخ بهره در سطح بازار اثر خواهد گذاشت.

قابل ذکر است که توزیع درآمد نیز در سطح کشور تغییر می‌یابد و مهم‌تر این که سرمایه‌گذاری‌های شفاف به سمت سرمایه‌گذاری‌های با کیفیت پایین هدایت می‌شود و در نتیجه رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

توجه شود که وجوه به دست آمده از پول‌های کثیف به سمت بخش‌های تجاری کوچک و متوسط هدایت می‌شود، زیرا فرار مالیاتی و رشوه در این بخش‌ها عادی است و بالاخره اعتماد به بازار و سرمایه‌گذاری مفید به علت استفاده از این موارد کاهش پیدا می‌کند و این بزرگ‌ترین آفتی است که ناآگاهانه بر اقتصاد کشور وارد می‌شود و رخنه می‌کند.

متأسفانه قوانین و مقررات حاکم بر سیستم بانکی تا حدود زیادی به گونه‌ای است که امکان سوءاستفاده پول‌شویان را از سیستم بانکی آسان کرده است و علت این امر این است که بانک‌ها به صورت سنتی، قوانین و مقررات اداری مبنی بر عدم دخالت بانک‌ها و مؤسسات مالی را رعایت می‌کنند و به همین منظور پایگاهی قابل اتکا و مطمئن برای انتقال پول و وجوه می‌باشند و به

عبارتی دیگر بانک‌ها و مؤسسات مالی به صورت سنتی عادت کرده‌اند که بدون این که در مورد منابع وجوه کنجکاوی کنند به علت بخشی‌نگری برای بیش‌تر کردن منابع خود فقط وظیفه دریافت و انتقال وجوه را فراهم می‌کنند.

در صورتی که یقیناً این‌گونه وجوه به صورت کوتاه‌مدت در بانک‌ها خواهد ماند و عوایدی برای بانک‌ها نخواهد داشت.

اثرات پول‌شویی بر اقتصاد

قاعدتاً حجم گسترده‌ای از پول‌های در جریان در شبکه تجاری جهانی، پول‌های کثیف می‌باشند. در سال ۲۰۰۴ حدود ۳۰۰۰ میلیارد دلار پول در جهان تطهیر شده است.

با تعمق بیشتر متوجه می‌شویم، میان پول‌های خلاف و تقاضای پول در جریان، ارتباطی مستقیم وجود دارد. افزایش ناگهانی در جرایم، باعث افزایش تقاضای پول نقد می‌شود؛ یعنی چنانچه پول‌های کثیف با یکسری عملیات ساده تطهیر شود یا به عبارتی در کشوری که از روشی ساده برای تطهیر پول استفاده می‌شود،

۹۰ درصد از پول‌های کثیف

در ابتدا به صورت نقد و یا

چک‌های مسافرتی است

که به سرعت

از طریق سیستم بانکی

به بدنه اقتصاد و شبکه تجاری

وارد می‌شود

سیستم‌های ضد پول شویی

متأسفانه برخی از مسؤولان تصور می‌کنند که مبارزه با پول شویی موجب وارد شدن لطمه به نظام مالی و اقتصادی کشور می‌شود. بنابراین از اعمال روش‌های ضد پول شویی ترس دارند. در صورتی که ترس از اعمال قوانین ضد پول شویی موجب عقیم ماندن بازارهای مالی می‌شود و در نتیجه به نظام اقتصادی کشور آسیب فراوان می‌رسد.

بنابراین به جرأت می‌توان گفت: مبارزه با پول شویی به هیچ عنوان

تهدیدی برای روش‌های مالی و اقتصادی کشور نمی‌باشد. پس باید کشورها با اتخاذ سیاست‌های مناسب و سازمان‌دهی مطلوب به مبارزه با پول شویی بپردازند.

برخی از سیاست‌ها و روش‌های مبارزه با پول شویی:

- ۱- کنترل، نظارت و هدایت بر ارزش‌های خارجی
- ۲- اعمال نظارت بر سیستم بانکی کشور توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۳- اعمال نظارت بر مؤسسات قرض الحسنه شرکت‌های لیزینگ و سازمان‌های خیریه توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی
- ۴- ارائه گزارش توسط بانک‌ها از انتقال وجوه از مبلغی معین برای اشخاص حقوقی و حقیقی
- ۵- وصول به موقع مالیات

بسرای نبل بسده اهداف فوق پیشنهاد می‌شود: کشورها، مدارهایی به عنوان سازمان مبارزه با پول شویی ایجاد شود.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که پس از تشکیل سازمان مبارزه با پول شویی افرادی صاحب نظر در رشته اقتصاد،

حقوق، مدیریت، بانکداری و بالاخص رشته حسابداری در کادر مدیران اجرایی آن سازمان قرار گیرند و پس از تشکیل سازمان و انتخاب مدیران رده بالا و میانی آن باید قوانینی تدوین گردد که:

● ۱- نهادهای مالی باید در انتخاب مشتریان خود و کسب

اطلاعات دقیق از آنها دقت به خرج دهند.

● ۲- بانک‌ها، ارگان‌های واسطه‌های، صندوق‌های قرض الحسنه، تعاونی‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری باید موظف شوند که برای مبارزه با پول شویی نیروی کار زبده از حسابداران و حسابرسان را به خدمت بگیرند.

● ۳- سازمان بورس اوراق بهادار ملزم به ارائه گزارش به سازمان مبارزه با پول شویی شود.

● ۴- عدم گسترش بدون نظارت حساب‌های مالی الکترونیکی

منوارد فوق باید به صورتی نظراحتسای بران کردد که جامعه و دستسزبان همبند امنیت لارها را داشته باشند و بهتر است فعالیت مبارزه با پول شویی در ابتدای سال باشد که بهترین زمان مسرووع، اول فروردین ۱۳۸۵ می‌باشد.

مؤسسه حسابرسی ارقام نگر آریا

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مصطفی احمدی وسطی کلایی
قاسم شیخانی
سید محمد رضوی
اسفندیار گرشاسی

نشانی: تهران - خیابان شریعتی - نرسیده به
خیابان بهار شیراز - پلاک ۴۱۱
واحد شماره ۲

تلفن: ۷۷۵۰۱۹۱۳-۶۶۴۸۲۲۸۵

فکس: ۷۷۵۰۱۹۱۳

کدپستی: ۱۶۱۲۹۹۴۵۳۴

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت اصول پایه فراگیر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

ابراهیم موسوی
هوشنگ منوچهری
حسن صالح آبادی

نشانی: تهران - خ مطهری - جنب باشگاه
بانک سپه - پلاک ۴۳ - طبقه چهارم

تلفکس: ۸۸۴۱۱۵۰۵ و ۸۸۴۲۳۵۳۴

کدپستی: ۱۵۶۷۷۱۷۸۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۹۳۵

مؤسسه حسابرسی آذین حساب

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

ابوالقاسم معماری
مجید کیانی
مهدی رضا قاسمیان

نشانی: اصفهان - میدان آزادی - ساختمان
آزادی - طبقه ۲ - شماره ۶
(بلوک A, B)

تلفن: ۰۳۱۱-۶۴۴۱۹۱۷ و ۸

فکس: ۶۶۱۰۵۹۶

صندوق پستی: ۸۱۶۴۵-۳۹۵

مؤسسه حسابرسی آزموندگان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مهرداد آل علی
فرهاد فرزاد

نشانی: تهران - خیابان کریم خان زند
خ حافظ - شماره ۷۰۱ - طبقه ۴

تلفن: ۸۸۸۰۳۴۶۵-۸۸۸۰۲۶۳۹

فکس: ۸۸۹۲۶۷۵۴

صندوق پستی: ۱۴۳۳۵-۷۹۷

مؤسسه حسابرسی آزموده کاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مسعود بختیاری سوجبلاغی
علی اصغر فرخ
علی خیراندیش
جعفر نیکدل

نشانی: میدان آرژانتین - خیابان الوند
خیابان ۲۷ - پلاک ۱۹ - طبقه ۲

تلفن: ۸۸۷۹۲۵۷۹

فکس: ۸۸۷۷۱۳۸۰

صندوق پستی: ۷۳۱۸-۱۹۳۹۵

مؤسسه حسابرسی آریابهروش

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

فتحعلی ولانی
مرتضی شعبانی
فرامرز میرزایی صلحی

نشانی: خ ملاصدرا - شیراز جنوبی - انتهای
گرمسار شرقی - ساختمان کردستان
واحد ۶

تلفن: ۸۸۰۳۴۴۰۶

فکس: ۸۸۰۳۴۴۸۲

کدپستی: ۱۴۳۵۸۸۴۱۴۳

مؤسسه حسابرسی آگاه تدبیر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

سعید برهانی
سیامک فتحی دهکردی

نشانی تهران: شهرک قدس - بلوار فرحزادی
بعد از چهار راه دریا - نبش کوچه ایرانی
ساختمان مروارید - واحد یک

تلفن: ۲۲۳۶۷۷۸۴ فکس: ۲۲۳۶۷۷۸۳

نشانی اصفهان: خیابان چهار باغ بالا

مجتمع پارسیان - طبقه دوم - واحد ۴۰۶

تلفن: ۰۳۱۱-۶۲۷۴۹۹۱

فکس: ۰۳۱۱-۶۲۷۳۵۶۹

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت برترین پژوهشگر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

محمد حسین دادگستر
جهانبخش فرهادیان
محمد علی دعایی

نشانی: تهران - سعادت آباد - میدان کاج
مجتمع تجاری اداری سروستان
واحد ۳۰۸

تلفن: ۲۲۰۹۱۳۲۰ و ۴۳

فکس: ۲۲۰۸۰۸۱۷

کدپستی: ۱۹۹۷۹۹۸۳۵۵

مؤسسه حسابرسی بهراد مشار

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مهربان پرویز
بهرروز ابراهیمی
رضا یعقوبی
فریده شیرازی
شیرین مشیر

نشانی: تهران - خیابان مطهری - خیابان جم
پلاک ۲۹ - طبقه دوم

تلفن: ۸۸۲۲۶۵۲۷-۸

فکس: ۸۸۳۰۹۴۹۰

راهنمای مؤسسات حسابرسی

مؤسسه حسابرسی پرتو حساب تهران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

اصغر بختیاری
ناصر بیک
محمد دشت آبادی

نشانی: خیابان کارگر شمالی - خیابان نصرت
بعد از جمال زاده - پلاک ۲۵۰

تلفن: ۳ و ۲ و ۶۶۹۰۷۹۵۲ - ۶۶۹۴۹۱۴۹
فکس: ۶۶۹۰۷۹۵۳ و ۶۶۹۴۹۱۴۹
کد پستی: ۱۴۱۹۸-۵۳۸۱۱

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت پرسیان پاد

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

محمد رضا ستارزاده
رسول نصیری خویدهی

نشانی: خیابان طالقانی - بعد از چهارراه
مفتح - ساختمان ۲۹۰ - طبقه سوم

تلفن: ۸۸۳۰۷۳۱۷
فکس: ۸۸۸۲۸۱۴۳

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت حساب گستر پویا

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

اصغر خرمی دیزجی
علی صاره راز
مرتضی فلاح موحد

نشانی: تهران - خیابان طالقانی
بعد از چهار راه بهار - کوچه وزین
پلاک ۵۶۳ - طبقه چهارم

تلفن: ۷۷۶۰۳۳۵۲
فکس: ۷۷۵۰۷۵۴۸

مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی دایار ایان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

علی امانی
رضا مستاجران
غلامحسین دوانی

نشانی: خیابان مطهری - خیابان کوه نور
خیابان هفتم - شماره ۵۰
طبقه دهم - واحد ۱۰۲-۱۰۱

تلفن: ۵ و ۸۲ و ۸۸۷۳۹۰۸۳
فکس: ۸۸۷۳۹۰۵۶

مؤسسه حسابرسی و حسابداری دقیق

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

یداله فلاحتی
روح اله خانی اوشانی

نشانی تهران: کوی نصر - خ ۱۴ - پلاک ۲۲
نشانی کرمان: خیابان ۲۴ آذر - کوچه ۵
شماره ۵۰

تلفن تهران: ۸۸۲۸۸۲۶ - ۸۸۲۸۸۹۹
فکس کرمان: ۲۴۶۴۰۷۲ - ۲۴۶۴۰۳۴۱

مؤسسه حسابرسی دیلمی پور و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

نصرت اله تشخیص
CPA مصطفی دیلمی پور
نصراله سعادت

نشانی: تهران - بزرگراه آفریقا - پلاک ۲۳
مجمع اداری الهیه - واحد ۶۰۶

تلفن: ۲۲۰۴۹۴۹۷
فکس: ۲۲۰۱۷۵۰۲
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۱۹۳۹۹

مؤسسه حسابرسی داوران حساب

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

شعبان حبیب پور کوچکی
نادر بسنده
عباسعلی نیک نفس

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی - خیابان
شهدا - شماره ۱۷ - واحد ۱۷

تلفن: ۸۸۷۲۴۸۴۱ - ۸۸۷۲۴۸۶۱
فکس: ۸۸۷۲۸۲۴۲
صندوق پستی: ۱۴۳۳۵-۱۳۳۶

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت رهبین

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

شهریار دیلم صالحی
حسین شیخ سفلی
فرامرز نوروزی
محمد حاجی پور

نشانی: تهران - سپهرودی شمالی - بالاتر از
آبادانا - خیابان سراب - پلاک ۱۸ - واحد ۱۲

تلفن: ۲۱ و ۲۰ - ۸۸۷۴۹۰۲۰
فکس: ۸۸۷۴۷۸۳۸

مؤسسه حسابرسی رهیافت و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مجید صفاتی
حسن حاجیان
مصطفی جهانبانی
مرتضی عسگری

نشانی تهران: خیابان سپهرودی شمالی - نرسیده
به میدان شهید فندی - شماره ۱۵۹ - طبقه ۳

نشانی مشهد: بلوار فردوس - خیابان ابن سینا
غربی - پلاک ۲۳۷ - ساختمان رهیافت

تلفن: ۶ و ۰۷۴۸۵۱ - ۰۵۱۱
فکس: ۰۵۱۱ - ۰۶۴۳۴۲۱

راهنمای مؤسسات حسابرسي

مؤسسه حسابرسي سپاهان تراز

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران
شرکا (حسابداران رسمی):

سید امیر حسین ابطحي نائبي
مهران پوریان
علیرضا جعفري نسب
عیاس حیدری کبریتي
سید شهباز نوریان

نشانی تهران: بلوار میرداماد - خ شهید حساری
(رازان جنوبی) - بن بست بیست و یکم - پلاک ۴
طبقه دوم

تلفن: ۲۲۹۰۳۷۵۹ - ۲۲۹۰۳۷۵۸
فکس: ۲۲۲۷۶۳۳۸

تلفن دفتر اصفهان: ۶۶۹۹۵۹۵ - ۶۶۹۹۴۹۴ (۰۲۱۱)
فاکس دفتر اصفهان: ۶۶۸۷۶۰۰ (۰۲۱۱)

تلفاکس دفتر یزد: ۸۲۵۳۹۶۱ (۰۳۵۱)

مؤسسه حسابرسي شافهي اندیشان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

احد شله جي
جهانگیر رضائي
مجتبی الهامی
کوروش شایان
علیرضا شایان
حمیدرضا شایان

نشانی: تهران - خیابان ظفر - خ نفت شمالی
نیش خیابان نهم - پلاک ۳۱/۱۱۴ - طبقه ۶
واحد ۲۳

تلفن: ۲۲۹۰۴۱۹۹ - ۲۲۲۷۲۱۹۰
فکس: ۲۲۹۰۴۲۰۰

مؤسسه حسابرسي شراکت

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

سیروس گوهری
مجید کشور پڑوه لنگرودی
حسن فرخ نیا

نشانی: تهران - خ دکتر بهشتی - خیابان
قائم مقام فراهانی - ساختمان ۲۱۶ - طبقه ۴

تلفن: ۸۸۷۱۷۶۵۱ - ۸۸۷۱۷۶۵۰

فکس: ۸۸۷۵۹۰۹۴

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۶۶۶۶

مؤسسه حسابرسي ناصر مشاور تهران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

معصومه شعبان
اکرم علیاری
محبوب مهدی پور بهمیری
حمید رضا خواجوی

نشانی: فلسطین شمالی - مابین بلوار کشاورز
و زرتشت - پلاک ۳۹ - ساختمان ۵۵
طبقه ۴ - واحد ۱۸

تلفکس: ۸۸۹۰۵۶۴۷ - ۸۸۹۰۲۳۸۹ - ۸۸۸۹۰۶۱۹
کد پستی: ۱۴۱۵۸ - ۴۳۳۳۸

مؤسسه حسابرسي فراگیر اصول

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مراد جعفر زاده اسلامی
مسعود جعفر زاده اسلامی
علی صدر پناه

نشانی: خ ۲۳ گاندی - پلاک ۲۱ - واحد ۲

تلفن: ۸۸۶۶۱۲۶۹
فکس: ۸۸۶۶۱۲۶۹

مؤسسه حسابرسي فردا پدید و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

حسن تنگ عیش
فرانک زنده نوش

نشانی: تهران - میدان جهاد (فاطمی)
کوچه کامران - پلاک ۱۵ - طبقه ۴
واحد ۸

تلفن: ۸۸۸۹۹۱۴۱ و ۸۸۸۹۹۰۷۰

فکس: ۸۸۸۹۹۷۰۵

کد پستی: ۱۴۱۵۸۹۵۳۹۸

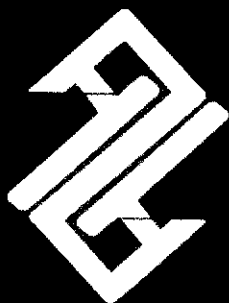
نشانی انجمن

خیابان ملاصدرا - خیابان خوارزمی (سازمان گوشت)

کوچه میلاد - شماره ۷ غربی

شماره تلفن‌های: ۸۸۰۳۸۴۱۸ و ۸۸۰۵۱۳۴۱

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۹۵۵۴





بانک کارآفرین

دانش جهانی، راه حل ایرانی

بیشترین سود

حساب پشتیبان

01001010001010101101100100011101010011

10001010101101100100011101010011

علی الحساب

۱۴٪

00101010110110010000100101000101010110

در بانک کارآفرین می توانید حساب جاری خود را به

حساب سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت خود (حساب پشتیبان)

مرتبط نموده و از نرخ سود روزشمار علی الحساب ۱۴٪ در سال استفاده نمایید

نرخ سود سپرده های کوتاه مدت: ۱۴٪ در سال

نرخ سود سپرده های کوتاه مدت ویژه: ۱۶٪ در سال

تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام



✓ رؤوس خدمات ما:

- اعطای تسهیلات در راستای ایجاد اشتغال و افزایش تولید و ارائه خدمات به اقشار مختلف جامعه.
- پرداخت بیشترین سود علی الحساب به سپرده گذاران (بلند مدت یکساله ۲۰٪ سپرده ۶ ماهه ۱۴٪ و کوتاه مدت ۱۳٪)
- پرداخت سود قطعی سالهای ۸۱ و ۸۲ (۳ و ۴٪ بیشتر از نرخ علی الحساب).
- امکان استفاده از سیستم SMS به منظور اطلاع رسانی از انواع حسابها.
- انجام ۳ مرحله قرعه کشی حسابهای پس انداز در سال ۸۳ و اعطای دهها هزار جایزه از قبیل واحد مسکونی، خودرو، شمش طلا و ...

✓ ارائه خدمات روز دنیا در دستور کار ماست.

- ایجاد زمینه استفاده از کارتهای الکترونیکی با امکان نگهداری تا ۷ نوع حساب.
- تهیه و نصب دستگاههای خودپرداز ATM با قابلیت پیشرفته دریافت و پرداخت.
- واریز و برداشت از حسابها بصورت ONLINE در سراسر کشور ۲۴ ساعته در ۷ روز هفته.
- تهیه و نصب سیستمهای گویا از قبیل تلفن بانک و ارسال و اعلام اطلاعات تعریف شده.
- ایجاد امکان استفاده از Internet Banking جهت انجام امور مشتریان از طریق رایانه شخصی.

((منتظر خدمات نوین ما باشید))

نرخ سود سپرده ها

۱۳ درصد	سرمایه گذاری کوتاه مدت	تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام
۱۴ درصد	سرمایه گذاری کوتاه مدت ویژه (۶ ماهه)	به منظور جذب منابع مردمی در جهت
۲۰ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (یک ساله)	ارائه خدمات بانکی نسبت به پرداخت سود
۲۰/۵ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (دو ساله)	به سپرده گذاران به صورت علی الحساب
۲۱ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (سه ساله)	و نهایتاً اعطای سود قطعی در پایان هر
۲۱/۵ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (چهار ساله)	سال مالی اقدام مینماید.
۲۲ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (پنج ساله)	تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام
		در راستای اهداف نظام بانکداری اسلامی
		پرداخت سود قطعی به سپرده گذاران را
		پس از تصویب صورتهای مالی پرداخت می نماید.

سود علی الحساب سپرده های فوق بطور روز شمار پرداخت میگردد.

تعاونی اعتبار ٹامن الائمه عليه السلام با بیش از ۳۰۰ شعبه در سراسر کشور آماده ارائه خدمات نوین مالی و اعتباری به هموطنان عزیز می باشد

تعاونی اعتبار ٹامن الائمه عليه السلام



تعمیر و احداث سمانتا آوینی

دفتر مرکزی: تهران - خیابان گاندی - خیابان پانزدهم تلفن: ۱۹-۱۸-۸۸۵۰۰۱۸ - ۸۸۸۲۰۷۲ فاکس: ۸۷۹۳۳۹۳

web: www.samantaavoni.ir

Email: info@samantaavoni.ir



افتخار ما این است که در ارائه خدمات قرض الحسنه اولین هستیم

بخشی از خدمات مؤسسه قرض الحسنه بسیجیان در یک نگاه

- ✓ **مدت بازپرداخت:** تا ۱۰۰٪ آورده سپرده گذار وام و با تمدد مدت پرداخت می کند.
- ✓ **سهولت تسهیلات:** پرداخت تسهیلات به افراد در قالب عقود اسلامی تا سقف ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (موضوع به میزان و مدت سپرده گذاری)
- ✓ **طرح تقسیم بهای کالا و خدمات:** طرحی نوین و انحصاری در راستای رفع مشکلات فروش اقساطی تولیدکنندگان کالا و خدمات
- ✓ **پرداخت حقوق کارکنان:** این سیستم قابلیت دارد با بکارگیری فن آوریهای روز به سهولت پرداخت حقوق کارکنان را عملیاتی نماید، تا کار فرمایان بتوانند به سایر امور مهم دیگر خود رسیدگی نمایند.
- ✓ **طرح تجلیل از محسنین:** از عزیزان نیکوکاری که بدون هیچ توقعی در جهت تقویت سنت قرض الحسنه در سطح جامعه اسلامی تلاش می کنند به نحو شایسته ای از جمله اعزام به سفرهای معنوی حج عمره، سوریه، کربلا، و..... تجلیل می گردد.
- ✓ **حق عضویت بسیج:** با واریز حق عضویت ماهانه توسط سلاحشور ان بسیجی به میزان سه برابر موجودی وام قرض الحسنه پرداخت می گردد.
- ✓ **دائم پرداز بسیج (شعبه شبانه روزی):** دریافت و پرداخت وجوه بدون هیچ محدودیت زمانی، حتی در ایام تعطیل.
- ✓ **سیستم حوالجات:** انتقال وجوه مشتریان از طریق انواع حواله ها با کمترین هزینه در کوتاهترین زمان ممکن به تمام نقاط کشور.
- ✓ **سیستم مهاجر:** امکان برداشت وجه از هر یک از حسابها توسط مشتریان در هر یک از شعب سراسر کشور.

و... ✓

مؤسسه قرض الحسنه بسیجیان بزرگترین و گسترده ترین شبکه

قرض الحسنه در سراسر کشور

خیابان پاسداران خیابان شهید توحیدی ساختمان شهید توحیدی

اداره کل بسیج کشور

اخبار انجمن حسابداری ایران

نشریه تخصصی
شماره ۱

بازرس قانونی

شورای عالی انجمن های ایران از انجمن حسابداری ایران انتخاب شد. شورای عالی انجمن های ایران که در پایان سال ۸۳ از بین ۱۵۸ انجمن فعال در کشور تعداد ۳۴ انجمن برتر را به عنوان عضو پیوسته خود معرفی کرد، در مجمع عمومی در تاریخ ۲۵ تیر ۸۴ اعضای هیئت مدیره و بازرس شورا با رای گیری انتخاب شدند. و آقایان جواد اژه‌ای از انجمن روانشناسی، مهدی بهزاد از انجمن ریاضی، علی اسلامی پناه از انجمن حقوق، عبدالرزاق کعبی نژاد از انجمن انرژی و خانم نسرین مصفا از انجمن سازمان ملل متحد به عنوان اعضای هیئت مدیره و آقای ناصر پرتوی از انجمن حسابداری ایران به عنوان بازرس اصلی شورای عالی انجمن های ایران انتخاب شدند. گفتنی است اعضای هیئت مدیره و بازرس به صورت افتخاری فعالیت می کنند.

اولین همایش هیئت همکاری بورس و حرفه حسابداری برگزار شد

اولین همایش هیئت همکاری بورس و حرفه حسابداری با حضور اکثر شرکاء مؤسسات حسابرسی معتمد بورس و برخی از مدیران عامل شرکت های کارگزاری و سایر حسابداران و حسابرسان برجسته کشور در مرداد سال ۸۴ برگزار شد. نکته قابل توجه این بود که کلیه مدیران رده اول هر ۴ ارگان حسابداری در همایش حضور داشتند. در این همایش ابتدا استاد مصطفی علی مدد رئیس هیئت به طرح مسئله پرداختند، سپس ناصر پرتوی دبیر هیئت به چگونگی تشکیل و سازماندهی هیئت و ۴ کمیته پرداخت و سپس آقایان منصور شمس احمدی از جامعه حسابداران رسمی ایران، هوشنگ نادریان از سازمان حسابرسی، ابوالقاسم فخاریان از انجمن حسابداران خبره ایران و در خاتمه علی ثقفی از انجمن حسابداری ایران به بیان نظرات خود و ارگان های مذکور پرداختند. سپس جلسه پرسش و پاسخ با حضور عبده تبریزی، عباس هشی، غلامرضا سلامی، خسرو پور معمار، مسعود نیلی اصفهانی و هادی بیدختی آغاز گردید و به مدت ۱/۵ ساعت پاسخگوی سوالات حاضرین در جلسه بودند. اکثر حاضرین در همایش که اکثریت شرکاء مؤسسات حسابرسی معتمد بورس بودند، از تشکیل هیئت استقبال کردند ولی در مورد رتبه بندی مؤسسات حسابرسی نظرات متفاوتی وجود داشت. هیئت همکاری بورس و حرفه حسابداری دارای ۴ کمیته تخصصی و حرفه‌ای و علمی می باشد که اعضای ۴ کمیته از ۴ ارگان حسابداری کشور به ترتیب از سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران، انجمن حسابداری ایران و انجمن حسابداران خبره انتخاب شدند که مشروح وظایف هیئت همکاری و ۴ کمیته در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مجمع عمومی سالانه انجمن برگزار شد

رساند. وی همچنین رئوس کلی صورت‌های مالی را قرائت کرد. هشی صورت‌های مالی سال ۱۳۸۳ انجمن حسابداری ایران را با ارائه گزارشی مقبول استاندارد، گواهی کرد. آن‌گاه اعضاء نیز به اتفاق آراء صورت‌های مالی ۱۳۸۳ انجمن را تصویب کردند.

تصمیمات مجمع

طبق دستور جلسه، مهم‌ترین تصمیمات مجمع عمومی عادی سال ۱۳۸۳ شامل تصویب صورت‌های مالی، انتخاب مدیر مسئول مجله دانش و پژوهش حسابداری، تعیین حق عضویت اعضاء پیوسته و وابسته، انتخاب اعضاء هیئت مدیره و بازرس قانونی بود. مجمع پس از تصویب صورت‌های مالی سالانه ابتدا به اتفاق آراء دکتر علی ثقفی را به عنوان مدیر مسئول مجله دانش و پژوهش حسابداری برگزید و بدین ترتیب دکتر علی ثقفی، مؤسس مجله دانش و پژوهش حسابداری در مقام مدیر مسئولی ابقاء شد.

سپس تعیین حق عضویت اعضاء پیوسته و وابسته و اعضاء حقوقی در دستور کار قرار گرفت و مجمع با اتفاق آراء به این نتیجه رسید که افزایش حق عضویت‌ها می‌تواند بخشی از منابع مالی مورد نیاز را در اختیار انجمن قرار دهد. در ادامه مقرر شد حق عضویت اعضاء پیوسته و وابسته ۳۰۰۰۰۰ ریال، حق عضویت مؤسسات حسابرسی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و حق عضویت سایر اعضاء حقوقی (شرکت‌ها و مؤسسات غیرحسابرسی) ۱۵۰۰۰۰۰ ریال باشد. افزون بر این مقرر شد که حق عضویت‌ها از آغاز سال ۱۳۸۵ اعمال گردد.

نهایتاً رأی‌گیری کتبی برای انتخاب اعضاء هیئت مدیره و بازرس قانونی به عمل آمد. گفتنی است که برگه‌های رأی‌گیری پیش از آغاز جلسه به همراه صورت‌های مالی و اولین شماره مجله دانش و پژوهش حسابداری در اختیار حضار قرار گرفته بود. سپس آراء توسط هیئت رئیسه جلسه و زیر نظر نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شمارش شد. اعضاء اصلی هیئت مدیره انجمن حسابداری ایران بر حسب بالاترین آرای مأخوذه به ترتیب

مجمع عمومی عادی سال ۱۳۸۳ انجمن حسابداری ایران در ۲۴ تیر ۱۳۸۴ با گردهمایی بیش از ۲۰۰ عضو پیوسته در سالن آمفی تئاتر دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد. در ادامه گزارشی کوتاه از این مجمع را با هم می‌خوانیم.

مراسم افتتاحیه

مجمع عمومی عادی سال ۱۳۸۳ انجمن حسابداری ایران رأس ساعت ۱۶ روز ۲۴ تیر ۱۳۸۴ با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم آغاز شد. سپس دکتر علی ثقفی، بنیانگذار و رئیس هیئت مدیره انجمن در مقام سخنران افتتاحیه گزارشی را از فعالیت‌های سال ۱۳۸۳ انجمن به حضار ارائه کرد. وی در سخنانش ضمن اشاره به آخرین دست‌آوردهای انجمن گفت: «با این که انجمن ما عمر کوتاهی دارد، اما توانسته است به یکی از بزرگ‌ترین انجمن‌های علمی ایران تبدیل شود.»

گفتنی است که ناصر پرتوی «دبیر کل انجمن»، به دلیل آن که خود را برای عضویت در هیئت مدیره کاندید کرده بود، از ارائه سخنرانی در مجمع ۱۳۸۳ خودداری کرد. با وجود این در پایان مجمع، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری گفت و گویی را با وی ترتیب داده است که خلاصه آن در انتهای این گزارش خواهد آمد.

انتخابات اعضاء هیئت رئیسه

پس از خاتمه سخنان دکتر علی ثقفی، مجمع برای انتخاب اعضاء هیئت رئیسه وارد شور شد. در نتیجه نجمی هاشمی به عنوان رئیس مجمع، محمدرضا نیکبخت و مهری فرخی به عنوان نظار مجمع و فرزانه نوایی به عنوان منشی مجمع برگزیده شدند. بدین ترتیب مجمع آماده استماع گزارش بازرس قانونی و تصمیم‌گیری درباره دستور جلسه شد.

گزارش بازرس قانونی

سپس عباس هشی، بازرس قانونی انجمن، گزارش حسابرسی صورت‌های مالی سال ۱۳۸۳ را به سمع حضار

به گروه، ارگان یا دانشگاه خاصی نیست و نخواهد بود، بلکه به حسابداری ایران تعلق دارد.» وی همچنین افزود: «باft اعضای هیئت مدیره قبلی و جدید بر این موضوع صحه می گذارد.»

دبیرکل انجمن، هم چنین اعلام کرد امیدوارم تا پایان سال ۱۳۸۴ مقدمات حضور انجمن در عرصه های علمی و تخصصی حسابداری و نیز تعامل با نهادهای اقتصادی، صنعتی، دولتی و سازمان های غیردولتی فراهم شود. بر این اساس انجمن قادر خواهد بود به مدد توانایی علمی و عملی اعضای محترم خود که همگی در رده اول حسابداری و حسابرسی کشور انجام وظیفه می کنند، حضوری مؤثرتر در این عرصه ها را تجربه کند و امیدواریم که با کمک اعضاء بتوانیم گام های مؤثرتر و بزرگ تری برداریم.

وی در خاتمه گفت وظیفه خود می دانم از اعضائی که به بنده رای اعتماد دادند، سپاسگزاری نمایم و بی تردید این تعداد آراء وظیفه بنده را بیش از پیش سنگین خواهد کرد.

ناصر پرتوی، ویدا مجتهدزاده، نقی بهرامفر، غلامحسین اسدی و محمد نمازی به مدت ۲ سال برگزیده شدند. هم چنین محمدعلی دعایی و یحیی حساس یگانه به عنوان اعضای علی البدل هیئت مدیره رأی آوردند. عباس هشی نیز به عنوان بازرس اصلی انجمن و سیدمحمدسعید خلیلی به عنوان بازرس علی البدل برای دو سال انتخاب شدند. در خاتمه، مجمع عمومی عادی سال ۱۳۸۳ با همان نظم و ترتیبی که آغاز شده بود، در ساعت ۲۰ به کار خود پایان داد.

گفت و گو با دبیرکل

دانش و پژوهش حسابداری پس از پایان مجمع گفت و گویی کوتاه را با ناصر پرتوی دبیر کل و عضو جدید هیئت مدیره انجمن حسابداری ایران ترتیب داد که گزیده هایی از آن در ادامه آمده است.

در این گفت و گو پرتوی اظهار کرد: «همان طور که قبلاً نیز بارها اعلام کردیم، انجمن حسابداری ایران متعلق

دومین همایش ملی انجمن برگزار شد

دومین همایش ملی انجمن حسابداری ایران، همانند سال گذشته با عنوان حسابداری و صنعت در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۸۴ در سالن اصلی مرکز همایش های رازی برگزار شد. در این همایش بیش از ۱۰۰۰ نفر که ۳۰۰ نفر از مدیران عامل یا معاونین شرکت های بزرگ، بانک ها، بیمه ها، ارگان ها و ۴۰۰ نفر از حسابداران و یا حسابرسان رده اول کشور و ۱۵۰ نفر از شرکت کنندگان در همایش تصمیم دیکسابان وزارتخانه ها یا سازمان های دولتی از سراسر کشور و ۱۰۰ نفر از مدیران و ارکان سازمان حسابرسی، بارز این همایش بود. جامعه حسابداران رسمی ایران و انجمن حسابداران خبره ایران و انجمن حسابداری ایران و بالاخره بیش از ۵۰ نفر از دانشجویان ممتاز کارشناسی ارشد و دکتری حضور داشتند. اکثر مثال زدنی است.



استادان، متخصصین، حسابداران، حسابرسان، پژوهشگران
رشته حسابداری و رشته های مرتبط
چنانچه تمایل به ارائه مقاله یا یادداشت در زمینه های
حسابداری، حسابرسی و بازار سرمایه در فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری
دارند، می توانند نوشتار خود را حداکثر در ۱۲ صفحه A4 تایپ شده یا
با خط خوانا همراه با CD به انجمن ارسال کنند.

سود حسابداری تجمعی در سال سوم تحت هر دو روش مثبت می‌باشد.

در بخش دوم جدول، تمام داده‌های پیش گفته به استثنای اطلاعات شخصی کارگزار از جریان‌های نقدی مورد انتظار، ثابت در نظر گرفته شده است. برآوردهای شخصی کارگزار نشان می‌دهد که جریان‌های نقدی مورد انتظار سالانه از محل اجرای طرح سرمایه‌گذاری معادل ۱۵ میلیون ریال است؛ در چنین شرایطی، ارزش فعلی خالص طرح منفی خواهد بود. گزینش رویکرد مبتنی بر حذف مستقیم بهای اولیه دارایی و شناخت بی‌درنگ آن به عنوان هزینه برای محاسبه سود حسابداری در اولین دوره (خط مشی ۱) یا اتکا بر رویکرد مبتنی بر مستهلک کردن بهای دارایی در طول سال‌های عمر مفیدش (خط مشی ۳) موجب تصمیم‌گیری صحیح در راستای رد طرح سرمایه‌گذاری می‌شود؛ در حالی که اتکا بر روش مبتنی بر نادیده گرفتن استهلاک (خط مشی ۲) سبب می‌شود تا یک طرح سرمایه‌گذاری زیان‌آور پذیرفته شود. تحلیل‌های بخش‌های اول و دوم جدول آشکارا نشان می‌دهد که حذف مستقیم بهای دارایی و شناخت بی‌درنگ آن به عنوان هزینه در دوره اول می‌تواند به طرح‌های سرمایه‌گذاری سودآور بینجامد و، نادیده گرفتن استهلاک در محاسبات سود حسابداری می‌تواند به پذیرش طرح‌های زیان‌آور منجر گردد. مطالعه دقیق داده‌هایی که در این دو بخش ارائه گردیده است به وضوح گویای آن است که رویکرد مبتنی بر مستهلک کردن دارایی در طول سال‌های عمر مفیدش، زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های منطقی از سوی کارگزار می‌باشد؛ تصمیم‌هایی که در نهایت به ارزش‌آفرینی در کل بنگاه اقتصادی می‌انجامد.

با این وصف، اتکا بر استهلاک حسابداری بعضاً به گزینش سیاست‌های بیشینه‌کننده ارزش بنگاه اقتصادی نمی‌انجامد. در بخش سوم فرض شده است که بازده نقدی طرح سرمایه‌گذاری پس از خاتمه افق زمانی کارگزاری معادل

سرمایه‌گذاری اجرا شده، اما برخوردار از ارزش فعلی خالص منفی است.

طرح نمونه

خلاصه‌ای از مفاهیم مطرح شده در بخش‌های قبل در قالب اعداد و ارقام جدول ۱ ارائه شده است؛ فرض شده است که سود حسابداری مبنای اصلی جبران خدمات کارگزار است و کارگزار در حال بررسی و ارزیابی نوعی طرح سرمایه‌گذاری در دارایی بلندمدت است که بهای اولیه آن ۱۰۰ میلیون ریال و عمر مفیدش ۵ سال است. افزون بر این، ارزش باقیمانده دارایی پس از تحصیل و به کارگیری معادل صفر است.

نرخ تنزیل در حد صفر درصد در نظر گرفته شده است و افق زمانی کارگزاری نیز ۳ سال است. در بخش اول جدول فرض می‌شود که کارگزار دارای اطلاعات شخصی از جریان‌های نقدی خالص مورد انتظار سالانه از محل سرمایه‌گذاری در دارایی است. اطلاعات شخصی وی در این خصوص گویای آن است که بازده نقدی خالص سالانه دارایی ۲۵ میلیون ریال است و از این رو، ارزش فعلی خالص طرح

سرمایه‌گذاری اساساً مثبت است. چنان‌چه برای محاسبه سود حسابداری، کل بهای اولیه دارایی به دلیل ماهیت خاصش بی‌درنگ هزینه شود (خط مشی ۱) کارگزار به طور حتم از اجرای طرح سرمایه‌گذاری خودداری خواهد کرد؛ زیرا سود حسابداری تجمعی مورد انتظار تا پایان افق زمانی کارگزاری (۳ سال) برابر با ۲۵ میلیون ریال خواهد بود و پیامد چنین وضعیتی کاهش سطح سرمایه‌گذاری‌های مساعد در بنگاه اقتصادی است. از سوی دیگر، چنان‌چه سود حسابداری با نادیده گرفتن استهلاک (خط مشی ۲) یا از طریق مستهلک کردن دارایی به روش خط مستقیم در طول سال‌های عمر مفیدش (خط مشی ۳) محاسبه شود، کارگزار به طور قطع اجرای طرح سرمایه‌گذاری را خواهد پذیرفت؛ زیرا

اتکا بر

استهلاک حسابداری

بعضاً به گزینش

سیاست‌های بیشینه‌کننده

ارزش بنگاه اقتصادی

نمی‌انجامد

به تصمیم‌هایی نمی‌انجامد که عامل بیشینه‌سازی ارزش بنگاه اقتصادی است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز عنوان شد، هیچ‌گاه نمی‌توان مدعی شد که اتکا به استهلاک حسابداری و استفاده از آن در محاسبات سود حسابداری، همه دشواری‌های رابطه کارگزاری در زمینه سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت را حل و فصل می‌نماید. در واقع، در شرایطی که ناقربینگی اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی آینده پس از خاتمه افق زمانی کارگزاری (H) بسیار شدید باشد، استفاده از روش‌های شتاب‌دار استهلاک شاید گزینه‌ای منطقی‌تر محسوب شود. از این رو، چنان‌چه کارگزار از افزایش‌دهنده بودن روند جریان‌های نقدی در طول عمر مفید دارایی آگاهی داشته باشد، احتمال استفاده از طرح‌های جبران خدمات مدیران بر مبنای استهلاک کاهش می‌یابد. در حقیقت، در صورتی که کارگزار انتظار داشته باشد طرح‌های سرمایه‌گذاری دارای عمر مفید طولانی است و جریان‌های نقدی آینده نیز تابع روندی افزایش‌دهنده است، وی به استخدام کارگزاران جوان‌تر و استفاده از نوعی طرح‌های جبران خدمات که عامل گسترش افق زمانی کارگزاری می‌شود، گرایش خواهد داشت.

مراکز سرمایه‌گذاری

یکی از اساسی‌ترین پیش‌فرض‌های مباحث بخش‌های قبل، وجود همبستگی میان سود حسابداری و جبران خدمات مدیران می‌باشد. به عبارت دیگر، کارکردها و فعالیت‌های کارگزاران در چارچوب تلقی آنها به عنوان نوعی مرکز سود، ارزیابی و تحلیل شد. حال، فرض می‌شود که کارگزار و کارگزار در خصوص ایجاد یک مرکز سرمایه‌گذاری^۶ توافق می‌کنند؛ توافقی که به خودی خود موجب دگرگونی و ایجاد تغییر در تعهدات کارگزار می‌شود. از جمله این تغییرات می‌توان به

صفر است و از این رو، کارگزار از زیان‌آور بودن طرح آگاهی کامل دارد. در این حالت، محاسبه سود حسابداری از طریق نادیده گرفتن استهلاک (خط مشی ۲) یا مستهلک کردن بهای اولیه دارایی در طول سال‌های عمر مفیدش (خط مشی ۳) سبب می‌شود تا کارگزار به رغم زیان‌آور بودن طرح سرمایه‌گذاری، با اجرای آن مخالفت نکند. در وضعیت مورد بررسی، یگانه راهکاری که به بیشینه‌سازی ارزش بنگاه اقتصادی می‌انجامد حذف مستقیم کل بهای اولیه دارایی در دوره تحصیل آن (خط مشی ۱) می‌باشد. گفتنی است که در خصوص نمونه مورد بررسی در بخش سوم، استفاده از روش خط مستقیم برای مستهلک کردن دارایی نوعی دشواری را از بابت بیش سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد؛ حال آن‌که به کارگیری روش مانده نزولی با نرخ مضاعف برای استهلاک سبب می‌شود تا کارگزار به درستی با اجرای طرح سرمایه‌گذاری مخالفت ورزد.

در بخش چهارم از نمونه مورد بررسی، ارزش فعلی خالص طرح سرمایه‌گذاری مثبت است؛ اما گزینش رویکرد مبتنی بر حذف مستقیم بهای دارایی (خط مشی ۱) یا اتکا بر رویکرد مبتنی بر مستهلک کردن بهای دارایی در طول سال‌های عمر مفید (خط مشی ۳) در راستای محاسبه سود حسابداری موجب می‌گردد تا کارگزار با اجرای طرح سرمایه‌گذاری مخالفت کند. در این حالت، جریان‌های نقدی طرح سرمایه‌گذاری در دوره‌های پس از خاتمه افق زمانی کارگزاری محقق می‌شود. بنابراین کارگزار تنها در صورتی با اجرای طرح سرمایه‌گذاری موافقت خواهد کرد که محاسبات مربوط به سود حسابداری در برگیرنده استهلاک دارایی نباشد.^۷ بر این اساس و با توجه به تجزیه و تحلیل‌های ارائه شده در بخش‌های سوم و چهارم می‌توان ادعا کرد که مستهلک کردن دارایی در طول سال‌های عمر مفیدش بعضاً

اتکا به استهلاک حسابداری
در مقایسه با گزینش
رویکرد مبتنی بر استهلاک اقتصادی
سبب می‌شود تا
احتمال بی‌توجهی به
طرح‌های سرمایه‌گذاری
دارای ارزش فعلی خاص مثبت
کاهش یابد

جدول ۱- نمونه‌ای در ارتباط با مقایسه انگیزه‌های سرمایه گذاری در شرایط اتخاذ خط مشی‌های متفاوت در مورد استهلاک

بهای سرمایه گذاری	۱۰۰ میلیون ریال	افق زمانی کارگزاری	۳ سال
ارزش باقیمانده	صفر	روش استهلاک	خط مستقیم
عمر مفید	۵ سال	ارزش بازار دارایی پس از تحصیل	صفر

بخش اول - سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص مثبت است و اطلاعات شخصی کارگزار مؤید وجود بازده نقدی خالص در حد ۲۵ میلیون ریال برای ۵ سال می باشد. (ارقام به میلیون ریال)

خط مشی ۱:		خط مشی ۲:		خط مشی ۳:	
(حذف مستقیم بهای دارایی در مقطع تحصیل)		(نادیده گرفتن استهلاک)		(استهلاک به روش خط مستقیم)	
سال	اطلاعات شخصی استهلاک	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری
کارگزار	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی
۱	۲۵	۱۰۰	(۷۵)	۲۵	۵
۲	۲۵	۰	(۵۰)	۲۵	۱۰
۳	۲۵	۰	(۲۵)	۲۵	۱۵
۴	۲۵	۰	۰	۲۵	۲۰
۵	۲۵	۰	۲۵	۲۵	۲۵

قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار
نوع قضاوت
رد طرح
سرمایه گذاری کم تر از نیاز
پذیرش طرح
صحيح
پذیرش طرح
صحيح

بخش دوم - سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص منفی است و اطلاعات شخص کارگزار مؤید وجود بازده نقدی خالص در حد ۱۵ میلیون ریال برای ۵ سال می باشد. (ارقام به میلیون ریال)

خط مشی ۱:		خط مشی ۲:		خط مشی ۳:	
(حذف مستقیم بهای دارایی در مقطع تحصیل)		(نادیده گرفتن استهلاک)		(استهلاک به روش خط مستقیم)	
سال	اطلاعات شخصی استهلاک	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری
کارگزار	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی
۱	۱۵	۱۰۰	(۸۵)	۱۵	(۵)
۲	۱۵	۰	(۷۰)	۱۵	(۱۰)
۳	۱۵	۰	(۵۵)	۱۵	(۱۵)
۴	۱۵	۰	(۴۰)	۱۵	(۲۰)
۵	۱۵	۰	(۲۵)	۱۵	(۲۵)

قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار
نوع قضاوت
رد طرح
صحيح
پذیرش طرح
سرمایه گذاری بیش تر از نیاز
رد طرح
صحيح

بخش سوم - سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص منفی است و اطلاعات شخصی کارگزار مؤید وجود بازده نقدی خالص در حد ۲۵ میلیون ریال در سه دوره اول می باشد. (ارقام به میلیون ریال)

خط مشی ۱:		خط مشی ۲:		خط مشی ۳:	
(حذف مستقیم بهای دارایی در مقطع تحصیل)		(نادیده گرفتن استهلاک)		(استهلاک به روش مستقیم)	

سال	اطلاعات شخصی	استهلاک	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	کارگزار
۱	۱۰۰	(۷۵)	۲۵	۲۵	۲۵	۲۰	۵	۰	۲۵
۲	۰	(۵۰)	۲۵	۲۵	۵۰	۲۰	۵	۱۰	۲۵
۳	۰	(۲۵)	۲۵	۲۵	۷۵	۲۰	۵	۱۵	۲۵
۴	۰	(۲۵)	۰	۰	۷۵	۲۰	(۲۰)	(۵)	۰
۵	۰	(۲۵)	۰	۰	۷۵	۲۰	(۲۰)	(۲۵)	۰

قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار
 رد طرح
 پذیرش طرح
 پذیرش طرح
 قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار
 نوع قضاوت

بخش چهارم - سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص منفی است و اطلاعات شخصی کارگزار مؤید وجود بازده نقد خالص در حد ۵۰ میلیون ریال در سه دوره پایانی می باشد. (ارقام به میلیون ریال)

سال	اطلاعات شخصی	استهلاک	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	کارگزار
۱	۱۰۰	(۱۰۰)	۰	۰	۰	۲۰	(۲۰)	(۲۰)	۰
۲	۰	(۱۰۰)	۰	۰	۰	۲۰	(۲۰)	(۴۰)	۰
۳	۰	(۵۰)	۵۰	۵۰	۵۰	۲۰	۳۰	(۱۰)	۵۰
۴	۰	(۵۰)	۵۰	۵۰	۱۰۰	۲۰	۲۰	۲۰	۵۰
۵	۰	(۵۰)	۵۰	۵۰	۱۵۰	۲۰	۲۰	۵۰	۵۰

قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار
 رد طرح
 پذیرش طرح
 پذیرش طرح
 قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار
 نوع قضاوت

مبانی ارزیابی و قضاوت در مورد عملکرد کارگزار اشاره کرد. شاید سود باقیمانده^{۲۷} یا معیارهای دیگری مانند ارزش افزوده اقتصادی^{۲۸} مناسب ترین مبنا برای ارزیابی فعالیت های یک مرکز سرمایه گذاری باشد^{۲۹}. در هر صورت، در ادامه مباحث مربوط به تلقی کارکرد های کارگزار به عنوان مرکز سرمایه گذاری، پایه اصلی ارزیابی فعالیت های صورت گرفته، حاصل جمع دو هزینه به هم وابسته به شرح زیر معرفی می شود.

- هزینه استهلاک هر دوره (D_t) که بر اساس قاعده مستهلک کردن کل بهای دارایی در طول عمر مفیدش (یعنی تامین قید $\sum_{t=1}^T D_t = I$) محاسبه می شود؛ و
- هزینه سرمایه هر دوره که بر پایه نرخ توافقی یا نرخ بازده (R) نسبت به مانده ابتدای دوره ارزش دفتری خالص دارایی اعمال و محاسبه می شود، یعنی $(BV_{t-1} = I - \sum_{s=1}^{t-1} D_s)$.

بدیهی است که در مقطع سرمایه گذاری در دارایی بلند مدت، ارزش فعلی مجموع این دو هزینه دقیقاً معادل با بهای تحصیل دارایی (I) است؛ و این امر بدون توجه به روش برگزیده محاسبه استهلاک و مستقل از آن برقرار است؛ به بیان بهتر رابطه $\sum_{t=1}^T [(D_t + R \times BV_{t-1})(1+R)^{-t}] = I$ صدق می نماید. بر قراری این موازنه برخاسته از این واقعیت است که هر گونه تغییر در روش استهلاک در هر دوره دارای دو اثر خنثی کننده کاملاً مشابه می باشد؛ نخست آنکه موجب تغییر در ارزش فعلی هزینه استهلاک دوره های آینده می شود؛ دیگر آنکه به دلیل اثر گذاری استهلاک بر ارزش دفتری دارایی، سبب تغییر در ارزش فعلی هزینه سرمایه دوره های آینده می گردد.

به تعهدات مربوط به حصول جریان های نقدی پیش بینی شده در طول عمر مفید دارایی های بلندمدت باشد.

تعهدات مبتنی بر استهلاک حسابداری در برابر تعهدات مبتنی بر جریان های نقدی

پیشنهاد تحصیل هر دارایی بلندمدت به طور معمول در قالب طرح سرمایه گذاری از جانب کارگزار به بنگاه اقتصادی ارائه می شود. این پیشنهادها در بیش تر موارد نوعی پیش بینی یا تعهد در مورد جریان های نقدی قابل حصول از طریق دارایی بلندمدت موضوع طرح سرمایه گذاری را در بر می گیرد. بنابراین، پرسشی در خصوص کارایی فرایند تعهد آفرینی از طریق اتکا به جریان نقدی تعهد شده، مطرح است؛ در پاسخ می توان استدلال کرد که تعهد آفرینی بر مبنای استهلاک حسابداری بستر لازم را برای نیل به اطلاعاتی فراهم می آورد که از عینیت و اتکاپذیری بیش تری برخوردارند و در نتیجه امکان دست کاری و تحریف آن ها از سوی کارگزار بسیار اندک می باشد.

فرض کنید که جبران خدمات کارگزار بر پایه تفاوت میان جریان های نقدی واقعی و تعهد شده، صورت گیرد. چنان چه پیش بینی ها و تعهدات کارگزار در زمینه دست یابی به جریان های نقدی آینده کاملاً بی طرفانه باشد، آن گاه مبالغ مورد انتظار در ارتباط با جبران خدمات کارگزار در حد صفر خواهد بود. اما کارگزاران از انگیزه لازم برای کم نمایی جریان های نقدی تعهد شده در سال های اول و بیش نمایی

آن در دوره های پس از خاتمه افق زمانی کارگزاری شان برخوردارند. استفاده از نوعی نظام تعهد آفرینی بر مبنای اطلاعات حسابداری مستلزم اتکا به اطلاعاتی است که عینیت بیشتری (اطلاعات مربوط به نرخ بازده توافقی، بهای تاریخی دارایی و عمر مفید آن) دارند. بنابراین ارزیابی عملکرد کارگزار بر مبنای تفاوت میان جریان های نقد واقعی و نوعی پایه قراردادی هدف که برخاسته از استهلاک حسابداری

در هر حال و به رغم بی اثر بودن نوع روش استهلاک بر حاصل جمع ارزش فعلی هزینه استهلاک و هزینه سرمایه در طول عمر مفید دارایی، کوتاه تر بودن افق زمانی کارگزاری در مقایسه با عمر مفید دارایی سبب می شود تا خط مشی برگزیده برای استهلاک بر حاصل جمع ارزش فعلی دو هزینه یاد شده اثر بگذارد؛ بدین ترتیب، دوره زمانی استهلاک بر تعهدات کارگزاران برای ایجاد جریان های نقدی آینده اثر می گذارد. در همین ارتباط، استفاده از روش خط مستقیم برای مستهلک کردن دارایی در طول (L) دوره زمانی سبب ایجاد تعهدی مبنی بر دست یابی به جریان های نقد اضافی در دوره (t) [که $(1 \leq t \leq L)$] دست کم به اندازه $(CF \geq I/L + R [I (L-T+1)/L])$ می شود. حاصل جمع جریان های نقد اضافی مورد اشاره در طول (L) دوره زمانی معرف کل تعهدات کارگزار در خصوص ایجاد جریان های نقدی به اندازه $I [1+R (L+1)/2]$ است. این در حالی است که به کارگیری روش خط مستقیم برای استهلاک دارایی موجب می گردد تا تعهدات کارگزاران فعال در قالب مرکز سرمایه گذاری در زمینه حصول جریان های نقدی، به تدریج و در طول زمان از روندی نزولی برخوردار باشد؛ زیرا ارزش دفتری دارایی $[I (L-T+1)/L]$ همواره در حال کاهش است.

جالب توجه آن که گزینش و به کارگیری روش های شتاب دار استهلاک، سیر نزولی تعهدات کارگزاران را به شدت افزایش می دهند.

نظام حسابداری با ثبت و نگهداری اطلاعات ارزش دفتری تمام مخارج

سرمایه ای، زمینه لازم را برای ردیابی تمام تعهدات مربوط به ایجاد جریان های نقدی فراهم می کند و در عین حال، از طریق محاسبه و ارزیابی بازده دارایی ها در مراکز سرمایه گذاری، امکان کنترل دستاوردهای واقعی را به وجود می آورد. بر این اساس، جبران خدمات مدیران بر مبنای تفاوت میان سطح بازده بودجه ای و واقعی دارایی ها موجب می شود تا پرداخت های صورت گرفته به مدیران متضمن پایبندی آن ها

روشگاه علوم انسانی و مطالعات رفتاری
تجدد آفرینی بر مبنای
اطلاعات حسابداری
زمینه ساز اتکا بر اطلاعات

بر خوردار از عینیت بیشتر می باشد

بناگاه های اقتصادی همواره از احتمال بروز رفتارهای فرصت طلبانه کارگزاران بیم و هراس دارند؛ این بیم و نگرانی به ویژه در مورد پیشنهادهای تحصیل دارایی های بلندمدت مطرح است. کارگزاران بناگاه های اقتصادی برای محدود ساختن هرگونه فرصت طلبی و سودجویی احتمالی، پیش از تایید پیشنهاد سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت جدید، کارگزاران را مکلف می نمایند تا از سود حسابداری هر دوره، هزینه استهلاک مربوط به دارایی تحصیل شده را کسر کنند.

قراردادهای خرید یا پرداخت به مثابه نوعی سازوکار قیمتی پیش رویدادی هستند که در صورت خاص بودن ماهیت دارایی بلندمدت، موجب تشویق دو طرف قرارداد به بیشینه سازی ارزش مورد انتظار می گردند. بر این اساس، گروهی بر این باورند که ساختار اقتصادی استهلاک حسابداری نیز تا اندازه زیادی مشابه این قراردادها است. به عبارت دیگر، اتکا بر این سازوکار سبب می شود تا کارگزار در هر دوره متعهد به پرداخت مبلغی ثابت (معادل با هزینه استهلاک) باشد؛ و این تعهد بدون توجه به میزان بهره گیری از ظرفیت دارایی بلندمدت تحصیل شده صورت می گیرد.

ساندر بر این باور است که استفاده از سازوکار استهلاک حسابداری برای برقراری موازنه مطلوب میان اقدامات کارگزاران در راستای استفاده کم تر از نیاز از دارایی ها و بیش سرمایه گذاری در دارایی ها تلقی می شود.^{۳۳} با این حال، در صورت وجود ظرفیت مازاد و بی استفاده در بناگاه اقتصادی، نادیده گرفتن استهلاک سبب می گردد تا کارگزاران جانشین به منظور حفظ سطح ظرفیت های بی استفاده، اقدام به بیش سرمایه گذاری نکنند؛ تا از این طریق زمینه حذف و تعدیل هزینه استهلاک دوره های آینده به وجود آید.^{۳۴}

بسط نظریه ها

در این بخش، با در نظر گرفتن بنیادهای نظری طرح شده

است، می تواند توانایی کارگزاران برای تقلب در قراردادهای منعقد شده با بناگاه اقتصادی را به طور قابل ملاحظه ای کاهش دهد.

قراردادهای متضمن خرید یا پرداخت: مصداق بارز کارکرد استهلاک حسابداری

قراردادهای گاز طبیعی یکی از بارزترین مصداق کاربرد مفهوم استهلاک حسابداری محسوب می شوند؛ چرا که این قراردادها متضمن خرید دارایی یا پرداخت وجه آن می باشند. با احداث خط لوله انتقال گاز از میدان استخراج به محل تأسیسات خریدار، خطوط مزبور فاقد هرگونه کاربرد دیگر خواهند بود؛ به بیان دیگر، دارایی مزبور از ماهیت کاملاً خاص برخوردار است و با ایجاد آن، هزینه فرصت اقتصادی متناسب به آن اساساً صفر می باشد.

وجود چنین شرایطی سبب می شود تا پس از احداث خط لوله انتقال گاز، خریدار از انگیزه اقتصادی لازم برای مذاکره با فروشنده و تلاش برای کاهش قیمت قرارداد تا حد هزینه نهایی تولید (پس از کسر بهای احداث

خط لوله انتقال گاز) برخوردار باشد، و این وضعیت را می توان به عنوان یکی از نمونه های آشکار دشواری مربوط به متوقف ساختن اجرای قراردادها تلقی کرد. فروشنده گاز با پیش بینی احتمال بروز این رفتار فرصت طلبانه از جانب خریدار، احداث خط لوله را به انعقاد قرارداد خرید یا پرداخت^{۳۱} موکول می نماید؛ تا احتمال رفتارهای سودجویانه خریدار را محدود کند. در چنین قراردادهایی، خریدار متعهد است صرف نظر از میزان گاز طبیعی خریداری شده، در هر دوره حداقل مبالغی را به عنوان بهای احداث خط لوله انتقال گاز به فروشنده بپردازد. ارزش تنزیل شده حداقل پرداخت های صورت گرفته در هر دوره متضمن بازیافت بهای ایجاد خط لوله انتقال گاز از جانب فروشنده می باشد.^{۳۲} وضعیت مشابهی را نیز می توان در درون بناگاه های اقتصادی جستجو کرد. کارگزاران

پیش بینی های خوش بینانه از سوی کارگزاران در زمینه جریان های نقدی آینده است. این در حالی است که تعدیل بهای تاریخی دارایی های بلند مدت در دوره های پایانی افق زمانی کارگزاری و به ویژه در شرایطی که جبران خدمات کارگزاران پس از خاتمه دوره قرارداد آنها صورت می گیرد، می تواند بستر مساعدی را برای کاهش انگیزه های بیش سرمایه گذاری کارگزاران فراهم کند.

از دیگر ابعاد با اهمیت حسابداری تعدیل بهای تاریخی دارایی ها کاهش انگیزه های کارگزاران برای عدم انجام اقدامات لازم در زمینه تعمیر و نگهداری دارایی ها است. اطلاعات مربوط به ارزش دفتری دارایی ها در حکم تعهد کارگزار برای حفظ ظرفیت مولد دارایی ها است. حال چنانچه کارگزاران در دوره های پیش از خاتمه افق زمانی کارگزاری شان، اقدام شایسته ای را در زمینه تعمیر و نگهداری و حفظ حراست از دارایی ها به عمل نیاورده باشند، کارگزاران جانشین پیش از پذیرش هر گونه تعهد به طور قطع خواهان تعدیل بهای تاریخی دارایی ها خواهند شد؛ تا از این طریق دامنه تعهدات آینده در زمینه بازیافت استهلاک دارایی ها کاهش یابد.

در این شرایط، اگر پاداش کارگزاران و حسن شهرت آینده آنان تابعی از سود گزارش شده (پس از کسر هزینه استهلاک و هزینه کاهش ارزش دفتری دارایی ها) در دوره خاتمه افق زمانی کارگزاری باشد، انگیزه های مربوط به عدم انجام اقدامات لازم در خصوص تعمیر و نگهداری دارایی های بلندمدت به شدت کاهش می یابد؛ و در همین حال، یگانه انگیزه کارگزاران جانشین نیز بیشینه سازی میزان کاهش ارزش ثبت شده در دوران فعالیت کارگزاران پیشین می باشد. بنابراین می توان کاهش ارزش دفتری و تعدیل بهای تاریخی دارایی ها را نوعی توافق میان کارگزاران و کارگزاران تلقی کرد.

در زمینه تلقی استهلاک حسابداری به عنوان نوعی ابراز کارآمد برای تعهد آفرینی در کارگزاران، تأثیر برخی دیگر از ابعاد حسابداری مانند کاهش ارزش دفتری دارایی ها، تعمیر و نگهداری دارایی های بلندمدت و هزینه یابی کامل بر دشواری های رابطه کارگزاری در زمینه دارایی های بلندمدت بررسی و تحلیل می شود.

کاهش ارزش دفتری دارایی ها، ارزش های دفتری و تعمیر و نگهداری دارایی های بلندمدت

یکی از کارکردهای اصلی نظام حسابداری در ارتباط با سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت ردیابی و ارزیابی ارزش دفتری مستهلک نشده دارایی های مزبور در طول عمر مفیدشان است. علاوه بر این، در شرایطی که شواهدی دال بر کاهش ارزش دفتری دارایی ها وجود دارد، نظام حسابداری بنگاه اقتصادی ناگزیر از حذف تمام یا بخشی از بهای تاریخی دارایی از محل درآمدهای آن است؛ و این امر به طور معمول در صورتی انجام می گیرد که جریان خدمات آینده دارایی به طور قابل ملاحظه ای کم تر از پیش بینی ها و انتظارات اولیه باشد. در حقیقت، چنانچه سطح جریان های نقدی آینده از

پیش بینی های اولیه کم تر باشد و مالک نیز بر این باور باشد که کاهش جریان های نقدی دوره جاری بر محقق نشدن انتظارات مربوط به دوره های آینده دلالت دارد، می تواند بهای تاریخی دارایی های بلندمدت را کاهش دهد. کاهش بهای تاریخی در صورتی که با تعدیل انتظارات مربوط به دوره های آینده همراه باشد سبب می گردد تا در دوره کاهش، هزینه عمده ای از این بابت در محاسبات سود حسابداری گنجانده شود؛ اقدامی که به خودی خود زمینه ساز کاهش مبالغ پرداخت شده برای جبران خدمات کارگزاران است. بنابراین به نظر می رسد که تعدیل بهای تاریخی دارایی های بلند مدت نوعی عامل بازدارنده در فرایند

از دیگر ابعاد با اهمیت مربوط به حسابداری تعدیل بهای تاریخی دارایی ها همانا کاهش انگیزه های کارگزاران برای عدم انجام اقدامات لازم در زمینه تعمیر و نگهداری دارایی ها است

هزینه یابی کامل

هر بنگاه اقتصادی را می توان زنجیره ای از قراردادهای کارگزاری قلمداد کرد. بر این اساس، مدیران ارشد و اعضای هیئت مدیره در جایگاه اصلی ترین کارگزار فعال در عرصه بنگاه اقتصادی، تعهد مشخصی را در برابر صاحبان سهام به عنوان کارگزار اصلی، در زمینه پوشش کل استهلاک حسابداری بنگاه بر عهده دارند؛ و ابزار اصلی برای پاسخ خواهی در این خصوص اطلاعات ایجاد شده در فرایند گزارشگری مالی استهلاک می باشد. افزون بر این، مدیران واحدهای عملیاتی نیز در مقام کارگزار، تعهد معینی را در مقابل مدیران ارشد به عنوان کارگزار، در خصوص پوشش استهلاک واحد عملیاتی خویش به عهده دارند؛ ضمن آن که مدیران هر یک از خطوط تولید نیز در مقام کارگزار، در مقابل مدیران واحدهای عملیاتی مربوط، نسبت به پوشش

استهلاک خط تولید تحت هدایت و رهبری خویش مسئولیت دارند. وجود مشخصه جمع پذیری در اعداد و ارقام مربوط به هزینه استهلاک و ارزش دفتری دارایی ها موجب تسهیل فرایند اعمال نظارت بر قسمت های مختلف بنگاه اقتصادی می شود.^{۳۵} بنابراین می توان استنباط کرد که محاسبه و گزارش استهلاک حسابداری در حکم تفکیک و تجزیه تعهدات منقضی نشده

گذشته و تخصیص آن به مدیران سطوح مختلف بنگاه اقتصادی است. این نگرش سبب می شود تا سطح تفکیک و تجزیه اطلاعات گزارش شده یگانه عامل متمایزکننده حسابداری مالی از حسابداری مدیریت باشد.

حال وضعیتیتی در نظر گرفته می شود که بنگاه اقتصادی دارای نوعی خط تولید به عنوان یک مرکز سود است که از طریق تحصیل و به کارگیری دارایی های بلندمدت خاص، محصول مشخصی را برای چندین قسمت تجاری که به عنوان مراکز سود فعالیت دارند، تهیه و عرضه می نمایند. پس از تحصیل دارایی های بلندمدت از سوی خط تولید، مدیران

قسمت های تجاری قادر خواهند بود تا از طریق متوقف ساختن خرید محصول، مدیران واحد تولید را به کاهش قیمت فروش وادارند؛ تا حدی که قیمت فروش فقط هزینه متغیر تولید را پوشش دهد. پر واضح است که در این وضعیت، نوعی دشواری مشابه آنچه در ارتباط با قراردادهای متضمن خرید یا پرداخت ارائه شد، وجود دارد.

در راستای غلبه بر فرصت طلبی به وجود آمده در این انحصار دو جانبه می توان با تخصیص استهلاک حسابداری بر مبنای ظرفیت بودجه شده به هزینه محصول در قسمت های تجاری و هم چنین پاسخ خواهی از مدیران قسمت های مزبور در زمینه هرگونه انحراف حجم، اقدام بازدارنده لازم را به عمل آورد. در واقع، پاسخ خواهی از قسمت های تجاری در زمینه علل وجود هرگونه ظرفیت بی استفاده موجب می گردد تا انگیزه های مدیران آنها برای حمایت از

گسترش و افزایش ظرفیت بیش تر از نیاز مورد انتظار، به شدت کاهش یابد. در متون حسابداری مدیریت، تسهیم هزینه استهلاک و سایر هزینه های ثابت به هزینه های محصول هزینه یابی کامل^{۳۶} خوانده می شود. چنین استدلال شده است که استفاده از روش هزینه یابی کامل زمینه ساز کاهش بروز رفتارهای فرصت طلبانه مدیران قسمت های تجاری در فرآیند تصمیم گیری برای سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت جدید می باشد. در حقیقت، در چنین شرایطی هر کدام از قسمت های تجاری دارای نوعی قرارداد متضمن خرید یا پرداخت با خط تولید یاد شده خواهند بود.^{۳۷}

از سوی دیگر، عده ای بر این باورند که محاسبه هزینه متوسط تولید بر مبنای ظرفیت عملی یا ظرفیت عادی می تواند در زمینه جلوگیری از بیش نمایی بهای تولید، روش بسیار سودمندی باشد. بسیاری از بنگاه های اقتصادی برای محاسبه نرخ جذب سرمایه (شامل هزینه استهلاک سالانه)

محاسبه و گزارش
استهلاک حسابداری
در حکم تفکیک و تجزیه
تعهدات منقضی نشده گذشته
و تخصیص آن به مدیران
سطوح مختلف
بنگاه اقتصادی است

و با فرض ثبات سایر عوامل، استفاده از روش خط مستقیم منطقی است.

اما در نبود تعهدات قراردادی، کوتاه‌مدت بودن افق زمانی کارگزاری موجب می‌گردد تا کارگزاران به دلیل وجود فرصت‌های شغلی جاننشین، از انگیزه لازم برای گزینش و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری دارای بازده نقدی بالاتر در سال‌های اولیه برخوردار باشند. در چنین شرایطی، پیامد اصلی استفاده از روش خط مستقیم برای تعهدآفرینی در کارگزاران دست‌یابی کارگزاران اولیه به بخش عمده‌ای از منافع اقتصادی و تحمل قسمت قابل توجه بار مالی طرح از سوی کارگزاران جاننشین در سال‌های بعد می‌باشد؛ سال‌هایی که در آن، سطح جریان‌های نقد به مراتب کم‌تر از هزینه استهلاک تعریف شده در قالب تعهدات قراردادی است. به کارگیری روش‌های شتابدار استهلاک بستر مناسبی را برای حل و فصل این دشواری فراهم می‌کند. بر این اساس، می‌توان استنباط کرد که بهره‌گیری از روش‌های شتابدار استهلاک عمدتاً در محدوده آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی توجیه‌پذیر است که سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها ترفیع شغلی‌شان موجب جابه‌جایی و ارتقای سریع مدیران به سطوح بالاتر سازمانی می‌گردد.

از سوی دیگر، تدوین ساختار بهینه تعهدات مربوط به هزینه استهلاک تابعی از روند مخارج مربوط به تعمیر و نگهداری دارایی‌های بلندمدت است. برای نمونه، فرض می‌شود که بازده نقد دارایی بلندمدت (پیش از کسر هزینه تعمیر و نگهداری) دارای روندی ثابت در طول عمر مفید آن است؛ اما در همین حال، با افزایش عمر دارایی انتظار می‌رود که مخارج مرتبط با تعمیر و نگهداری آن نیز افزایش یابد. بنابراین خالص جریان‌های نقد (پس از کسر هزینه تعمیر و نگهداری) در طول زمان از روندی نزولی برخوردار خواهد بود.

به جای اتکا بر حجم پیش‌بینی شده یا واقعی تولید، از ظرفیت عملی استفاده می‌کنند. حال اگر تأکید بر به‌کارگیری ظرفیت عملی باشد و در عین حال از تمام ظرفیت عملی نیز استفاده نشود، نرخ جذب سربار ثابت خواهد ماند و سربار جذب نشده (انحراف حجم) نیز به عنوان بخشی از هزینه‌های خطوط تولید تلقی می‌گردد. حقیقت آن است که گزینش رویکرد مبتنی بر قراردادهای خرید یا پرداخت سبب می‌شود تا علاوه بر پاسخ‌خواهی از کارگزاران در مورد سطح ظرفیت مورد استفاده، خدشه‌ای نیز به اعداد و ارقام گزارش شده در مورد بهای تولید وارد نگردد.

ملاحظات اجرایی

گزینش از میان روش‌های استهلاک

تلقی استهلاک حسابداری به عنوان ابزاری کارآمد برای تعهد آفرینی در کارگزاران فعال در بنگاه‌های اقتصادی سبب می‌گردد تا ابزاری سودمند در فرایند انعقاد قراردادها باشد. این نگرش به استهلاک موجب می‌شود تا صرفاً به استهلاک به عنوان سازوکار ارزشیابی نگرسته نشود. صورت‌بندی و تدوین بهینه‌ترین ساختار تعهدات قراردادی به طور حتم مستلزم توجه به عوامل متعددی است که از آن جمله می‌توان به روند جریان‌های نقدی مورد انتظار، پیش‌بینی‌های مربوط به مخارج تعمیر و نگهداری دارایی‌های بلندمدت و مشخصه‌های خاص مدیران مانند افق زمانی کارگزاری آن‌ها در بنگاه اقتصادی اشاره کرد. برای نمونه، چنان‌چه کارگزار انتظار داشته باشد که روند جریان‌های نقدی

بهره‌گیری از روش‌های شتابدار

استهلاک عمدتاً در محدوده آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی توجیه‌پذیر است که سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها ترفیع شغلی‌شان موجب جابه‌جایی و

ارتقای سریع مدیران

به سطوح بالاتر سازمانی می‌گردد

حاصل از طرح سرمایه‌گذاری در طول عمر مفید آن ثابت و یکنواخت باشد و هم‌چنین وی این‌گونه پیش‌بینی کرده باشد که کارگزار نیز به احتمال فراوان تا پایان عمر مفید دارایی در بنگاه اقتصادی فعالیت خواهد داشت، در این صورت

شتابدار استهلاک چالش‌های بسیاری را از جهت بازیافت بهای تاریخی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت، در طول افق زمانی کارگزاری در برابر مدیران قرار می‌دهد و از این رو، انگیزه‌های آنان برای اتکا بر این راه برد به منظور حفظ جایگاه خود در بنگاه اقتصادی را کاهش می‌دهد. با تمام این اوصاف، سرمایه‌گذاری‌های دلخواه مدیران هنوز هم می‌تواند زمینه حفظ جایگاه آنان در بنگاه اقتصادی را فراهم کند؛ اما در هر حال، جبران خدمات مدیران بر پایه اعداد و ارقام مربوط به سود حسابداری پس از کسر استهلاک محاسبه شده بر مبنای روش‌های شتابدار موجب می‌گردد تا انگیزه‌های این گروه تا اندازه‌ای تعدیل شود. در جدول ۲ پاره‌ای از عوامل گوناگونی که به احتمال زیاد، گزینش روش استهلاک در بنگاه اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد، ارائه شده است.

در چنین شرایطی، استفاده از روش‌های شتابدار برای محاسبه استهلاک موجب می‌شود تا میان سطح تعهدات در هر دوره و خالص جریان‌های نقد دارایی مطابقت بیش‌تری به وجود آید.

شلايفر و ویشنی بر این باورند که مدیران از طریق سرمایه‌گذاری‌های دلخواه خویش (سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی که سطح مطلوبیت اقتصادی آن‌ها برای مدیران فعلی در مقایسه با بهترین گزینه‌های موجود، به مراتب بیش‌تر است)، در تلاشند تا به نحوی جایگاه خود در بنگاه اقتصادی استحکام بخشند.^{۳۸} چنین سرمایه‌گذاری‌هایی، احتمال اخراج و برکناری مدیران را به شدت کاهش می‌دهد و در عین حال، امکان کسب بیش‌ترین منافع از بنگاه اقتصادی را نیز برای آن‌ها به وجود می‌آورد. اما استفاده از روش‌های

جدول ۲- عوامل گوناگون موثر بر گزینش روش استهلاک

روش استهلاک	عوامل اثرگذار برگزینش روش استهلاک
روش خط مستقیم	<ul style="list-style-type: none"> ● یکنواختی جریان‌های نقد سالانه در طول عمر مفید دارایی‌های بلندمدت ● ثابت یا نزولی بودن روند مخارج مربوط به تعمیر و نگهداری دارایی‌های بلندمدت در طول عمر مفید ● وجود مدیران برخوردار از افق زمانی کارگزاری بلندمدت ● وجود فرصت‌های اندک برای انجام سرمایه‌گذاری‌های دلخواه مدیران
روش‌های شتابدار	<ul style="list-style-type: none"> ● نزولی بودن جریان‌های نقد سالانه در طول عمر مفید دارایی‌های بلندمدت ● صعودی بودن روند مخارج مربوط به تعمیر و نگهداری دارایی‌های بلندمدت در طول عمر مفید ● وجود مدیران برخوردار از افق زمانی کارگزاری کوتاه‌مدت ● وجود فرصت‌های بسیار برای انجام سرمایه‌گذاری‌های دلخواه مدیران

کارگزاران (مدیران ارشد و اعضای هیئت مدیره) در زمینه مواردی مانند انواع سرمایه‌گذاری‌های موجود، ساختار رقابتی صنعت و روند کلی و دوره زمانی مربوط به جریان‌های نقد حاصل از سرمایه‌گذاری، آگاهی و شناختی کلی دارند.

علاوه بر این می‌توان پیش‌بینی‌هایی را نیز در زمینه علل گزینش از میان روش‌های استهلاک در سطح کل بنگاه اقتصادی ارائه کرد. کارگزاران و کارگزاران فعال در عرصه بنگاه، هر یک دارای آگاهی‌های تخصصی متفاوتی می‌باشند.

مورد سطح استفاده از دارایی‌های بلندمدت موضوع طرح‌های سرمایه‌گذاری پیشنهادی برخوردار باشند. افزون بر این، چنان‌چه انحراف حجم نتیجه رویدادهای پیش‌بینی نشده‌ای باشد که خارج از کنترل کارگزاران

است، در این صورت مدیران ارشد می‌توانند از تخصیص این انحرافات به قسمت‌های تجاری صرف‌نظر کنند و در اصطلاح استثنا قائل شوند. از سوی دیگر، کاهش ارزش دفتری دارایی‌ها نیز به‌طور معمول در شرایطی صورت می‌گیرد که عملکرد واقعی به‌طور مستمر کمتر از ظرفیت عملی است یا آن‌که عملیات تعمیر و نگهداری دارایی از کارایی لازم برای حفظ ظرفیت آن در حد سطوح برنامه‌ریزی شده، برخوردار نباشند. در چنین

شرایطی و با فرض آن‌که جبران خدمات کارگزار تابعی از سود حسابداری در آخرین دوره فعالیت وی باشد، کارگزاران از بابت عدم انجام عملیات تعمیر و نگهداری مناسب، متوجه زیان‌های عمده‌ای خواهند شد.

حال، چنین فرض می‌شود که جریان‌های نقد واقعی کم‌تر از هزینه استهلاک حسابداری است؛ به عبارت دیگر، شرایط مقرر در قرارداد کارگزاری از بابت تعهدات مرتبط با پوشش هزینه استهلاک، تأمین نشده است. در این حالت، چنان‌چه وضعیت طرح شده به صورت مجزا بررسی شود، سازوکارهای حسابداری در بنگاه اقتصادی باید ضمن ثبت کسر جذب سربار، انحراف حجم را به حساب کارگزار منظور کنند. اما در صورتی که وجود ظرفیت‌های مازاد جنبه دائمی داشته و خارج از کنترل مدیران عملیاتی باشد، مناسب‌ترین نحوه عمل حسابداری شناخت کاهش ارزش دفتری دارایی می‌باشد؛ اقدامی که به نوبه خود زمینه‌ساز جلوگیری از کاهش سود حسابداری کارگزاران است. به بیان واضح‌تر، ارزش دفتری مستهلک نشده دارایی مشمول کاهش قرار

اما برخلاف کارگماران، هر کدام از کارگزاران فعال در سطح بنگاه اقتصادی، از آگاهی و شناخت دقیقی در مورد هر کدام از سرمایه‌گذاری‌ها و جریان‌های نقد مورد انتظار آن‌ها برخوردارند. بر پایه وجود ناقربینی اطلاعات میان کارگمار و کارگزار می‌توان استدلال کرد که کارگمار در زمینه‌گزینش از میان روش‌های استهلاک و گروه‌بندی دارایی‌ها از نظر عمر مفید به گونه‌ای عمل می‌کنند که انگیزه‌های فرصت‌طلبانه کارگزار برای اجتناب از به‌کارگیری روش‌های شتابدار و طولانی‌تر در نظر گرفتن عمر دارایی‌ها، به شدت محدود گردد. وجود چنین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دقیق و انعطاف‌ناپذیری موجب کاهش

هزینه‌های ناشی از اثرگذاری کارگزاران بر کارکردهای بنگاه اقتصادی می‌شود؛ ضمن آن‌که استقرار و به‌کارگیری رویه‌های مورد اشاره به احتمال زیاد مستلزم تایید و تصویب آنها از جانب هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی به عنوان نوعی ابزار برای کنترل و اعمال نظارت بر فرصت‌طلبی مدیران ارشد است.

کاهش ارزش دفتری دارایی‌ها، جابه‌جایی مدیران و انحرافات حجم

با توجه به نوع نگرش ارائه شده در زمینه تعهدات قراردادی در نوشتار حاضر، تلقی استهلاک حسابداری به عنوان هزینه ثابت سبب می‌شود تا در شرایطی که تولید واقعی کم‌تر از ظرفیت عملی در بنگاه اقتصادی است، سربار جذب نشده وجود داشته باشد. در این حالت می‌توان استدلال کرد که تخصیص انحرافات حجم سربار به قسمت‌های تجاری موجب می‌گردد تا مدیران قسمت‌های یاد شده از انگیزه لازم برای ارائه پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه در

اقتصادی به وجود آورد؛ چرا که در شرایط ماهیت دارایی ها، خاص است استفاده از استهلاک اقتصادی موجب می گردد تا کل بهای تاریخی دارایی بلندمدت در اولین دوره به حساب استهلاک منظور شود و این امر در نهایت زمینه ساز رد طرح های سرمایه گذاری سود آور از سوی مدیران برخوردار از افق زمانی کارگزاری کوتاه مدت است.

اگر چه استفاده از استهلاک حسابداری می تواند عاملی برای کاهش دشواری های ناشی از بیش از یک سرمایه گذاری در بنگاه اقتصادی باشد، اما مواردی نیز وجود دارد که به کارگیری آن سبب می شود تا کارگزاران بار د طرح های سرمایه گذاری سودآور، به پذیرش طرح های زیان آور اقدام کنند. بر این اساس می توان مدعی شد که استفاده از استهلاک حسابداری بعضاً به پیشینه سازی ارزش بنگاه اقتصادی نمی انجامد. در حقیقت، مواردی مانند استهلاک حسابداری، بازده مورد انتظار از دارایی ها و سایر ترتیبات نهادی همگی به عنوان گزینه هایی محسوب می شوند که هر بنگاه اقتصادی می تواند از میان آنها ترکیب مطلوبش را برگزیند.

تلقی استهلاک حسابداری به عنوان ابزاری برای تعهد آفرینی در کارگزاران به پیش بینی های متعددی منتهی می شود که نیازمند تجزیه و تحلیل دقیق است. بدین ترتیب، استفاده از روش خط مستقیم برای استهلاک دارایی های بلندمدت به طور معمول در صورتی منطقی و توجیه پذیر است که روند جریان های نقد (شامل هزینه تعمیر و نگهداری) ناشی از سرمایه گذاری در دارایی در عمر مفیدش نزولی نباشد و افق زمانی مدیران کارگزاری نیز بلندمدت و احتمال استفاده آن ها از طرح های سرمایه گذاری برای استحکام بخشیدن به جایگاه خود در بنگاه اقتصادی نیز بسیار اندک باشد. علاوه بر این، شناخت کاهش ارزش دفتری دارایی های بلندمدت نیز معمولاً در صورتی انجام می گیرد که عملیات تعمیر و نگهداری موجب حفظ ظرفیت دارایی در حد سطوح برنامه ریزی شده نگردد. در این حالت، منظور کردن کاهش ارزش ثبت شده به حساب کارگزاران در حکم نوعی اقدام تنبیهی برای عدم اجرای عملیات تعمیر و

می گیرد و تعهدات قراردادی در زمینه پوششش هزینه استهلاک نیز بازنگری می شود.

استفاده از استهلاک به عنوان ساز و کار تعهد آفرین تنها در شرایطی اثر بخش است که کاهش ارزش دفتری دارایی ها نادر باشد و در صورت بیش سرمایه گذاری کارگزاران یا عدم انجام عملیات تعمیر و نگهداری مناسب دارایی ها، هزینه های عمده ای را به آن ها تحمیل نماید. یکی از این هزینه ها برکناری کارگزاران است. بر این اساس، می توان چنین نتیجه گرفت که نوعی ارتباط منطقی میان کاهش ارزش دفتری دارایی و جابه جایی مدیران برقرار است. بدین گونه کاهش ارزش دفتری دارایی ها که در بیش تر موارد به عنوان بخشی از عملیات حسابداری و گزارشگری مالی برون سازمانی قلمداد می شود به منزله نوعی ساز و کار حسابداری برای بازنگری در تعهدات قراردادی در درون بنگاه اقتصادی به دلیل دست یابی به اطلاعات جدید است.

خلاصه

در نوشتار حاضر، نظریه ها و دیدگاه هایی درباره ساختار و محتوای مفهوم استهلاک حسابداری و ارزش های دفتری مستهلاک نشده ارائه گردید. بر این اساس، استدلال شد که وجود همبستگی میان جبران خدمات مدیران با سود حسابداری (پس از کسر هزینه استهلاک) موجب می شود تا کارگزاران فعال در بنگاه اقتصادی نسبت به پوشش هزینه استهلاک با استفاده از درآمدهای اضافی یا از طریق صرفه جویی در هزینه ها، متعهد شوند. افزون بر این، ارزش های دفتری نیز تعهدات متقاضی نشده کارگزاران محسوب می شوند؛ تعهداتی که به تدریج و باگذر زمان باید ایفا گردند. تسهیم استهلاک حسابداری به قسمت های تحت کنترل و راه بری مدیران سبب می شود تا انگیزه های آنان برای سرمایه گذاری بیش از حد در دارایی های بلندمدت به شدت تعدیل گردد. این در حالی است که تمام فرضیه ها و آرای طرح شده در این نوشتار بر رویکرد اقتصادی مربوط به هزینه بر بودن قراردادها استوار است. اتکا بر بنیادهای منطقی و مفهومی همین رویکرد زمینه ای را برای نقد استهلاک

کارگزاری، به دو مرجع زیر رجوع شود:

- Rey ball and Phillip Brown, "An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers", *Journal of Accounting Research*, vol. 6, No.2 (Autumn 1968), pp.159-178., Ross L. Watts and Jerrold L. Zimmerman, *Positive Accounting Theory* (Englewood Cliffs, NJ.: Prentice-Hall International, 1986)
3. Agent.
 4. Principal.
 5. Armen A. Alchian, "Specificity, Specialization and Coalitions", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, vol.140, No. 1 (March 1984), pp. 34-49.
 6. Paul Milgrom and John Roberts, "Complementarities and Fit: Strategy, Structure, and Organizational Change in Manufacturing", *Journal of Accounting and Economics*, vol.19, No. 2-3 (March-May 1995), pp.179-208
 7. Agency Horizon.
 8. Andrei shleifer and Robert W. Vishny, "Management Entrenchment: The Case of Manager - Specific Investments", *Journal of Financial Economics*, vol. 25, No. 1 (November 1989), pp. 123-139.
 9. Ross L. Watts, *Accounting Objectives*, Unpublished Working Paper (Rochester, NY.: Graduate school of Business. University of Rochester, 1974)., Michael c. Jensen and William H. Meckling, "The Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics*, vol.3, No.4 (October 1976), pp. 305-360
 10. Ross L. Watts and Jerrold L. Zimmerman. *Positive Accounting Theory* (Englewood Cliffs, NJ: prentice - Hall International, 1986), pp. 347-349.
 11. Political. Cost Hypothesis.

۱۲. پاره ای از مطالعات صورت گرفته نیز به بررسی و تحلیل شرایط خاصی مبادرت ورزیده اند که تخصیص هزینه های ظرفیت (شامل استهلاک)، مطلوب و مناسب تلقی شده است. برای کسب اطلاعات بیش تر در این خصوص، به مراجع زیر رجوع شود:

- Jerold L. Zimmerman, "The Costs and Benefits of Cost Allocations", *The Accounting Review*, vol. LIV, No. 3 (July 1979), pp. 504-521., Yoon s. Suh, "Collusion and non - Controllable cost Allocation", *Journal of Accounting Research*, vol. 25 (supplement 1987), pp. 22-46 Robert p. Magee, "Variable cost Allocation in a principal/Agent Setting", *The Accounting Review*, vol. 63, No.1, (January 1988), pp. 42-54, Rajiv D. Banker and John s. Hughes, *Product Costing and Pricing*, *The Accounting Review*, vol.69, No. 3, (July 1994), pp. 479-494., Stanley Baiman and James Noel, *Non controllable costs and Responsibility Accounting*, *Journal of Accounting Research*, vol. 23, number 3 (Autumn 1985), pp. 486-501., Thomas Hemmer, *Allocations of Sunk Capacity Costs and Joint Costs in a Linear Principal Agent Model*, *The Accounting Review*, vol.

نگهداری مناسب محسوب می شود. بنابراین می توان چنین نتیجه گیری کرد که همبستگی مشخصی میان جابه جایی مدیران و شناخت کاهش ارزش دفتری دارایی ها وجود دارد.

به طور کلی از مطالعه دیدگاه های طرح شده در این نوشتار می توان استنباط کرد که تلقی استهلاک حسابداری به منزله ابزاری تعهد آفرین در روابط کارگزاری و نه سازوکار ارزشیابی دارایی ها می تواند منافع بسیاری را برای بنگاه های اقتصادی به همراه داشته باشد. دقت در ساختار بنگاه های اقتصادی آشکارا گویای آن است که کل ساختار سازمانی آن ها از طریق تعهدات قراردادی به یکدیگر وابسته است؛ مدیران ارشد بنگاه در برابر صاحبان سهام، اعتبار دهندگان و سایر گروه های صاحب نفع، متعهد به ایجاد جریان های نقدی آینده می باشند؛ مدیران سطوح پایین تر بنگاه نیز در برابر مدیران ارشد دارای تعهد مشابهی هستند؛ و در این فراگرد، چنان چه ثروت و منافع اقتصادی مدیران تابعی از سود حسابداری یا انحراف از پیش بینی های بودجه ای باشد، تسهیم استهلاک حسابداری به قسمت های تحت کنترل در راه بری مدیران می تواند ماهیت تعهدات آنان را به شدت دست خوش تغییر قرار دهند.

منابع

1. Ball, Ray, *Commitment, Historical Cost Accounting, and Accounting Depreciation*. Financial Research and Policy Studies Working Paper Series No. 98-02 (Rochester, NY.: Graduate school of Business - University of Rochester, 1998).
2. Ball, Ray, A. Scott Keating and Jerrold L. Zimmerman, "Historical Cost as a Commitment Device", *Maandblad voor Accountancy en Bedrijfseconomie*, vol. 74, Special Issue (November 2000), pp.12-23.
3. Zimmerman. Jerrold L., *Accountings for Decision Making and Control*, 3rd edition (Burr Ridge, IL.: The Irwin / Mc Graw - Hill Book Company, 2000).

پی نوشت

1. Henry Rand Hatfield, "What They say About Depreciation", *The Accounting Review*, Vol. 11, No. 2 (March 1936), pp. 36-40

۲- برای مطالعه بنیادهای مفهومی مربوط به شیوه استفاده از اطلاعات سود حسابداری و ارزش دفتری دارایی ها در محدوده قراردادهای

71, No.3 (April 1996), pp. 419-432., Ray Ball, *The Firm as a Specialist Contracting Intermediary: Application to Accounting and Auditing*, Unpublished Working Paper (Rochester, NY.: Graduate school of Business. University of Rochester, 1989)., William R. Rogerson, *Intertemporal Cost Allocation and Managerial Investment Incentives: A Theory Explaining the Use of Economic Value Added as a performance Measure*, *Journal of Political Economy*, vol. 105, No.4, (August 1997), pp. 770-795., Shyam sunder, *Theory of Accounting and control* (Cincinnati, OH.: South Western Publishing, 1997). P. 56., Stefan. Reichelstein, *Investment Decisions and Managerial Performance Evaluation*, *Review of Accounting Studies*, vol. 2, number 2 (June 1997), pp. 157-180

۱۳- به منظور مطالعه پاره ای از نوشته هایی که به بررسی و ارزیابی این مناظرات پرداخته اند، به مراجع زیر رجوع شود:

John B. Canning, *The Economics of Accountancy: A critical Analysis of Accounting Theory* (New York, NY: The Ronald press Company, 1929)., **Raymond G. Chambers**, *Accounting, Evaluation, and Economic Behavior* (Englewood Cliffs, NJ.: Prentice. Hall, 1966)., **Edgar O. Edwards and Philip W. Bell**, *The Theory and Measurement of Business Income* (Berkeley, CA: University of California Press, 1961).

14. **Paul A. Samuelson**, *Tax Deductibility of Economic Depreciation to Insure Invariant Valuation*, *Journal of Political Economy*, vol. 72, No. 604-6 (December 1964).

15. **Ronald H. Coase**, *The Nature of the Firm*, *Economics*, New series vol. 4, No.16 (November 1937), pp. 386-405.

16. **Charles T. Horngren, George Foster and Srikant M. Datar**, *Cost Accounting: A Managerial Empbasis*, Ninth edition (Englewood Cliffs, NJ: Prentice. Hall International, 1997), p. 386.

۱۷- اگرچه محور تحلیل های ارائه شده از سوی ساموئلسون بر سود مشمول مالیات قرار داشته است، اما دیدگاه های ابراز شده از سوی او به تدریج به عنوان نگرش غالب در مورد نظر اقتصاددانان پیرامون جایگاه استهلاک حسابداری در فرایند گزارشگری مالی، معرفی شد.

18. **Irving Fisher**, *The Theory of Interest* (New York, NY.: The Macmillan Company, 1930).

19. Costly Contracting Theory.

20. **Ronald H. Coase**., Op. cit., P.390

۲۱- دیدگاه های ابراز شده از جانب کاوز پایه های اولیه شکل گیری ادبیات اقتصادی منسجمی در زمینه هزینه های گوناگون مرتبط با انعقاد قراردادها را به وجود آورد. به منظور مطالعه برخی از نوشته های طرح شده در عرصه این ادبیات، به مراجع زیر رجوع شود:

Armen A. alchian and Harold Demsetz, *Production, Information Costs and Economic Organization*, *American Economic Review*, vol.62, No.5 (December

1985), 777-795., **Michael C. Jensen and William H. Meckling**, *Specific and General Knowledge*. In *Main Currents in Contract Economics*, **Lars Werin and Hans Wijkander**, eds (Oxford, England: Blackwell Publishing Group, 1991)., **Oliver E. Williamson**, *Markets and Hierarchies* (New York, NY.: The Freepress, 1975)., **Oliver E. Williamson**, *The Economic Institutions of Capitalism: Firms, Markets, Rational contracting* (New York, NK.: The Free Press, 1985)., **Ross L. Watts**, *Accounting Choice Theory and Market . Based Research in Accounting*, *British Accounting Journal*. Vol. 24, number 3 (October 1992), pp. 242-246.

22. **Ray Ball**, *The Firm as a Specialist Contracting Intermediary: Application to Accounting and Auditing*, *Business Unpublished Working paper* (Rochester, NY.: Graduate School of - University of Rochester, 1989).

23. Profit center.

24. **Armen A. Alchian**., Op. cit., P.38.

۲۵- در همین ارتباط، استفاده از نوعی روش استهلاک صعودی (Decelerated Depreciation) که بر پایه آن استهلاک دارایی بلندمدت در طول عمر مفید آن روند افزایشی دارد می تواند به گزینش بهترین تصمیم در مورد سرمایه گذاری مورد بررسی بینجامد.

26. Investment Center.

27. Residual Income.

28. Economic Value Added (EVA).

۲۹- ارزش افزایشی اقتصادی (Economic Value Added) علامت تجاری ثبت شده موسسه استرن استوارت و شرکا (stern stewart co.) می باشد.

30. **Alison J. kirby, Stefan j. Riechelstein, Pradyot k. Sen, and Tae - Young Paik**, *Participation, Slack, and Budget-Based Perfomance Evaluation*, *Journal of Accounting Research*, Vol. 29, number 1 (Spring 1991), pp.109-128.

31. Take - or - pay contract.

32. **Scott Emasten and keith J. Crocker**, *Efficient Adapt Ation in long. Term Contracts: Take - or - Pay Provisions for Natural Gas*, *American Economic Review*, Vol. 75, No.5 (December 1985), pp. 1083-1093.

33. **Shyam Sunder**, *Theory of Accounting and Control* (Cincinnati, OH.: South - Western publishing, 1997).

34. **Jerold I. Zimerman**, *Accountings for Decision Making and Control*, Third edition (Burr Ridge, IL.:The Irwin/ McGraw. Hill Book company, 2001), pp. 377-378.

۳۵- این در حالی است که قیمت بازار دارایی های بلندمدت به دلیل برخورداری از مشخصه هم افزایی، فاقد خاصیت جمع پذیری می باشند.

36. Full Costing.

37. **Seungjin Whang**, *Cost Allocation Revisited: An Optimality Result*, *Management Science*, Vol. 35, No.10 (October 1989), pp.1264-1273.

38. **Andrei shleifer and Robert W. Vishny**., Op. Cit., P.130.

و سپس مقامات و مراجع نظارتی از طریق اعمال بررسی‌های نظارتی، از دقت و تناسب این الگوها اطمینان حاصل می‌کنند؛ بر این اساس، می‌توان چنین استنتاج کرد که رویکرد مبتنی بر الگوهای داخلی از نوعی رویکرد نظارتی برای صورت‌بندی الزامات کفایت سرمایه بانک بهره می‌گیرد. این در حالی است که رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی‌های داخلی تا حد زیادی به معیارها و ساختارهای مقرر از جانب تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات نظارتی متکی است و از این رو، رویکرد مزبور به رویکرد قانونی گرایش بیشتری دارد؛ هرچند که در چارچوب این رویکرد نیز مقامات و مراجع نظارتی به‌منظور تعیین رتبه‌بندی‌های داخلی، رویه‌های مورد استفاده بانک را ارزیابی و در مورد آنها اظهار نظر می‌کنند.

لازمه استفاده از این دو رویکرد نوین در ارتباط با الزامات کفایت سرمایه مبتنی بر مخاطره در راستای برقراری انطباق میان سرمایه قانونی با سرمایه اقتصادی و به حداقل رساندن احتمال سوء استفاده از قوانین و مقررات، وجود دانش تخصصی درباره ویژگی‌ها و عواملی است که بانک‌ها و دارایی‌های آنها را در معرض مخاطره اعتباری قرار می‌دهد. در همین ارتباط تعدادی از پژوهشگران بانکداری با استفاده از **الگوهای شبیه‌سازی مونت کارلو**^{۳۳} تلاش نمودند تا ویژگی‌های خاص برخی از دارایی‌ها و انواع رفتارهایی که موجب می‌شود بانک در معرض مخاطره قرار گیرد را شناسایی کنند؛ و در همین ارتباط، کوشش شد تا پاسخ مشخصی برای این پرسش جستجو و ارائه شود. آیا نوعی ساختار خطی، که در محدوده آن مخاطرات اعتباری گوناگون به نحوی مستقل با یکدیگر جمع می‌شوند، می‌تواند به گونه‌ای مناسب کل مخاطره اعتباری بانک را نشان دهد؟ یافته‌های اولیه حاصل از بررسی انجام شده برای پاسخ‌گویی به این پرسش و هم چنین اقدامات به عمل آمده از جانب بانک مرکزی انگلستان در راستای ارائه تحلیلی منطقی در ارتباط با پرسش مزبور، به این نتیجه منجر شد که مخاطره اعتباری بانک‌ها تا اندازه زیادی متأثر از عواملی به این شرح است؛ رتبه‌بندی مشتریان بر حسب احتمال ناتوانی در بازپرداخت، برآوردهای مربوط به زیان احتمالی با فرض ناتوانی در بازپرداخت، معیارهایی از اندازه ترکیب دارایی‌های بانک و در نهایت ویژگی‌های استقرای کنندگان معدودی که بخش عمده‌ای از مجموعه اعتبارات اعطایی بانک، به آن‌ها تخصیص یافته است. افزون بر این، ساختار خطی که برخاسته از ذات رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی‌های داخلی است می‌تواند

و برخوردار از رتبه (CCC) هر دو مشابه و در حد صد در صد است. در نتیجه، به دلیل مشابهت وزن مخاطره تمام بنگاه‌های اقتصادی و همسان بودن میزان سرمایه لازم برای پوشش مخاطره آنها، بانک‌ها ترجیح می‌دهند به جای بهره‌گیری از دارایی‌های مطمئن اثبات، مجموعه‌ای از دارایی‌های پر مخاطره را در ترکیب دارایی‌های خود بگنجانند. بنابراین رعایت الزامات کفایت سرمایه مبتنی بر مخاطره نه تنها موجب محدود ساختن میزان مخاطره‌پذیری بانک‌ها نمی‌شود، بلکه به مخاطره‌پذیری بیش‌تر از جانب آنها نیز می‌انجامد. بر همین پایه بوده است که بسیاری از اندیشمندان بانکداری ضمن ابراز نگرانی‌های خود از انگیزه‌های بانک‌ها برای جابه‌جایی میان **سرمایه اقتصادی**^{۳۴} و **سرمایه قانونی**^{۳۵} به این نکته اشاره کرده‌اند که اهمیت و جایگاه سرمایه قانونی به مرور زمان از میان خواهد رفت.^{۳۵}

یکی از مسایل اساسی در ارتباط با افزایش اثربخشی نظارت احتیاطی در نظام بانک، وجود امکان پالایش الزامات کفایت سرمایه است؛ به نحوی که این الزامات متضمن وجود سرمایه کافی در بانک‌ها برای رویارویی با حجم واقعی مخاطره اعتباری فعالیت‌های آنها باشد. در راستای تحقق این آرمان، کمیته قوانین و رویه‌های نظارتی بانکداری دو رویکرد را در ارتباط با الزامات کفایت سرمایه مبتنی بر مخاطره اعتباری ارائه کرده است^{۳۶} که عبارتند از:

۱- **رویکرد استاندارد**^{۳۷} که تا اندازه زیادی مشابه الزامات قبلی است و به رغم تعدیلات به عمل آمده، هنوز هم از نارسایی‌های بسیاری برخوردار است؛

۲- **رویکرد رتبه‌بندی داخلی**^{۳۸} که بر پایه آن، میزان سرمایه مورد نیاز از طریق مجموعه‌ای از روابط مبتنی بر رتبه‌بندی مخاطره اعتباری به وسیله خود بانک، محاسبه می‌شود.

انتظار بر آن است که با گذشت زمان، امکان گرایش بیش‌تر به سمت استفاده از الگوهای داخلی به نحوی مشابه آن چه که در مورد مخاطره بازار از آن استفاده می‌شود، وجود داشته باشد. حقیقت آن است که استفاده از رویکردهای مبتنی بر رتبه‌بندی‌های داخلی و الگوهای داخلی می‌تواند زمینه لازم برای انطباق هر چه بیش‌تر میان الزامات کفایت سرمایه قانونی با سرمایه اقتصادی را فراهم کند. در محدوده رویکرد مبتنی بر الگوهای داخلی، هر بانک ابتدا تصمیم مشخصی را در ارتباط با الگوهای مورد استفاده اتخاذ می‌کند

رویکرد مبتنی بر اقتصاد سیاسی، تحلیل‌هایی را در زمینه دلایل دگرگونی قوانین و مقررات جدید ارائه کرده‌اند.^{۴۲} یافته‌های حاصل از بررسی‌ها و تحلیل‌های آنان گویای آن است که یکی از عوامل موثر و تعیین‌کننده در فرایند تدوین و مقررات صنعت بانکداری همانا علایق و منافع شخصی افراد و گروه‌های برخوردار از قدرت سیاسی می‌باشد؛ ضمن آن که شیوه تفکر و گرایش‌های فکری و ایدئولوژیک این افراد و گروه‌ها نیز از دیگر عوامل با اهمیت در این راستا محسوب می‌شود. با این حال، به رغم اعتبار الگوی مبتنی بر علایق و منافع شخصی و توانمندی آن در شرح شیوه حصول قوانین و مقررات نظارتی، برخی از اندیشمندان معتقدند که پایایی نتایج الگوی مبتنی بر رگرسیون خطی در مقایسه با دستاوردهای الگوی مزبور بیش‌تر است.

این گروه از صاحب‌نظران مسائل حقوقی در عرصه بانکداری چنین استدلال می‌کنند که توجه به علایق و منافع شخصی تنها می‌تواند زمینه پیش‌بینی یکی از آرای موثر بر تصویب یا رد قوانین و مقررات را فراهم کند؛ در حالی که لازمه پیش‌بینی دقیق و صحیح احتمال تصویب یا رد هر یک از قوانین و مقررات نظام بانکی، وجود امکان پیش‌بینی متوسط دیدگاه‌ها و آرای است که در نهایت بر فرایند قانون‌گذاری در این عرصه، موثر می‌باشد.

اما در هر صورت، بررسی‌های مبتنی بر اقتصاد سیاسی و تحلیل‌های ارائه شده در حوزه آن روشنگر نکاتی است که علل تصویب قوانین و مقررات خاص در نظام بانکی را شرح می‌دهد.

برای نمونه، بروز نوسان‌های اقتصادی و تحول در عرصه فن‌آوری اطلاعات بانکی سبب شده است تا سهم بانک‌های کوچک، به عنوان اصلی‌ترین حامیان وجود قوانین منع ثبت و ایجاد بانک‌های بین‌ایالتی در کشور آمریکا، از کل بازار خدمات بانکی به شدت تنزل یابد؛ و بدین گونه بود که توانمندی مقامات این بانک‌ها برای مبارزه با قوانین و مقررات مربوط به مجاز شمردن عملیات بانک‌ها در ایالات مختلف کشور مزبور، کاهش پیدا کرد. توجه به چنین نتایجی نشان می‌دهد که شیوه مشخصی برای نگرش به فرایند تصویب قوانین و مقررات وجود دارد؛ به طوری که اگر هدف از طراحی

برآوردهای معتدل و مطلوبی را از کل مخاطره اعتباری بانک، ارائه کند. یافته‌های این پژوهش‌ها و مطالعات می‌تواند برای بانک‌ها و موسسات اعتباری، که در پی طراحی الگوهای داخلی برای ارزیابی مخاطره اعتباری می‌باشند، و هم چنین برای مقامات و مراجع نظارتی، که ناگزیر از ارزیابی الگوهای داخلی بانک‌ها هستند، یا برای تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات نظارتی، که ممکن است به دنبال طراحی نوعی رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی‌های داخلی برای تعیین الزامات کفایت سرمایه مبتنی بر مخاطره اعتباری باشند، مفید و سودمند واقع شود.^{۴۳}

شیوه تدوین قوانین و مقررات نظارتی

استفاده از تحلیل‌های اقتصادی برای تدوین قوانین و مقررات نظارتی می‌تواند زمینه‌ساز تحقق اهداف خاصی باشد؛ و در همین ارتباط مقالات و تئنگاری‌های تخصصی متعددی ارائه شده که سودمندی تحلیل‌های اقتصادی در عرصه صورت‌بندی قوانین و مقررات را مورد تایید قرار داده است. با این حال، به رغم وجود اتفاق نظر نسبی میان اقتصاددانان در مورد شکل و نوع قوانین و مقررات، در بیش‌تر موارد آن چه که در عالم واقع به آن دست یافته می‌شود، موضوع مناقشات و مناظرات بسیاری است. برای نمونه، بیش از دو دهه است که میان اقتصاددانان بانکی در کشور ایالات متحد آمریکا در مورد مطلوبیت حذف محدودیت‌های مربوط به ایجاد شعب بانک‌ها در ایالات مختلف و اثر آن بر بهبود کارایی در نظام بانکی و دستیابی به ثبات در عرصه فعالیت بانک‌ها، اتفاق نظر

یکی از عوامل موثر و تعیین‌کننده در فرآیند تدوین قوانین و مقررات صنعت بانکداری همانا علایق و منافع شخصی افراد و گروه‌های برخوردار از قدرت سیاسی می‌باشد

وجود دارد. با این وجود، به رغم اجماع اقتصاددانان هیچ‌گونه اقدام موثری در این خصوص تا سال ۱۹۹۴ میلادی به عمل نیامده بود؛ سالی که در آن **قانون ریگل - نیل در مورد کارایی ایجاد شعب بین‌ایالتی**^{۴۴} تدوین و تصویب گردید و به موجب آن، محدودیت مربوط به ثبت و ایجاد شعب یک بانک در ایالات مختلف، از میان برداشته شد. اما به واقع علت اصلی طولانی بودن فرایند زمانی ایجاد اصلاحات بنیادی در محدوده‌ی نظام بانکی چیست؟ و چه عاملی موجب می‌شود تا این اصلاحات سرانجام به اجرا در آید؟

پاره‌ای از اقتصاددانان و متخصصان مالی با استفاده از

ارتباط، هر گونه سیاست پولی موفقیت‌آمیز به طور قطع و یقین باید آینده‌نگر باشد. در نبود پیش‌بینی‌های دقیق از متغیرهای کلان اقتصادی، تدوین‌کنندگان سیاست‌های پولی در تشخیص ارزش‌های درست برای تنظیم ابزارهای اجرای سیاست‌ها و حصول آرمان‌های مورد نظر، ناتوان خواهند بود.

در همین راستا، بررسی‌هایی در حوزه طرح‌های پیشنهادی برای بهبود و طراحی مجدد نظام نظارت بر بانک‌ها، انجام گرفته که هدف نهایی از این اقدامات، شناسایی آن دسته از اطلاعاتی است که می‌تواند ضمن برآوردن اهداف مراجع نظارتی، در زمینه بهبود پیش‌بینی‌های کلان اقتصادی مربوط به سیاست‌های پولی نیز سودمند واقع شود. حاصل چنین بررسی‌ها و اقداماتی آن بوده است که اطلاعات حاصل از نظارت بر بانک‌ها و ارزیابی سلامت و ثبات آنها می‌تواند پیش‌بینی‌های کلان اقتصادی در زمینه تورم و نرخ بیکاری را بهبود بخشد. بر این اساس، حذف بانک مرکزی از عرصه نظارت بر نظام بانکی یا محدود ساختن نقش آن به نظارت بر بانک‌های بزرگ موجب وارد آمدن خسارت‌های زیاد به فرایند اعمال سیاست‌های پولی می‌شود.^{۳۳}

با این وجود، گروهی دیگر از صاحب نظران مسائل نظارت بر بانک‌ها بر این باورند که مهم‌ترین ملاحظه در فرایند طراحی ساختار نظارتی برای نظام بانکی، بهبود اطلاعات برای افزایش دقت پیش‌بینی‌های سیاست‌های پولی نیست؛ بلکه اصلی‌ترین مساله در این فرایند همانا اثر ساختار نظارتی بر بهبود ثبات مالی است. در همین ارتباط، چنین ادعا شده است که اعمال نظارت بر نظام بانکی باید از جانب بانک مرکزی صورت پذیرد؛ باشد تا از این طریق، زمینه تسهیل در ایفای نقش آخرین منبع اعتباری از سوی بانک مرکزی نیز فراهم شود. اما در هر حال، موضوع تعیین نهاد مسئول در زمینه اعمال نظارت بر بانک‌ها هنوز هم یکی از مباحث چالش‌برانگیز در محدوده ادبیات بانکداری به شمار می‌رود و در این خصوص، دیدگاه‌ها و آرای متفاوتی ابراز شده است.^{۳۴}

یکی دیگر از مسائل طرح شده در همین ارتباط، امکان پذیر بودن تهیه اطلاعات سودمند از جانب نهادهای نظارتی گوناگون برای مقاصد اعمال سیاست‌های پولی از سوی بانک مرکزی است، اما گروه کثیری از صاحب نظران بانکداری بر این باورند که دستیابی بانک مرکزی به اطلاعات نظارتی مورد نیاز برای بهبود پیش‌بینی‌های کلان اقتصادی مستلزم حضور جدی و فعال بانک مزبور در عرصه نظارت بر بانک‌ها می‌باشد. شاید یکی از راه‌کارهایی که از طریق آن

قوانین و مقررات ایجاد پراکندگی در تلاش‌های افراد و گروه‌های برخوردار از علائق و منافع خاص باشد و به عبارت دیگر، اگر این قوانین و مقررات در پی اجرای راه برد "تفرقه بینداز و حکومت کن" باشند، احتمال پشتیبانی این افراد و گروه‌ها از تصویب قوانین و مقررات تامین‌کننده منافع گروه‌های خاص تا اندازه زیادی کاهش پیدا می‌کند. در حقیقت، با تفکر در چنین دیدگاه‌هایی می‌توان به آسانی نحوه عمل اقتصاددانان در زمینه افزایش پیچیدگی سیاسی راه‌کارهای مربوط به حل و فصل تضاد منافع میان افراد و گروه‌های مختلف را تشخیص داد؛ راه‌کارهایی که اساساً موجب افزایش احتمال تصویب قوانین و مقرراتی می‌شود که بهبود رفاه اجتماعی آحاد گوناگون جامعه را به همراه دارد.

کدامین نهاد باید عهده‌دار مسئولیت اعمال نظارت بر نظام بانکی باشد؟

کشورهای مختلف جهان در مورد تعیین نهاد مسئول در ارتباط با اعمال نظارت بر نظام بانکی، روش‌های متفاوتی را اختیار کرده‌اند. برای نمونه، در برخی از کشورها مانند آرژانتین، اعمال نظارت اساساً در انحصار بانک مرکزی قرار دارد؛ در حالی که در پاره‌ای از دیگر کشورها میان اعمال سیاست پولی و اعمال نظارت بر نظام بانکی، تفکیک و تمایز ایجاد شده و هیچ‌گونه نقش نظارتی به بانک مرکزی داده نشده است. در دسته‌ای از کشورها نیز نهاد مسئول در زمینه نظارت بر بانک‌ها با همکاری سایر نهادهای نظارتی در سطوح مختلف حکومتی (دولت مرکزی، دولت ایالتی، دولت محلی)، وظایف مربوط به نظارت بر نظام بانکی را اجرا می‌کند.

وجود تفاوت در نحوه عمل کشورهای مختلف جهان در زمینه تعیین نهاد مسئول در زمینه اعمال نظارت بر نظام بانکی سبب شده است تا گروهی از پژوهشگران بانکداری به تحلیل مساله پرداخته و راه‌کارهایی را در این خصوص ارائه کنند؛ راه‌کارهایی که هدف اصلی از آنها تعیین مناسب‌ترین ساختار نظارتی برای نظام بانکی است.

بررسی‌های به عمل آمده در این راستا گویای آن است که میان کارکردهای مربوط به اعمال نظارت و اعمال سیاست‌های پولی نوعی هم‌افزایی وجود دارد؛ زیرا اطلاعات حاصل از ارزیابی سلامت و ثبات بانک‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بهبود دقت پیش‌بینی‌های کلان اقتصادی باشد. جالب توجه آن که لازمه اعمال سیاست‌های پولی همانا وجود امکان پیش‌بینی دقیق متغیرهای کلان اقتصادی است و در این

و بدیهی است که تحلیل دقیق تر ابعاد مربوط به طراحی نوعی نظام نظارت احتیاطی برای نظام بانک مستلزم اجرای پژوهش‌هایی می‌باشد که به صورت همه‌جانبه به بررسی موضوع پرداخته و ابعاد گوناگون آن را مدنظر قرار دهند. یافته‌های چنین پژوهش‌هایی ضمن آن که می‌تواند اثربخشی نظارت بر نظام بانکی را افزایش دهد، به کارایی سیاست‌های پولی کشور نیز کمک شایانی خواهد کرد و جمله این موارد در نهایت می‌تواند به ثبات مالی در کل اقتصاد بینجامد.



پی نوشت

- 1- Randolph P. Beatty, Rex Thompson and Michael Vetsuypens, *Issuance Costs and Regulatory Change in the Investment Banking Industry*, Preliminary Working Paper (Dallas TX.: Southern Methodist University March 1998). Amar Gande Manju Puri and Anthony Saunders, "Bank Entry Competition and the Market for Corporate Securities Underwriting" *Journal of financial Economics* Vol. 54. No. 2 (November 1999) pp. 165-195.
- 2- Geore Benston, *The Separation of Commercial and Investment Banking: The Glass - Steagall Act Revisited and Reconsidered* (Oxford: Oxford University Press 1990) p. 273.
- 3- James S. Ang and Terry Richardson, "The Underwriting Experience of Commercial Bank Affiliates Prior to the Glass - Steagall Act: A Reexamination of Evidence for Passage of the Act", *Journal of Banking and Finance*. Vol.18., No.2, (January 1994) pp. 351-395. also Randall S. Kroszner and Raghuram G. Rajan "Is the Glass-steagall Act Justified? A Study of the U. S. Experience With Universal Banking Before 1933", *American Economic Review*. Vol.84. No.4 (September 1994) pp. 810-832. Also Randall S. Kroszner and Raghuram G. Rajan "Organization Structure and credibility: Evidence From Commercial Bank Securities Activities Before the Glass -Steagall Act" *Journal of Monetary Economics*, Vol.39. No.3 (August 1997) pp. 475-516. Also Manju Puri, "The Long - term Default

بتوان ساختار ارتباط بانک مرکزی با نهادهای نظارتی را بهبود بخشید و زمینه دسترسی آن به اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را فراهم ساخت، همانا ایجاد تغییر در ساختار فعلی رابطه بانک مرکزی با نهادهای نظارتی باشد.

نظارت بر بانک و تاثیر آن بر نظام اقتصادی

اگر چه هدف اولیه نظارت بر بانک‌ها همانا بهبود ثبات مالی است، اما نظارت بر نظام بانکی به خودی خود بر میزان وام‌ها و اعتبارات اعطایی نظام بانکی اثرگذار می‌باشد؛ و بدین گونه است که اعمال نظارت بر بانک‌ها بر کل نظام اقتصادی و رشد و توسعه آن تاثیر می‌گذارد. ادبیات بانکداری حاوی نمونه‌های بسیاری است که نشان می‌دهد بروز بحران‌های بانکی و محدود شدن انگیزه‌های بانک‌ها برای اعتباردهی، ضمن کاهش تقاضا در سطح کل اقتصاد به شکل‌گیری رکود اقتصادی نیز منجر می‌شود. در همین ارتباط، گروهی از پژوهشگران بانکداری نیز به بررسی تأثیر بالقوه نظارت احتیاطی و میزان سخت‌گیری مراجع و نهادهای نظارتی در زمینه اعمال قوانین و مقررات مربوط به آن، بر میزان وام‌ها و اعتبارات اعطایی بانک‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از این مطالعات نشان می‌دهد که رفتار بانک‌ها در زمینه اعطای تسهیلات تا اندازه زیادی متأثر از میزان سخت‌گیری در اعمال قوانین و مقررات نظارتی است؛ به طوری که با کاهش این سخت‌گیری‌ها، میزان تسهیلات مالی اعطا شده به وسیله بانک‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. بر همین اساس و با توجه به اثرهای میزان اعتبارات و وام‌های اعطا شده بر رونق اقتصادی، اعمال سخت‌گیری در زمینه نظارت بر بانک‌ها می‌تواند از پیامدهای اقتصادی نامطلوب بسیاری برخوردار باشد.

افزون بر این، شواهد گردآوری شده نشان می‌دهد که تغییر در میزان سخت‌گیری در اعمال قوانین و مقررات نظارتی می‌تواند دارای اثرهایی بر متغیرهای اقتصادی باشد که از جهت سیاست‌های پولی نیز با اهمیت محسوب می‌شود. اما گروهی دیگر از اندیشمندان بانکداری معتقدند که شواهد گردآوری شده در این خصوص، هیچ‌گونه توجهی به اثرهای ناشی از تغییر در کل محیط اقتصادی و متغیرهایی غیر از نظارت نکرده است.

کلام آخر

در این مقاله تلاش شد تا پیامدهای مثبت حاصل از وجود نوعی نظام نظارت احتیاطی اثربخش و تاثیر مطلوب آن بر سلامت و پایداری اقتصادی کشور بررسی و تحلیل شود. مسلم

Case of Argentina, 1992-99." In **Prudential Supervision: what work and what Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 147-196.

14- Monitoring.

15- Influencing.

16- Mark J. Flannery, "Using Market Information in Prudential Bank Supervision: A Review of the U. S. Economical Evidenc", **Journal of Money, Credit and Banking** Vol. 30, No.3 (August 1998), pp. 273-305.

17- Non-Extreme Situations.

۱۸- نمونه‌ای از یک وضعیت حاد، شرایطی است که در آن ورشکستگی بانک قریب‌الوقوع بوده و عملکرد آن به نحوی است که زمینه انحلال و تحصیل آن از سوی یک بنگاه اقتصادی، کاملاً محتمل است.

19- Robert R. Bliss and Mark J. Flannery, op. cit., 132.

20- Raghuram G. Rajan, "Market Discipline in the Governance of U. S. Holding companies:

Monitoring Versus Influencing - A Comment." in **Prudential Supervision: what works and what Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 146-147.

21- Laurence H. Meyer, op. cit.

۲۲- پنج عنصر مورد اشاره یعنی اوراق مشارکت (Bonds)، حسابرسی (Auditing)، نظارت (Supervision)، اطلاعات (Information) و رتبه‌بندی اعتباری (Credit Rating)، ارکان اصلی نظام نظارتی موسوم به (BASIC) را تشکیل می‌دهند.

23- Charles W. Calamiris and Andrew Poll, op. Cit., p.184.

24- *ibid.*, p. 186.

25- Douglas W. Diamond, "Can Emerging Market Bank Regulators Establish Credible Discipline? The Case of Argentina, 1992-99-A Comment." in **Prudential Supervision: what works and what Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp.195-197.

26- Bureaucratic Gambling.

27- Edward J. Kane, *The SEL Insurance Mess: How Did It Happen?* (Washington D. C., WA.: Urban Institute Press, 1989).

Performance of Bank Underwritten Security

Issues", **Journal of Banking and Finance** Vol. 18. No.2 (January 1994) pp. 397-418. also Amar Gande, Manju

Puri, Anthony Saunders and Ingo Walter, "Bank Underwriting of Debt Securities: Modern

Evidence", **Review of Financial Studies**, Vol.10. No.4 (Winter 1997) pp. 1175-1202.

4-Firewalls.

5-James R. Barth, Gerard Caprio, Jr. and Ross Levine.

"Banking Systems around the Globe: Do Regulation and Ownership Affect Performance and

Stability?" In **Prudential Supervision: what works and**

what Doesn't. Frederic S Mishkin ed. (Chicago. Ill.: University of Chicago Press. 2001). pp. 31-97.

6-*ibid.*, p.69.

7-Mark Gertler, "Banking Systems around the Globe: Do Regulation and Ownership Affect

Performance and Stability? A Comment". In

Prudential Supervision: what Works and what Doesn't.

Frederic S. Mishkin. Ed. (Chicago. Ill.: University of Chicago press. 2001). pp. 83-87.

8- James R. Barth. et. al. op. cit. p.73.

9-*ibid.*, p.79.

10- Laurence H. Meyer, *Financial Stability in*

Emerging Markets - what Have we Accomplished

and what Remains To Be Done? (Washington D. C.,

WA.: Center for Strategic and International Studies, December 2001).

11- *ibid.*

12- Subordinated Debt .

۱۳- برای مطالعه برخی از آرا و دیدگاه‌های ابراز شده در زمینه کاربرد نظام‌بازار در محدوده نظارت بر بانک‌ها، به دو مرجع زیر رجوع شود:

Robert R. Bliss and Mark J. Flannery, "Market Discipline in the Governance of US Bank Holding companies: Monitoring Versus Influencing" in

Prudential Supervision: what works and what Doesn't,

Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago Ill.: University of

Chicago Press, 2001), pp.107-146., also Charles W.

Calomiris and Andrew Powell, "Can Emerging Market

Bank Regulators Establish Credible Disciplin? The

the Design of Bank Regulatory Structure - A Comment." In **Prudential Supervision: What Works and What Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 295-300.

۴۵- برای مطالعه تعدادی از مقالات و آثار نوشتاری مرتبط با این موضوع، به مراجع زیر رجوع شود:

Ben S. Bernanke and Cara S. Lown, "*The Credit Crunch.*" in **Brooking Papers on Economic Activity** 2, William C. Brainard, Georg I. Perry, and Robin Brooks, eds. (Washington D. C., WA.: The Brookings Institute, July 1991), pp. 205-239., also **Federal Reserve Bank of New York**, "*The Role of the Credit Slowdown in the Recent Recession.*" **Federal Reserve Bank of New York Quarterly Review**, Vol.18, No.1 (January 1993), pp. 4-16., Also Allen N. Berger and Gregory F. Udell, "*Did Risk-Based Capital Requirements Allocate Bank credit and Cause a Credit Crunch in the United States*" **Journal of Money, Credit, and Banking**, Vol.26, No.3 (August 1994), pp. 585-628., also Allen N. Berger, Anil K Kashyap, and Joseph M. Scalise, "*The Transformations of the U. S. Banking Industry: What a long Strange Trip It's Been.*" in **Brooking Papers on Economic Activity** 2, William C. Brainard, Georg I. Perry, and Robin Brooks, eds. (Washington D. C., WA.: The Brookings Institute, July 1991), pp. 55-201., also Diana Hancock, Andrew J. Laing, and James A. Wilcox, "*Bank Capital Shocks: Dynamic Effects on Securities, Loans, and Capital.*" **Journal of Banking and finance**, Vol. 19, Nos. 3-4 (June 1995), pp.661-678., Also Joseph Peek and Eric S. Rosengren, "*Bank Regulation and the Credit Crouch.*" **Journal of Banking and finance**, Vol. 19, Nos. 3-4 (June 1995), pp. 679-692.

46- Allen N. Berger, et. al., Op. cit.

47- Stephen G. Cecchetti, "*Did US Bank Supervisors Get Tougher during the Credit Crunch? Did They Get Easier during the Banking Boom? Did it Matter to Bank Lending? A Comment.*" in **Prudential Supervision: what works and what Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 345-357.

28- Frederic S. Mishkin, "*Evaluating FDICIA.*" In **FDICIA: Bank Reform Five Years Later and Five Years Ahead**, George Kaufman, ed. (Greenwich, Conn.: JIA. Press, 1997), pp.17-33.

29- Signal.

30- Price Signal.

31- Charles W. Calomiris and Andrew Powell, op. cit.

32- Allen N. Berger, et. al., Op. cit., P.327.

33- **Economic Capital.**

34- **Regulatory Capital.**

35- Laurence H. Meyer, op. cit.

36- **Committee on Banking Regulations and Supervisory Practices (The Basel Committee), A New Capital Adequacy Framework** (Basel, Switzerland: Bank For international Settlements, 1999).

37- Standard Approach.

38- Internal Ratings Approach.

39- Monte Carlo Simulation Model.

40- Mark Carey, "*Dimensions of Credit Risk and Their Relationship to Economic Capital Requirements.*" in **Prudential Supervision: What Works and What Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 197-233.

41- The Riegle- Neal, *Interstate and Branching Efficiency Act.*

42-Randall S. Kroszner and Philip E. Strahan, "*Obstacles to Optimal Policy: The Interplay of Politics and Economics in Shaping Bank Supervision and Regulation Reforms.*" In **Prudential Supervision: What works and What Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 233-273.

43- Joe Peek, Eric S. Rosengren, and Geoffrey M. B. Too tell, "*Synergies Between Bnak Supervision and Monetary Policy; Implications for the Design of Bank Regulatory Structure.*" in **Prudential Supervision: What Works and What Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 273-295.

44- Ben S. Bernanke, "*Synergies Between Bank Supervision and Monetary Policy; Implications for*